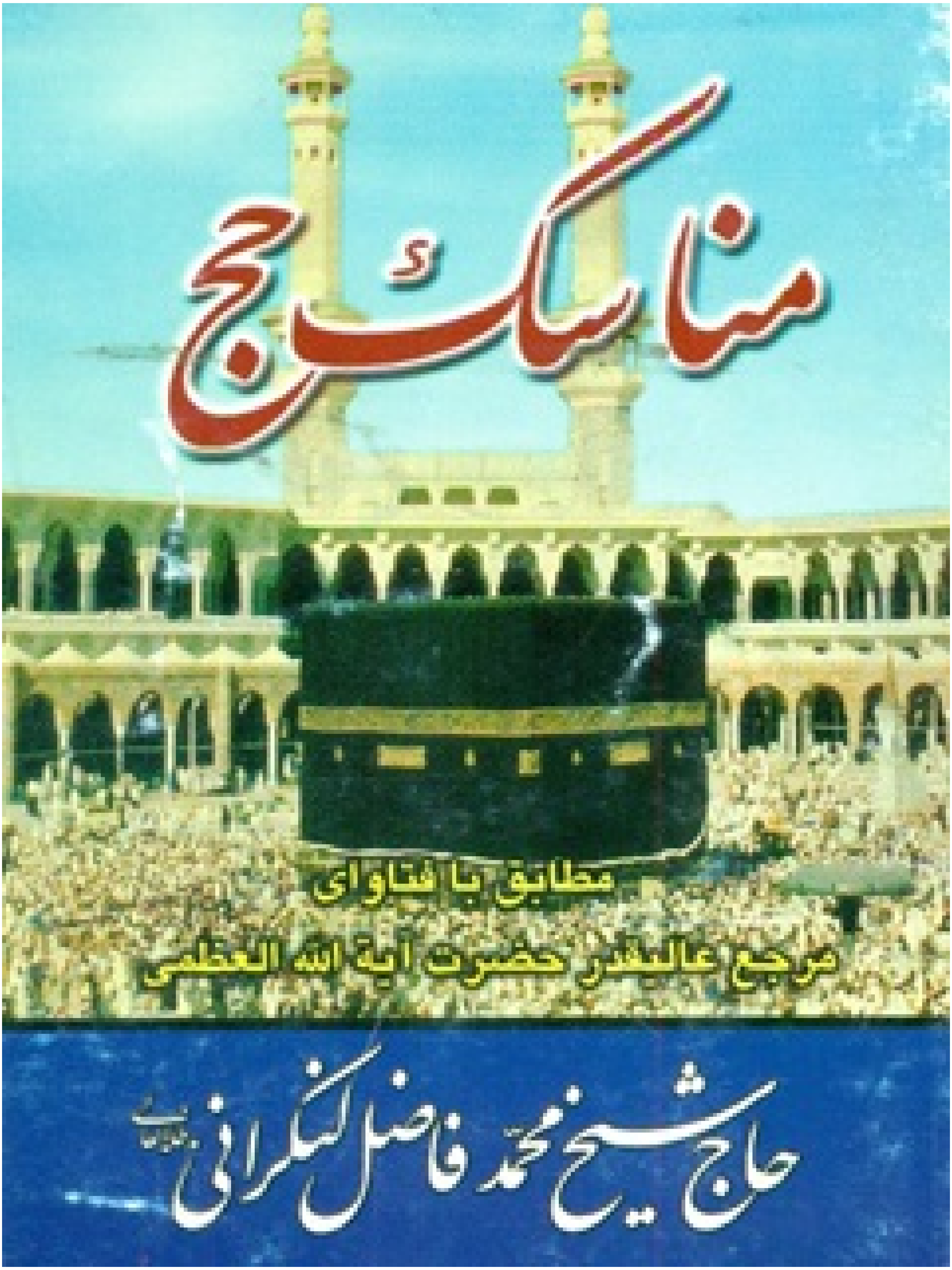


مناسک حج
مطابق با فتاوای
مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی
حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی

بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک حج (فاضل)

نویسنده:

محمد فاضل لنکرانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک حج (فاضل)

مشخصات کتاب

سرشناسه : فاضل‌موحدی‌لنکرانی، محمد، ۱۳۱۰ -

عنوان و نام پدیدآور : مناسک حج/ مطابق با فتاوای محمد فاضل‌لنکرانی.

وضعیت ویراست : [ویراست؟]

مشخصات نشر : قم: دفتر آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : ۴۲۴ ص.؛ م س ۱۴ × ۱۰

شابک : ۳۰۰۰ ریال ؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ پانزدهم).

یادداشت : چاپ پانزدهم: شهریور ۱۳۸۵.

موضوع : حج.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه.

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ف۱۸م۸ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م۸۳-۳۱۳

پیشگفتار

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ حج یکی از ارکان دین و از ضروریات اسلام می‌باشد، و بر هر فرد مکلفی که جامع شرایط آن باشد واجب است، و اگر آن را بـا اعتقـاد به وجوب ترک کنـد مرتکب گنـاه کبیره شـده است، و اگر اصل وجوب حـج را انکار کنـد چنانچه به انکار رسالت برگشت کند کافر می‌شود. خدای سبحان در قرآن مجید می‌فرماید: «وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ». «۱»

---

(۱)- آل عمران ۲: ۹۷.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰

شیخ کلینی قدس سره در روایت معتبری از حضـرت صادق علیه السـلام نقل می کند: «کسـی که بمیرد در حالی که حجهٔ‌الاسـلام را انجام نداده به دین یهود یا نصرانیت می‌میرد.

مگراینکه انجام‌نـدادن به جهت نیـاز شدیـدی که او را مسـتأصل کرده، یـا بیمـاری و علتی که توانایی حـج را از او گرفته یا ممانعت حکومت باشد» «۱». تنظیم این مناسـک با نظارت بخش استفتاآت دفتر حضـرت آیـهٔ‌اللّه العظمی فاضل لنکرانی، توسط آقایان حاج شیـخ محمـد عطایی و حاج شیـخ محمـد فرقانی زید عزهما، انجام گرفته است. امید است مورد اسـتفادهٔ کامل حجاج بیت‌اللّه الحرام قرار گیرد.

---

(۱)- کافی: ج ۴، ص ۲۶۸، باب من سوّف الحج، ح او ۵.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱

اقسام حج و عمره

اشاره

حج سه نوع است: حج تمتع، حج قران و حج إفراد. و عمره دو نوع است: عمرهٔ مفرده و عمرهٔ تمتع. ابتدا اجمالًا احکام حج قران و إفراد و عمرهٔ مفرده را متذکر می‌شویم، و سپس تفصیلًا به بیان مسائل عمره و حج تمتع خواهیم پرداخت.

حج قران و إفراد

مسألهٔ ۱-- حج قران و حج إفراد وظیفهٔ کسانی است که منزل آنان مکه یا در کمتر از شانزده

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲

فرسخی (۴۸ میلی) مکه باشد.

مسألهٔ ۲-- کسی که وطن او مکه یا در کمتر از شانزده فرسخی مکه باشد یا در آنجا دو سال یا بیشتر مانده باشد و در این مدت مستطیع شده باشد باید حج قران یا إفراد انجام دهد. و نمی‌تواند حج تمتع بجا آورد. و اگر حج تمتع بجا آورد کفایت از حجهٔالاسلام او نمی‌کند.

مسألهٔ ۳-- کسی که وظیفهٔ اصلی او حج تمتع است چنانچه حجهٔالاسلام خود را انجام داده باشد، یا مستطیع نباشد، می‌تواند حج إفراد بجا آورد. بر چنین فردی انجام عمرهٔ مفرده بعد از حج إفراد واجب نیست.

مسألهٔ ۴-- حج قران و افراد مانند حج تمتع است. مگر در سه مورد:

۱-- محل احرام حج تمتع فقط مکه است، و محل احرام حج قران و إفراد یکی از مواقیت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳

معروفه یا منزل شخص که داخل محدودهٔ شانزده فرسخی مکه است می‌باشد.

۲-- در حج تمتع در حال اختیار طواف و سعی باید بعد از وقوفین و اعمال روز عید انجام شود، ولی در حج قران و إفراد در حال اختیار هم می‌شود طواف و سعی را مقدم داشت.

۳-- در حج تمتع قربانی واجب است، ولی در حج إفراد مستحب است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴

عمرهٔ مفرده

اشاره

همانگونه که حج به واجب و مستحب تقسیم می‌شود، عمره نیز مانند حج به واجب و مستحب تقسیم می‌شود.

مسألهٔ ۵-- کسی که وظیفهٔ او حج إفراد یا قران است چنانچه دارای شرایط استطاعت آن نباشد و فقط استطاعت عمرهٔ مفرده را داشته باشد واجب است عمرهٔ مفرده انجام دهد.

مسألهٔ ۶-- کسی که وظیفهٔ اصلی او حج تمتع است اگر به جهت عذری حج او بدل به إفراد شده واجب است بعد از آن یک عمرهٔ مفرده بجا آورد. و اگر انجام ندهد عمرهٔ مفرده بر او مستقر می‌شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵

مسألهٔ ۷-- عمرهٔ مفرده بر اهالی مکه و کسانی که که فاصله منزلشان تا مکه کمتر از شانزده فرسخ باشد در طول عمر به شرط دارا بودن شرایط آن یکبار واجب می‌شود. و برای افراد دیگر که وظیفهٔ آنها حج تمتع است عمرهٔ تمتع کفایت از عمرهٔ مفرده می‌کند. بنابراین عمرهٔ مفرده بر آنها واجب نیست هر چند دارای شرایط آن باشند.

مسألهٔ ۸-- بر کسی که قصد ورود به مکه را داشته باشد اگر نخواهد حج قران یا إفراد یا عمرهٔ تمتع انجام دهد واجب است عمرهٔ مفرده انجام دهد. و در میقات به نیت انجام آن محرم شود.

مسألهٔ ۹-- اگر بخواهد از طریق هوایی از فضای مکه عبور کند لازم نیست محرم شود.

مسألهٔ ۱۰-- عبور از میقات بدون احرام جایز نیست. ولی کسی که قصد ورود به مکه را ندارد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶

یا در همان ماه قمری عمرهٔ مفرده یا حج بجا آورده است یا شغلش ایجاب می‌کند مکرراً به مکه رفت و آمد کند می‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند.

مسألهٔ ۱۱-- کودک، مجنون، بیهوش، و کسانی که شرعاً مکلف نیستند لازم نیست برای ورود به مکه محرم شوند و ولیّ آنها در این مورد وظیفه‌ای ندارد.

مسألهٔ ۱۲-- کسی که عمره و حج بر او واجب نیست اگر عصیاناً بدون احرام وارد مکه شد گناهکار است، ولی بعد از ورود به مکه تکلیف خاصی ندارد، و ماندنش در مکه بی‌اشکال است.

مسألهٔ ۱۳-- کسی که عصیاناً از مواقیت معروفه بدون احرام گذشت و وارد مکه شد گرچه معصیت کرده ولی برای عمرهٔ مفرده احرام از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷

ادنی‌الحل «۱» صحیح است، و رفتن به یکی از مواقیت لزومی ندارد.

مسألهٔ ۱۴-- کسی که می‌خواهد از جده برای عمرهٔ مفرده به مکه برود چون از مواقیت پنجگانه عبور نمی‌کند می‌تواند از حدیبیه، جعرانه یا تنعیم محرم شود و معصیتی نیز مرتکب نشده است.

مسألهٔ ۱۵-- تکرار عمرهٔ مفرده مانند تکرار حج مستحب است. ولی یک فرد در یک ماه قمری نمی‌تواند بیش از یکبار برای خود یا برای فرد دیگری عمرهٔ مفرده انجام دهد. ولی بعد از حج انجام عمره در همان ماه اشکالی ندارد. و همین

---

(۱)- ادنی الحل یعنی نزدیکترین نقطه به محدودهٔ حرم که حدود آن به صورت یک چند ضلعی نامنظم در اطراف مکه تعیین شده است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸

طور است اگر در یک ماه چند عمره برای چند نفر بجا آورد.

مسألهٔ ۱۶-- انجام عمرهٔ مفرده در طول سال حتی در ماههای حج مانعی ندارد. چه اینکه قصد انجام حج تمتع را داشته باشد یا خیر.

مسألهٔ ۱۷-- کسی که در ماههای حج (شوّال، ذی‌القعده، ذی‌الحجّه) عمرهٔ مفرده انجام دهد اگر تا ایام حج در مکه بماند و بخواهد حج تمتع انجام دهد آن عمره کفایت از عمرهٔ مفرده تمتع و می‌تواند حج تمتع بجا آورد.

اعمال عمرهٔ مفرده

اشاره

مسألهٔ ۱۸-- عمرهٔ مفرده شامل هفت عمل می‌باشد: ۱- احرام.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹

۲- طواف. ۳- نماز طواف. ۴- سعی بین صفا و مروه. ۵- تقصیر یا حلق. ۶- طواف نساء. ۷- نماز طواف نساء.

۱- احرام:

مسألهٔ ۱۹-- محل احرام عمرهٔ مفرده علاوه بر مواقیت پنجگانه که در عمرهٔ تمتع ذکر خواهد شد ادنی‌الحل نیز می‌باشد، ولی کسی که در خارج از حرم قصد عمرهٔ مفرده دارد و از یکی از مواقیت عبور می‌کند باید از آن میقات محرم شود، و جایز نیست تا ادنی‌الحل احرام را تأخیر بیندازد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰

مسألهٔ ۲۰-- کیفیت احرام عمرهٔ مفرده همانند عمرهٔ تمتع می‌باشد که شرح آن در جای خود خواهد آمد. و تنها در نیت تفاوت دارد. و با احرام آن کلیهٔ چیزهایی که بر محرم حرام می‌شود بر این شخص نیز حرام می‌شود.

۲ و ۳ و ۴- طواف و نماز طواف و سعی:

مسألهٔ ۲۱-- طواف و نماز طواف و سعی عمرهٔ مفرده باید با تمام شرایطی که در طواف و نماز طواف و سعی عمرهٔ تمتع بیان می‌شود انجام گردد.

مسألهٔ ۲۲-- کسی که عمره یا حج مستحبی بجا می‌آورد چنانچه طواف و سعی آن را به نیت وجوب بجا آورد اشکالی ندارد، هر چند قصد وجه لازم نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱

۵- تقصیر یا حلق:

مسألهٔ ۲۳-- در عمرهٔ مفرده بعد از سعی محرم مخیّر است با تقصیر یا حلق از احرام خارج شود، بر خلاف عمرهٔ تمتع که تنها می‌تواند تقصیر کند.

و کیفیت تقصیر همانند عمرهٔ تمتع است که شرح آن در جای خود خواهد آمد.

۶ و ۷- طواف نساء و نماز طواف نساء:

مسألهٔ ۲۴-- در عمرهٔ مفرده با تقصیر یا حلق تمام محرمات احرام بجز همسر حلال می‌شود.

و حلیت آن نیز متوقف بر انجام طواف نساء و نماز آن است که شرح آن در حج تمتع خواهد آمد. البته حرمت صید حرم مادامی که فرد در حرم باشد باقی است خواه محرم باشد یا از احرام خارج شده باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲

بنابر آنچه که ذکر شد عمرهٔ مفرده با عمرهٔ تمتع در سه چیز با هم فرق می‌کنند: ۱- میقات. ۲- تقصیر یا حلق. ۳- طواف نساء.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳

حج تمتّع

مسألهٔ ۲۵-- کسی که وطن او مکه یا در کمتر از شانزده فرسخی آن نیست و دو سال هم در آنجا نمانده است وظیفه‌اش حج تمتع است، و اگر حج قران یا إفراد بجا آورد کفایت از حجهٔالاسلام او نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۶-- کسی که شرایط وجوب حج را ندارد یا حج واجب خود را بجا آورده حج بر او مستحب است.

مسألهٔ ۲۷-- ترک حج استحبابی برای کسی که توانایی انجام آن را دارد بیش از ۵ سال مکروه است.

مسألهٔ ۲۸-- مستحب است انسان در صورت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴

توانایی، آشنایان و بستگان خود را به حج بفرستد. همان‌طوری که مستحب است برای آنها حج بجا آورد.

مسألهٔ ۲۹-- کسی که مخارج حج را ندارد مستحب است با قرض کردن یا حتی اجیر شدن برای حج و نیابت از دیگری حج بجا آورد.

مسألهٔ ۳۰-- اهدای ثواب حج استحبابی قبل از عمل یا هنگام آن یا بعد از آن برای دیگری حتی چهارده معصوم علیهم السلام مستحب است. همان طوری که انجام حج مستحبی برای خود و به نیابت از چهارده معصوم علیهم السلام و همچنین به نیابت از پدر و مادر و خویشان و برادران دینی خود چنانچه غایب یا معذور باشند صحیح است.

مسألهٔ ۳۱-- زن شوهردار یا زنی که در عدهٔ طلاق رجعی است بدون اجازهٔ شوهر خود نمی‌تواند حج مستحبی بجا آورد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۵

مسألهٔ ۳۲-- اگر زن بدون اجازهٔ شوهر به عربستان رفت و ناچار بود که همراه کاروان به مکه برود- چون ورود به مکه بدون احرام حرام است- می‌تواند به نیت عمرهٔ مفرده رجاءاً محرم شود و اعمال عمرهٔ مفرده را انجام دهد. ولی نمی‌تواند حج تمتع بجا آورد.

مسألهٔ ۳۳-- برای انجام حج مستحبی اجازهٔ پدر و مادر شرط نیست. بلی اگر رفتن به حج موجب اذیت و آزار آنها شود. و آنها نهی کنند جایز نیست. و در این صورت سفر معصیت محسوب می‌شود و حج او باطل است.

مسألهٔ ۳۴-- شخصی که حج واجب خود را انجام داده اگر احتمال خللی در آن بدهد، یا احتمال بدهد که آن هنگام مستطیع نبوده، یا بدون دلیل بخواهد اعاده کند می‌تواند به قصد ما فی‌الذمه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶

بجا آورد «۱».

مسألهٔ ۳۵-- شخصی که اجیر شده یا به عنوان خدمه اعزام شده مشروط بر اینکه فقط عمرهٔ مفرده انجام دهد اگر از روی غفلت یا عمداً عمرهٔ تمتع انجام داد عمرهٔ او صحیح است. و اگر شرط کننده اجازه داد واجب است محرم به حج تمتع شود و حج بجا آورد. ولی اگر اجازه نداد حج تمتع واجب نیست و به همان عمره اکتفا کند. و احتیاط مستحب آن است که یک طواف نساء بجا آورد. و اگر بدون اجازه محرم به حج تمتع شد نیز صحیح است و باید حج را تمام کند، و در این فرض طرف قرارداد حق فسخ قرارداد را دارد.

---

(۱)- یعنی قصد امتثال مطلق امر متوجه به او.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷

عمره و حج کودکان

مسألهٔ ۳۶-- بر کودک ممیز مستحب است عمره و حج بجا آورد، و عمل او صحیح است هر چند بدون اجازهٔ ولیّ او باشد.

مسألهٔ ۳۷-- مستحب است ولیّ، کودک غیر ممیز خود را محرم کند، یعنی لباس احرام به او بپوشاند و به نیت انجام حج یا عمره اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کند و گرنه خودش بجای او بگوید.

مسألهٔ ۳۸-- مقصود از «ولیّ» در مسأله قبل ولیّ شرعی می‌باشد، و در این مورد مادر کودک ملحق به ولیّ شرعی است.

مسألهٔ ۳۹-- بعد از آنکه کودک محرم شد ولیّ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸

باید او را از محرمات احرام باز دارد. و اگر ممیز نیست رعایت محرمات احرام او بر عهدهٔ ولیّ است.

مسألهٔ ۴۰-- یکی از محرمات احرام که سایه قرار دادن است، و احکام آن در جای خود خواهد آمد، اختصاص به مردان دارد، و این حکم شامل کودکان نمی‌شود.

مسألهٔ ۴۱-- کفارهٔ محرمات احرام کودک بنابر اقوی در صید و بنابر احتیاط واجب در غیر صید بر ولی کودک است.

مسألهٔ ۴۲-- ولیّ پس از احرام کودک باید او را وادار کند که تمام اعمال عمره و حج را انجام دهد، و در اعمالی که نیاز به طهارت و وضو دارد احتیاطاً باید کودک را وضو بدهد و پاک نگاه دارد.

مسألهٔ ۴۳-- اگر کودک در اثنای طواف بخوابد یا محدث شود، بنابر احتیاط پس از تطهیر و وضو

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹

دادن کودک طبق مسأله ۵۰۹ عمل شود.

مسألهٔ ۴۴-- اگر بعد از طواف متوجه شوند که کودک محدث شده، ولی ندانند که حدث در حال طواف بوده یا بعد از طواف، اعتنا نکنند و طواف صحیح است.

مسألهٔ ۴۵-- اگر در اثنای طواف یا بعد از آن یقین کنند که کودک در بین طواف محدث شده، ولی ندانند دور چندم بوده، احتیاطاً طواف باطل است، و بنابر احتیاط واجب پس از تطهیر و وضو دادن کودک، دوباره او را طواف دهند.

مسألهٔ ۴۶-- اگر کودک در حال سعی خوابش ببرد مانعی ندارد، و می‌توانند در همان حال سعی او را اتمام کنند، چون نیتِ سعیِ کودک با سعی دهنده است، و طهارت نیز در سعی شرط نیست.

مسألهٔ ۴۷-- قربانی حج کودک بر عهدهٔ ولیّ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰

اوست. و اگر تمکن نداشت از طرف کودک روزه بگیرد. حتی اگر ولیّ کودک نیز حج تمتع انجام می‌دهد و فقط تمکن از یک قربانی دارد باید آن را برای کودک قربانی کند و خودش روزه بگیرد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱

اقسام حج تمتع (واجب و مستحب)

اشاره

۱-- حجهٔ‌الاسلام.

۲-- حجی که با نذر و عهد و قسم انجام آن واجب می‌شود.

۳-- حجی که با اجیر شدن انجام آن واجب می‌شود.

۴-- در غیر موارد مذکور حج مستحب است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲

حجهٔالاسلام

اشاره

مسألهٔ ۴۸-- بر هر فردی که مستطیع باشد، یعنی شرایط وجوب حج را داشته باشد در مدت عمر یکبار حج واجب می‌شود. که آن را «حجهٔالاسلام» می گویند.

مسألهٔ ۴۹-- مستطیع بایـد حـج را فوراً انجام دهـد. یعنی در اولین سال استطاعت بجاآورد. و اگر تأخیر انـداخت معصیت کرده، و واجب است در سال بعد انجام دهد.

مسألهٔ ۵۰-- بر مستطیع واجب است مقدمات انجام حج از قبیل تهیه وسایل و اسباب سفر را- به طوری که بتواند در همان سال حج انجام دهد- فراهم کند. و چنانچه کوتاهی کند و نتواند در

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳

آن سال حج بجا آورد حج بر او مستقر می‌شود و باید در سالهای بعد آن را انجام دهد هر چند استطاعت او از بین برود، مگر اینکه انجام حج برای او حرجی باشد.

مسألهٔ ۵۱-- کسی که حج بر او مستقر شـده اگر انجام حـج برای او حرجی باشـد باید استنابه کند، واگر استنابه نکرد باید بعد از فوتش یک حج نیابتی- ولو میقاتی- از ترکهٔ او بگیرند.

مسألهٔ ۵۲-- چنانچه فردی با صیغهٔ صحیح نذر کند یا عهد کند یا قسم بخورد که حج تمتع انجام دهد به خاطر وفای به نذر یا عهد یا قسم باید حج را بجا آورد. و اگر عمداً آن را ترک کند باید کفارهٔ نذر یا عهد یا قسم خود را بدهد.

مسألهٔ ۵۳-- کلیه شرایط نذر و عهد و قسم که

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴

در توضیح‌المسائل آمده از جمله اجازهٔ شوهر برای نذر، و انحلال نذر با نهی پدر در مسائل حج نیز جاری است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۵

شرایط وجوب حجهٔالاسلام

اشاره

مسألهٔ ۵۴-- حـج با چهار شـرط واجب می‌شود: ۱- بلوغ. ۲- عقل. ۳- حرّیـت و برده نبـودن. ۴- اسـتطاعت. بـدون هر یک از این شرایط حج واجب نیست، و اگر انجام شود کفایت از حجهٔالاسلام نمی کند. بنابراین اگر بعد از بلوغ مستطیع شد واجب است به حج برود.

۱- بلوغ:

مسألهٔ ۵۵-- اگر کودک حج بجا آورد حج او

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۶

صحیح است. ولی کفایت از حجهٔالاسلام نمی‌کند. بنابر این اگر بعد از بلوغ مستطیع شد واجب است به حج برود.

مسألهٔ ۵۶-- اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و قبل از درک مشعرالحرام بالغ شود کفایت از حجهٔالاسلام می‌کند. ولی احتیاط مستحب تکرار حج در صورت استطاعت است.

مسألهٔ ۵۷-- کسی که گمان می‌کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد که بالغ بوده حج او کفایت از حجهٔالاسلام نمی‌کند. مگر اینکه قصد حجی را که به عهدهٔ اوست کرده باشد ولی فکر می‌کرده حج استحبابی است.

مسألهٔ ۵۸-- کودک نابالغ قبل از اینکه در میقات محرم شود اگر بالغ شد چنانچه از همان جا مستطیع باشد حج بر او واجب می‌شود و کفایت از حجهٔالاسلام می‌کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷

۲- عقل:

مسألهٔ ۵۹-- اگر مجنون را رجاءاً محرم کنند و او را همچون کودک وادار کنند که اعمال عمره و حج را انجام دهد چنانچه قبل از درک مشعر عاقل شود کفایت از حجهٔالاسلام می‌کند. ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت استطاعت در سالهای بعد حج را اعاده کند.

مسألهٔ ۶۰-- احتیاط آن است که مجنون را به اذن ولیّ شرعی او محرم کنند.

۳- حریت و برده نبودن.

۴- استطاعت.

اشاره

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸

استطاعت

مسألهٔ ۶۱-- کسی که مستطیع باشد نمی‌تواند حج خود را به دیگری واگذار کند.

مسألهٔ ۶۲-- کسی که شرایط استطاعت را دارا است اگر چه غافل یا جاهل به وجوب حج باشد، حج بر او مستقر می‌شود. و همچنین است اگر معتقد به عدم حصول شرایط استطاعت باشد و حج نرود سپس کشف خلاف شود.

مسألهٔ ۶۳-- اگر رفتن به حج موجب کار حرامی بشود باید ملاحظه اهمیت حج و کار حرام را بکند، و اگر اهمیت حج بیشتر بود باید به حج برود و الّا نباید برود.

مسألهٔ ۶۴-- اگر اهمیت کار حرام بیشتر بود ولی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹

با انجام آن به حج رفت با اینکه معصیت کرده اما حج او صحیح است.

مسألهٔ ۶۵-- مستطیع باید خودش حج بجا آورد و حج فرد دیگر از طرف او کفایت نمی‌کند، مگر در مورد بیمار و پیر به شرحی که

می آید.

مسألهٔ ۶۶-- اگر به گمان اینکه مستطیع بوده حج واجب خود را انجام دهد و بعد معلوم شود که مستطیع نبوده است، آن حج کفایت نمی کند و هر گاه استطاعت پیدا کرد باید حجهٔالاسلام خود را بجاآورد.

مسألهٔ ۶۷-- در فرض سابق اگر در بین اعمال معلوم شود مستطیع نبوده احرام او باطل است و لازم نیست بقیه اعمال را انجام دهد.

مسألهٔ ۶۸-- کسی طبق نظر مرجع تقلید سابق خود مستطیع بوده و بنابر همان تقلید حجهٔالاسلام خود را بجا آورده، ولی فعلًا از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۰

کسی تقلید می کند که معتقد است آن وقت مستطیع نبوده است، می‌تواند به همان حج اکتفا کند و اعاده لازم نیست.

مسألهٔ ۶۹-- کسی که خیال می کرده مستطیع نیست و به نیت استحباب برای عمرهٔ تمتع محرم شد، و بعد از اعمال عمرهٔ تمتع در مکه متوجه شد که مستطیع بوده، باید حجهٔالاسلام بجا آورد، ولی نمی‌تواند به عمرهٔ انجام شده اکتفا کند، و حکم کسی را دارد که احرام عمره را از روی فراموشی ترک کرده است.

مسألهٔ ۷۰-- در فرض سابق اگر به نیت وظیفهٔ فعلیه محرم شده و از باب خطای در تطبیق فکر می کرده مستحب است، کفایت می کند و می تواند به همان عمره اکتفا کند و حج تمتع را انجام دهد.

مسألهٔ ۷۱-- کسی که حج بر او مستقر بوده

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۱

چنانچه بعد از احرام و قبل از دخول در حرم به هر دلیل نتواند اعمال خود را بجاآورد و فوت کند و نیز چنانچه بعد از دخول در حرم و قبل از انجام اعمال در خارج حرم فوت کند ظاهراً حج از او ساقط نشده و باید از ترکهٔ او استنابه کنند. و اگر داخل حرم بمیرد کفایت از حجهٔالاسلام می کند.

مسألهٔ ۷۲-- استطاعت به داشتن پنج چیز حاصل می‌شود: ۱- استطاعت مالی. ۲- استطاعت بدنی. ۳- استطاعت طریقی. ۴- استطاعت زمانی. ۵- رجوع به کفایت.

مسألهٔ ۷۳-- اگر کسی یکی از این شرایط پنجگانه را نداشته باشد حج بر او واجب نیست،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲

اگر چه احتمال حصول آن را در آینده بدهد. کما اینکه تحصیل شرایط نیز بر او واجب نیست.

مسألهٔ ۷۴-- پس از حصول شرایط استطاعت در وجوب حج، بقای آن نیز تا آخر اعمال حج لازم است. و اگر قبل از تمام شدن حج شرایط استطاعت از بین رفت کشف از عدم استطاعت می کند.

استطاعت مالی

اشاره

مسألهٔ ۷۵-- استطاعت مالی به این است که مخارج رفت و برگشت حج و وسیلهٔ رفت و آمد یا پولی که بتواند بلیط رفت و برگشت را تهیه کند داشته باشد، و همچنین مخارج خانوادهٔ خود را در وطن داشته باشد.

مسألهٔ ۷۶-- فردی مستطیع است که علاوه بر مخارج مذکور در مسأله قبل، ضروریات زندگی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۳

مثل خانهٔ مسکونی و وسائل زندگی را نیز در حد شأن خود داشته باشد.

مسألهٔ ۷۷-- اگر کسی وسائل ضروری زندگی خود را فروخته و صرف حج کند کفایت از حجهٔالاسلام نمی‌کند.

مسألهٔ ۷۸-- کسی که منزل یا ماشین گرانقیمت دارد چنانچه با فروش آن بتواند منزل یا ماشین ارزانتر و مناسب شأن خود تهیه کند و با بقیهٔ پول آن به حج برود واجب است آن را فروخته و به حج برود.

مسألهٔ ۷۹-- کسی که پول ندارد ولی وسائلی دارد که جزء ضروریات زندگی نیست مثل زمین، ساختمان، کتاب یا اشیاء عتیقه، واجب است آنها را بفروشد و به حج برود.

مسألهٔ ۸۰-- اگر بتواند مقداری از سرمایه یا زمین کشاورزی و باغ خود را بفروشد و به حج

مناسك حج (فاضل)، ص: ۵۴

برود واجب است این کار را انجام دهد، مگر اینکه با باقیماندهٔ آن نتواند مخارج زندگی خود را به طور متعارف تأمین کند.

مسألهٔ ۸۱-- کسی که نیاز به ازدواج دارد و ترك ازدواج موجب مشقت و ضرر برای اوست در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج، مخارج ازدواج را نیز داشته باشد.

مسألهٔ ۸۲-- کسی که خودش نیاز به ازدواج ندارد ولی فرزند او یا نوهٔ او یا کسانی که عرفاً مخارج ازدواج آنها به عهدهٔ اوست نیاز به ازدواج دارند، حکم مسألهٔ قبل را دارد.

مسألهٔ ۸۳-- کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد در دو صورت واجب است به حج برود:

۱-- وقت پرداخت بدهی او نرسیده باشد و مطمئن باشد که در موعد مقرر تمکن از پرداخت دارد.

مناسك حج (فاضل)، ص: ۵۵

۲-- وقت پرداخت بدهی رسیده است ولی طلبکار راضی به تأخیر پرداخت باشد و بدهکار نیز بداند که در وقت مطالبه می‌تواند آن را بپردازد. در غیر این صورت حج واجب نیست.

ولی اگر بدهی را نداد و به حج رفت کفایت از حجهٔالاسلام می‌کند.

مسألهٔ ۸۴-- کسی که طلبکار است و طلب او برای حج کافی است در موارد زیر واجب است طلب خود را وصول کرده و به حج برود:

۱-- وقت طلب او رسیده باشد و بدهکار توانایی پرداخت داشته باشد.

۲-- وقت طلب نرسیده باشد اما بدهکار راضی به پرداخت باشد، گرچه با کم کردن مقداری از طلب، مشروط بر اینکه موجب عسر و حرج نباشد.

مسألهٔ ۸۵-- زنی که بتواند بدون مشکل مهریه

مناسك حج (فاضل)، ص: ۵۶

خود را از شوهر دریافت کند چنانچه شوهر توان پرداخت داشته باشد واجب است دریافت کرده و به حج برود.

مسألهٔ ۸۶-- اگر به کسی ارث برسد که به مقدار مخارج حج باشد چنانچه سایر شرایط را نیز داشته باشد باید به حج برود.

مسألهٔ ۸۷-- اگر بتواند قرض کند و پرداخت آن برای او مشکل نباشد واجب نیست قرض کند، ولی اگر قرض کرد و به حج رفت کفایت از حجهٔالاسلام می‌کند.

مسألهٔ ۸۸-- کسی که شك کند استطاعت مالی دارد یا خیر، لازم است تحقیق کند که چه مقدار پول دارد و هزینهٔ حج او چه مقدار می‌شود.

مسألهٔ ۸۹-- کسانی که با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات تأمین می‌شوند با همین پول مستطیع می‌شوند.

مناسك حج (فاضل)، ص: ۵۷

مسألهٔ ۹۰-- پول قربانی هم جزء مخارج حج است و کسی که آن را نداشته باشد مستطیع نیست، اگر چه سایر مخارج را داشته باشد.

مسألهٔ ۹۱-- زن اگر علاوه بر مخارج متعارف خود مخارج حج را نیز داشته باشد مستطیع می‌شود و باید به حج برود.

مسألهٔ ۹۲-- رضایت شوهر برای رفتن به حج واجب لازم نیست.

مسألهٔ ۹۳-- اگر کسی قبل از ایام حج استطاعت پیدا کرد نمی‌تواند پول خود را در راه دیگری مصرف کند، یا آن را به دیگران حتی والدین و زن و فرزند خود ببخشد. بلکه اگر چنین کرد و حج بجا نیاورد حج بر او مستقر می‌شود.

مسألهٔ ۹۴-- کسانی که برای خدمت در راه حج اجیر می‌شوند یا عوامل خدماتی حج مانند خدمه کاروانها، هیأت پزشکی، روحانیون و اعضای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۸

ستادهای مختلف حج که به حج اعزام می‌شوند اگر هزینهٔ زندگی خانوادهٔ خود را در مدت سفر- ولو از همین راه- داشته باشند مستطیع بوده و واجب است حج خود را انجام دهند.

مسألهٔ ۹۵-- مستطیع نمی‌تواند اجیر شود. اما اگر به واسطهٔ اجرت حج استطاعت حاصل شود چنانچه اجاره برای سال اول باشد حج نیابی مقدم است. و اگر استطاعت او تا سال بعد باقی بود، سال بعد برای خود حج بجاآورد. ولی اگر اجاره برای سالهای آینده یا مطلق بود باید سال اول برای خودش حج بجا آورد، مگر اینکه مطمئن باشد در سال بعد نمی‌تواند حج نیابی را بجاآورد.

مسألهٔ ۹۶-- اگر با مال غصبی حج انجام شود صحیح است. مگر اینکه با لباس غصبی محرم شود یا با آن نماز بخواند، یا محل نماز و وقوف

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۹

در عرفات و مشعر غصبی باشد.

مسألهٔ ۹۷-- اگر برای رفتن به حج لازم باشد به افراد ظالم پول بدهند یا مالیات به دولتهای حاکم غیرمسلمان بدهند باید اقدام کنند، مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۰

حج بذلی

مسألهٔ ۹۸-- کسی که هزینه حج را ندارد اگر کسی متکفل حج او شد، یعنی به او گفت به حج برو، و مخارج سفر حج و عائلهٔ تو را تا بازگشت تأمین می‌کنم، چنانچه اطمینان به او داشته باشد بر او واجب است که قبول کند و به حج برود. این حج را «حج بذلی» گویند.

مسألهٔ ۹۹-- در حج بذلی رجوع به کفایت شرط نیست، ولی اگر رفت و آمد موجب اخلال در زندگی او شود واجب نیست قبول کند.

مسألهٔ ۱۰۰-- پول قربانی به عهدهٔ باذل «۱» است، ولی اگر کاری کرد که موجب کفاره شد، کفاره به

---

(۱)- باذل: کسی که متکفل هزینهٔ حج دیگری است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۱

عهدهٔ خود اوست.

مسألهٔ ۱۰۱-- کسی که استطاعت مالی در وطن خود ندارد یا شک و شبهه در استطاعت خود دارد می‌تواند پول همراه خود را به فردی ببخشد تا او آن پول را به عنوان حج بذلی به وی بدهد.

در این صورت حج وی کفایت از حجةالاسلام می‌کند.

مسألهٔ ۱۰۲-- اگر بدون ذکر حج، پولی به کسی هدیه شود که به مقدار هزینهٔ حج باشد واجب نیست قبول کند. ولی اگر قبول کرد چنانچه سایر شرایط را داشته باشد. باید به حج برود.

مسألهٔ ۱۰۳-- باذل می‌تواند از بذل رجوع کند، و اگر در بین راه پشیمان شود باید هزینهٔ برگشت او را بدهد.

مسألهٔ ۱۰۴-- اگر باذل در بین راه از بذل خود رجوع کند یا مال بذل شده تلف شود وجوب حج

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۲

ساقط می‌شود، مگر آنکه شخص از همان مکان برای حج مستطیع باشد.

استطاعت بدنی

مسألهٔ ۱۰۵-- بر کسی که قدرت بدنی برای انجام مناسک حج را ندارد یا حج گزاردن برای او زحمت و مشقت زیاد دارد حج واجب نیست، اگرچه استطاعت مالی داشته باشد.

مسألهٔ ۱۰۶-- بر این فرد واجب نیست نیابت برای حج بگیرد، و اگر گرفت حج مستحبی می‌باشد.

مسألهٔ ۱۰۷-- بیماران یا سالمندانی که به تنهایی قدرت انجام مناسک حج را ندارند و نیاز به همراه دارند در صورتی حج بر آنها واجب می‌شود که علاوه بر هزینهٔ حج خود هزینهٔ مسافرت همراه را نیز داشته باشند. یا کسی از همراهان تبرعاً او را کمک کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۳

مسألهٔ ۱۰۸-- شخصی که در مدینه در اثر تصادف یا بیماری یقین دارد از انجام طواف و سعی مطلقاً- حتی با تخت- عاجز است شرایط استطاعت را ندارد و تکلیف ساقط است. بلی اگر قبلًا حج بر او مستقر بوده، یا در سالهای بعد شرایط حاصل شد باید حج بجا آورد.

مسألهٔ ۱۰۹-- کسی که از دیدن جمعیت وحشت می‌کند و اضطراب غیرقابل تحملی به او دست می‌دهد، حکم فرض سابق را دارد.

مسألهٔ ۱۱۰-- اگر نذر کند که مثلًا روز عرفه در کربلای معلّی یا یکی از مشاهد مشرفهٔ دیگر زیارت کند نذرش صحیح است. اما اگر مستطیع بوده یا در آن سال مستطیع شده باید به حج برود و نباید به نذر عمل کند، و در این فرض کفاره ندارد.

مسألهٔ ۱۱۱-- اگر در فرض سابق به حج نرفت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۴

حج بر اومستقرمی‌شود، ولی‌باید به نذر عمل کند و چنانچه به نذر هم عمل نکرد باید کفاره بدهد.

استطاعت طریقی

مسألهٔ ۱۱۲-- یکی از شرایط استطاعت باز بودن راه است و اگر راه بسته باشد حج واجب نیست.

مسألهٔ ۱۱۳-- باز بودن راه در سال استطاعت معتبر است. بنابراین اگر در آن سال راه باز نبود حج واجب نیست، هر چند بداند در سال آینده راه برایش باز می‌شود.

مسألهٔ ۱۱۴-- چون یکی از شرایط استطاعت باز بودن راه است. بنابراین در شرایط فعلی اگر از طریقی که مخالف مقررات جمهوری اسلامی نباشد بتواند به حج برود باید اقدام کند.

مسألهٔ ۱۱۵-- کسی که پول حج را دارد و می‌داند که امسال برای حج ثبت نام نمی‌شود، لازم

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۵

نیست پول را برای سالهای بعد نگهدارد.

مسألهٔ ۱۱۶-- اگر برای تشرف به حج ثبت نام به عمل آید کسی که دارای شرایط دیگر باشد واجب است ثبت نام کند، و اگر قرعه به نام او در همان سال اصابت نکرد، و راه دیگری هم برای تشرف وجود نداشت مستطیع نیست و می‌تواند پول خود را پس بگیرد. ولی اگر ثبت نام نکرد حج بر او مستقر می‌شود.

مسألهٔ ۱۱۷-- اگر ثبت نام حج برای تشرف در سالهای آینده باشد واجب نیست ثبت نام کند.

مسألهٔ ۱۱۸-- کسی که شرایط استطاعت را بجز باز بودن راه داراست چنانچه به واسطه اجیر شدن یا قبول نیابت راه برایش باز شود حکم مسألهٔ ۹۵ را دارد.

مسألهٔ ۱۱۹-- واگذاری و فروش فیش حج برای کسی که حج بر او مستقر نشده و امسال نوبت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۶

حج او نیست، یا کسی که حج واجب خود را قبلًا انجام داده، چنانچه خلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران نباشد اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۱۲۰-- کسی که برای حج ثبت نام کرده و قبل از رسیدن نوبتش فوت می‌کند در صورت عدم استقرار حج بر او، و عدم وصیت، فیش حج او مانند سایر ترکهٔ میت بین ورثه طبق احکام ارث تقسیم می‌شود.

مسألهٔ ۱۲۱-- کسی که پولی را برای حج به نام دیگری مثل پدر و مادر و همسر به حساب واریز می‌کند اگر به آن افراد بخشیده باشد ملک آنان محسوب می‌شود. ولی اگر به آنان نبخشیده، بلکه قصد کرده که با پول خود آنان را به حج ببرد پول ودیعه مال خودش است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۷

استطاعت زمانی

مسألهٔ ۱۲۲-- یکی از شرایط وجوب حج داشتن فرصت کافی برای رسیدن به حج در ایام خاص (یعنی انجام عمرهٔ تمتع قبل از نهم ذی‌الحجه و رسیدن به عرفات در روز نهم) می‌باشد.

مسألهٔ ۱۲۳-- اگر هنگامی سایر شرایط استطاعت برای او حاصل شود که نتواند در زمان مناسب به مکه برسد. حج بر او واجب نشده و می‌تواند پولی را که دارد صرف امور دیگر کند.

مسألهٔ ۱۲۴-- اگر سایر شرایط استطاعت در اوّل سال، مثلًا در ماه محرم حاصل شد که مدت زیادی (حدود ده ماه) تا ایّام حج باقی‌مانده حج بر او واجب شده و نمی‌تواند قبل از رسیدن ایام حج خود را از استطاعت خارج کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۸

رجوع به کفایت

مسألة ۱۲۵-- یکی از شرایط وجوب حج رجوع به کفایت است، یعنی از ناحیهٔ حج، سرمایه، ملک، محل کسب یا شغلی که با آن زندگی او تأمین می‌شود از بین نرود. و پس از بازگشت بتواند زندگی خود و عائلهٔ خود را تأمین کند.

مسألة ۱۲۶-- همان طور که گذشت در حج بذلی رجوع به کفایت شرط نیست.

مسألة ۱۲۷-- اگر فردی از حقوق باز نشستگی یا وجوهات شرعیه یا اجارهٔ ساختمان مخارج زندگی خود را تأمین کند شرط پنجم استطاعت را دارا است، و چنانچه سایر شرایط مذکور را داشته باشد حج بر او واجب می‌باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۶۹

خمس و احکام آن در حج

حج یکی از واجبات مالی است که بر انسان واجب شده است و برای قبولی این عبادت باید از مال حلال در این سفر استفاده شود. و الّا علاوه بر اینکه حج مورد قبول خدای سبحان واقع نمی‌شود. در بعضی از موارد موجب بطلان حج نیز می‌شود. یکی از این موارد نپرداختن خمس و زکات است که احکام آن به تفصیل در توضیح المسائل آمده است و در اینجا به مناسبت اشاره‌ای به احکام آن در رابطه با حج می‌شود.

مسألة ۱۲۸-- با مال حرام یا مالی که متعلق خمس یا زکات است و خمس یا زکات آن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۰

پرداخت نشده. جایز نیست به حج برود.

مسألة ۱۲۹-- کسی که خمس یا زکات بر ذمهٔ او می‌باشد، چنانچه علاوه بر آن مخارج حج را داشته باشد مستطیع است.

مسألة ۱۳۰-- مخارج حج یا زیارت ائمه جزء مخارج سال محسوب می‌شود. بنابراین اگر از درآمد همان سال صرف حج یا زیارت شود لازم نیست خمس مبلغی که صرف حج یا زیارت شده پرداخت شود. بلی اگر بخواهد از درآمد سالهای سابق صرف کند. حتماً باید قبل از مصرف خمس آن را بدهد.

مسألة ۱۳۱-- کسی که از درآمد سال خود برای حج یا عمره ثبت نام کند و در همان سال مشرف نشود، چنانچه قبلًا حج بر او مستقر نبوده باید خمس آن را بپردازد. و همین طور است اگر با پولی که خمس به آن تعلق گرفته و خمس آن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۱

پرداخت نشده ثبت نام کند. و در این فرض باید ۱۴ آن را بپردازد.

مسألة ۱۳۲-- پولی که برای ثبت نام سفر حج پرداخت شده و سال خمسی بر آن گذشته و هنوز قرعه به نام او اصابت نکرده، چنانچه قبلًا حج بر او مستقر نبوده، لازم است خمس آن را بپردازد.

مسألة ۱۳۳-- اگر با پول غصبی یا پولی که خمس و زکات آن پرداخت نشده بلیط هواپیما یا وسیلهٔ مسافرتی دیگر را برای حج تهیه کند. هر چند کار حرامی انجام داده و ضامن است. ولی موجب بطلان حج او نمی‌شود.

مسألة ۱۳۴-- اگر با پول غصبی یا پولی که خمس و زکات آن پرداخت نشده لباس احرام و لباسی که در آن طواف واجب انجام می‌دهد یا نماز طواف می‌خواند تهیه کند. طواف او اشکال دارد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۲

و موجب بطلان عمره یا حج می‌شود.

مسألة ۱۳۵-- قربانی اگر با عین پول غصبی یا پول متعلق خمس و زکات خریده شود کفایت از قربانی در حج نمی‌کند. و کسی که این‌چنین قربانی کند مثل فردی است که عمداً قربانی را ترک کرده است.

مسألهٔ ۱۳۶-- کسی که تاکنون خمس مال خود را نداده است. اگر از حقوق همان سال و قبل از گذشت سال، لباس احرام و قربانی و مصارف حج را تأمین کند مانعی ندارد، ولی اگر درآمد سالهای قبل تهیه کند حکم غصب را دارد. و اگر شک دارد که به اصل پول خمس تعلق گرفته یا خیر می‌تواند با آن لباس احرام و قربانی تهیه کند.

مسألهٔ ۱۳۷-- کسی که خمس اموال خود را نداده باشد نمی‌تواند فقط با پرداخت خمس مخارج

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۳

حج، حج خود را به صورت صحیح انجام دهد چون تصرف در مال متعلق خمس جایز نیست، و همین مقدار که می‌خواهد خمس بدهد و به حج برود تصرف در مال غیرمخمس است و این کار منع از تصرف را برنمی‌دارد، چون هنوز در کل مال حق امام و سادات وجود دارد، و تصرف در مال مشترک هم حرام است.

مسألهٔ ۱۳۸-- در فرض سابق اگر امکان پرداخت خمس کل مال نباشد یا مشکل باشد مکلف می‌تواند با اجازهٔ مرجع تقلید خود مقداری از مال را جدا کند و سپس خمس آن مقدار را بپردازد و با این پول مخمس مخارج حج را بپردازد.

مسألهٔ ۱۳۹-- در فرض سابق می‌تواند مقداری از اموال خود را به قصد خمس به مرجع تقلید یا وکیل او بدهد تا بعد از قبول به خودش قرض بدهند، که در این فرض می‌تواند آن مقدار را

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۴

صرف مخارج حج یا عمره کند.

مسألهٔ ۱۴۰-- همراه داشتن پول یا اشیاء متعلق خمس در حج یا عمره، حتی در طواف و نماز طواف موجب بطلان حج یا عمره نمی‌شود.

مسألهٔ ۱۴۱-- شخصی که در حین خرید لباس احرام نمی‌دانسته پولش غیرمخمس است و با آن لباس خریده و محرم شده و اعمال انجام داده اعمال او صحیح است. ولی خمس پولی را که مصرف کرده مدیون است و باید بپردازد.

مسألهٔ ۱۴۲-- حاجی اگر قبل از رسیدن سال خمسی‌اش از درآمد سال خود سوغات خرید و پس از خرید، سال خمسی او فرا رسید، چنانچه سوغات در حد شأن او باشد خمس ندارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۵

وصیت به حج

مسألهٔ ۱۴۳-- کسی که حج بر او مستقر شده باشد هرگاه در خود آثار فوت را مشاهده کند باید وصیت کند که حج او را انجام دهند.

مسألهٔ ۱۴۴-- این فرد حتی اگر وصیت هم نکند، بر ورثه واجب است که از اصل ترکهٔ او یک حج نیابتی برایش بگیرند.

مسألهٔ ۱۴۵-- اگر وصیت کرده باشد که از ثلث بردارند از ثلث برداشته می‌شود، و اگر ثلث کافی نبود از اصل مال جبران می‌شود.

مسألهٔ ۱۴۶-- اگر وصیت نکرده باشد که از ثلث بردارند از اصل مال به مقدار حج میقاتی برداشته می‌شود، و اگر وصیت به حج بلدی کرده باشد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۶

مازاد اجرت آن از ثلث برداشته می‌شود.

مسألهٔ ۱۴۷-- کسی که فوت کرده و حج بر او مستقر بوده واجب است در همان سال اول برای او نیابت بگیرند. و حتی اگر نیابت از میقات در آن سال ممکن نباشد از بلد میت نیابت بگیرند. و در این فرض تمام مخارج از اصل مال برداشته می‌شود.

مسألهٔ ۱۴۸-- اگر وصیت کرده باشد که شخص معینی برای او حج بجا آورد، یا از مال معینی برای او حج بجاآورند لازم است طبق وصیت عمل شود.

مسألهٔ ۱۴۹-- کسی که برای حج ثبت نام کرده اگر قبل از فوت فردی را اجیر کند که بعد از فوتش برای او حج بجا آورد. اگر آن شخص بعد از اجیر شدن مستطیع شود، طبق مسأله ۹۵ عمل کند.

مسألهٔ ۱۵۰-- اگر قبل از فوت وصیت کند که فرد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۷

خاصی برای او حج بجا آورد ولی او را اجیر نکند، این فرد می‌تواند طبق وصیت عمل کند و صحیح است. ولی اگر خودش مستطیع باشد احتیاط اقتضا می‌کند که حج را برای خودش انجام دهد و برای میت استنابه کند.

مسألهٔ ۱۵۱-- در فرض سابق اگر ورثه تنها به شرطی راضی شوند که این فرد حج را حتماً به نیابت از میت انجام دهد، اگر خودش مستطیع باشد می‌تواند حج را برای خودش انجام دهد و برای صاحب فیش استنابه کند حتی اگر ورثه ندانند. و حج او صحیح است. و در این فرض اگر میت وصیت نکرده باشد واجب است حج خود را انجام دهد و برای میت استنابه کند.

مسألهٔ ۱۵۲-- اگر ورثه در گرفتن نیابت کوتاهی کنند تا اینکه مال تلف شود ضامن هستند و باید از مال خود برای او نیابت بگیرند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۸

مسألهٔ ۱۵۳-- اگر خود میت مال نداشته باشد بر ورثه واجب نیست از مال خود برای او نیابت بگیرند، هر چند از باب احسان سزاوار است که برای او حج بجاآورند.

مسألهٔ ۱۵۴-- چنانچه شخص برای حج مستحبی مبلغ معینی را وصیت کند و آن مبلغ برای حج- ولو از میقات- کافی نباشد وصیت باطل است. و لازم است آن مبلغ را در کارهای خیر مصرف کنند. بلی اگر بدانند وصیت مقید به حج بوده، با بطلان وصیت آن مبلغ طبق احکام ارث بین ورثه تقسیم می‌شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۷۹

نیابت در حج

اشاره

نیابت یعنی شخص نایب عملی را که برعهدهٔ منوب عنه بوده انجام دهد تا منوب عنه بری‌ءالذمه شود. چه نایب عمل را مجانی و تبرعی انجام دهد یا اجیر شود یا به عقد جعاله و امثال آن انجام دهد.

مسألهٔ ۱۵۵-- نایب باید در نیابت قصد امتثال امر متوجه به منوب عنه را بکند. ولی لازم نیست اسم او را به زبان بیاورد. و تعیین او به نحو اجمال و اشاره کافی است.

مسألهٔ ۱۵۶-- نایب باید طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل کند، اگر چه طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه عمل او اشکال داشته باشد. بلی اگر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۰

منوب عنه از او خواسته باشد که به کیفیت خاصی عمل کند باید به گونه‌ای عمل را بجا آورد که هم وظیفه طبق نظر مرجع تقلید خودش مراعات شده باشد و هم خواستهٔ او.

مسألهٔ ۱۵۷-- نایب باید عمره و حج را به نیت منوب عنه انجام دهد، و اگر به جهت فراموشی یا علت دیگری برای خود محرم به

احرام عمرۀ تمتع یـا عمرۀ مفرده شـد، بایـد آن عمل را تمام کرده، و بعـد برای انجام عمرۀ تمتع به نیت منوب عنه از یکی از مواقیت معروفه محرم شود.

مسألۀ ۱۵۸-- نـایب بایـد طواف نسـاء را به قصـد منوب عنه بجـا آورد. ولی تـا وقتی طواف نساء را به صورت صـحیح انجام نـداده، همسر بر او حلال نمی‌شود. و منوب عنه وظیفه‌ای ندارد.

مسألۀ ۱۵۹-- همان گونه که نیابت در کل اعمال حج صحیح است در بعضی از اعمال حج نیز

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۱

صحیح است. اما تبرّع در نیابت از فرد زنده در اجزاء کافی نیست و حتماً باید منوب عنه وکالت دهد.

مسألۀ ۱۶۰-- لباس احرام و پول قربانی و کفاره اگر واجب شود به عهدۀ نایب است. مگر این‌که شرط کند که مستأجر بدهد.

مسألۀ ۱۶۱-- کسـی که حج بر او مستقر شده و نمی‌تواند به مکه برود و ناچار است نایب بگیرد می‌تواند از میقات نایب بگیرد، اگر چه نیابت از بلد بهتر است.

مسألۀ ۱۶۲-- اگر نـایب بعـد از احرام و دخول در حرم، در حرم بمیرد کفـایت از حـج منوب عنه می‌کنـد. امـا اگر قبـل از دخول به حرم. یا بعد از دخول و خارج از حرم بمیرد کفایت از حج منوب عنه نمی‌کند.

مسألۀ ۱۶۳-- نیابت یک شخص از چند نفر در

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۲

حـج واجب در یک سال صـحیح نیست، بلی شخصـی که نیابت گرفته یک حـج واجب انجام دهـد می‌توانـد در جزئیات حـج، مثل طواف، سعی، رمی، ذبح و ... از دیگران نایب شود.

مسألۀ ۱۶۴-- نیابت یک شـخص از خود و چند نفر برای حج اسـتحبابی در یکسال. یا عمرۀ مفرده یا طواف مانعی ندارد. چه به نحو اجاره باشد یا تبرعی.

مسألۀ ۱۶۵-- نـایبی که خودش حـج یـا عمره بجا نیاورده احتیاط مسـتحب آن است که بعـد یا قبل از اعمال نیابت یک عمرۀ مفرده برای خودش بجاآورد.

مسألۀ ۱۶۶-- در فرض سـابق چنـانچه بخواهـد آن عمرۀ مفرده را مشترکـاً برای خودش و منوب عنه و پـدر و مـادر و ... انجـام دهد صحیح است.

مسألۀ ۱۶۷-- نیابت در موارد زیر صحیح است:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۳

۱-- نیابت از میت در حج مستحبی و واجب مطلقاً.

۲-- نیابت از حی در حج مستحبی و واجب در بعضی موارد.

مسألۀ ۱۶۸-- اگر کسـی اجیر شـده باشـد که برای فرد دیگر حـج بجـاآورد واجب است طبق قرارداد اجـاره عمل کرده و حـج را به نیابت از او انجام دهد.

مسألۀ ۱۶۹-- نایب به محض اجیر شدن مسـتحق اجرت می‌باشد. و اگر حجهٔالاسـلام را انجام ندهد یا باطل انجام دهد باید اجرت را پس بدهد.

مسألۀ ۱۷۰-- اگر اجیر شود که در سال معینی حـج بجاآورد تأخیر جایز نیست، و اگر در سالهای بعـد بجا آورد هر چنـد ذمۀ منوب عنه بری می‌شود.

اما نایب استحقاق اجرت را پیدا نمی‌کند.

مسألهٔ ۱۷۱-- اگر اجرت در مقابل بریء الذمه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۴

شدن منوب عنه باشد و اجیر بعد از محرم شدن و دخول در حرم، در حرم بمیرد چون ذمهٔ منوب عنه بری می‌شود مالک تمام اجرت می‌شود. و اگر قبل از دخول در حرم یا بعد از دخول، خارج از حرم بمیرد استحقاق هیچگونه اجرتی ندارد.

مسألهٔ ۱۷۲-- اگر اجرت در مقابل رفت و برگشت و اعمال حج باشد، و اجیر کل اعمال را انجام دهد، مالک تمام اجرت می‌شود. اما اگر مقداری از اعمال را انجام دهد چه ذمهٔ منوب عنه بری بشود- مثل اینکه بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد- و چه نشود، فقط به همان مقدار استحقاق اجرت دارد.

مسألهٔ ۱۷۳-- کسی که برای حج بلدی اجیر شده واجب است از محل زندگی منوب عنه به قصد حج حرکت کند، و لازم نیست این سفر متصل به روز حرکت به حج باشد. بلکه می‌تواند به قصد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۵

حج از آنجا به وطن خود آمده و پس از مدتی به حج برود.

مسألهٔ ۱۷۴-- نایب حق ندارد بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کند و اگر چنین کاری را انجام داد و شخص ثالث عمل را بجاآورد هر چند ذمهٔ منوب عنه بری می‌شود. ولی باید پول را به صاحبش برگرداند. و اجرت وی را باید خودش بدهد.

شرایط نایب

اشاره

مسألهٔ ۱۷۵-- شرایطی که در نایب معتبر است عبارتند از: ۱- بلوغ. ۲- عقل. ۳- ایمان.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۶

۴- آگاهی به مناسک حج. ۵- معذور نبودن در اعمال حج. ۶- وثوق و اطمینان به انجام حج.

بلوغ

مسألهٔ ۱۷۶-- نیابت غیربالغ در حج هر چند ممیز باشد بنابر احتیاط واجب صحیح نیست و کفایت نمی‌کند، و در این مورد فرقی نمی‌کند که تبرعی انجام دهد یا به اجاره.

عقل

مسألهٔ ۱۷۷-- نیابت مجنون، حتی مجنون ادواری اگر در هنگام عمل مجنون شود صحیح نیست و کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۱۷۸-- نیابت مجنون ادواری اگر مطمئن باشد در طول اعمال حالت جنون بر او عارض

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۷

نمی‌شود صحیح است، و همچنین نیابت سفیه نیز صحیح است.

ایمان

مسألهٔ ۱۷۹-- نایب باید مؤمن باشد. یعنی علاوه بر اعتقاد به خدا، نبوت، معاد، شیعه دوازده امامی نیز باشد. و نیابت مسلمان غیرشیعه کفایت نمی‌کند.

آگاهی به مناسک حج

مسألهٔ ۱۸۰-- نایب هنگام اجیر شدن باید اجمالًا احکام حج را بداند تا اجارهٔ او صحیح باشد. و لازم نیست تفصیلًا تمام مناسک حج را بداند.

بلکه اگر بتواند با ارشاد دیگری مناسک را به طور صحیح انجام دهد کافی است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۸

معذور نبودن در اعمال حج

مسألهٔ ۱۸۱-- نیابت شخص معذور صحیح نیست. حتی اگر تبرعی باشد. و اگر اجیر شده باشد مالک مال‌الاجاره نشده و باید پول را به صاحبش برگرداند.

مسألهٔ ۱۸۲-- کسی که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد. مثلًا شب عید مجبور باشد همراه معذورین به منی رفته و وقوف اختیاری مشعر را درک نکند یا نتواند رمی جمره انجام دهد نمی‌تواند نایب شود. بلی نایب تنها می‌تواند در ذبح دیگری را وکیل کند.

مسألهٔ ۱۸۳-- افرادی که می‌دانند باید شب عید همراه زنان یا جهت انجام امور خدماتی حجاج قبل از طلوع فجر وارد منی شوند چنانچه بتوانند بین‌الطلوعین به مشعر برگردند و وقوف اختیاری را درک کنند می‌توانند نیابت قبول کنند. و الا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۸۹

نیابت آنان صحیح نیست.

مسألهٔ ۱۸۴-- افرادی که مجبورند قبل از ایام تشریق (روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌الحجه) جهت آماده‌سازی منی و عرفات یا تهیهٔ اتوبوس به خارج مکه بروند و برگردند می‌توانند نیابت قبول کنند، و از این جهت مانعی ندارد.

مسألهٔ ۱۸۵-- کسی که نماز او صحیح نیست، مثلًا در قرائت مشکل دارد، یا نمی‌تواند مستقیم بایستد، یا نمی‌تواند به صورت صحیح رکوع و سجود بجا آورد، نمی‌تواند نایب شود. و حتی اگر تبرعاً برای کسی حج بجا آورد مجزی نیست.

مسألهٔ ۱۸۶-- کسی که نماز او صحیح نیست اگر مطمئن باشد می‌تواند نماز خود را تصحیح کند یا به هر صورت نماز خود را صحیح بجاآورد- اگر چه با تلقین دیگری- نیابت وی صحیح است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۰

مسألهٔ ۱۸۷-- نیابت کسی که لال است، یا کسی که در هنگام اجیر شدن می‌داند که هنگام اعمال نمی‌تواند وضو بگیرد صحیح نیست. و همچنین نیابت کسی که دست یا پای مصنوعی دارد صحیح نیست.

مسألهٔ ۱۸۸-- نیابت کسی که به جهت ضیق وقت یا علت دیگری باید حج إفراد انجام دهد از کسی که وظیفهٔ او حج تمتع است صحیح نیست.

مسألهٔ ۱۸۹-- کسی که حج بر او واجب است نباید نیابت قبول کند. ولی اگر اجیر شد هر چند معصیت کرده است ولی حج نیابی او صحیح است و مبرئ ذمهٔ منوب عنه می‌باشد و استحقاق اجرت المسمی را دارد. هر چند حج بر خودش مستقر می‌شود.

مسألهٔ ۱۹۰-- نیابت زنی که در موارد ذیل معذور است صحیح است:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۱

۱-- به جهت عادت ماهانه مجبور شود حج إفراد انجام دهد یا اعمال حج را مقدم بر وقوفین کند.

۲-- وقوف اختیاری بین الطلوعین مشعر را درک نکند و بعد از نیمه شب به منی برود یا شب رمی کند.

۳-- به جهت عادت ماهانه از انجام طواف معذور باشد و استنابه کند.

مسألهٔ ۱۹۱-- در نایب شرط نیست که همجنس منوب عنه باشد. لذا نیابت مرد از زن یا زن از مرد صحیح است.

مسألهٔ ۱۹۲-- نیابت صروره، یعنی کسی که سال اول حج او است صحیح است.

مسألهٔ ۱۹۳-- نذر قبل از میقات عذر محسوب نمی‌شود. لذا نیابت کسی که می‌خواهد با نذر صحیح قبل از میقات محرم شود، صحیح است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۲

مسألهٔ ۱۹۴-- شخصی که به نیابت وارد جده شده اگر نگذارند به مواقیت معروفه برود عذر طاری محسوب شده و نیابتش صحیح است. و در فرض مزبور با نذر از جده محرم شود و در ادنی الحل احتیاطاً تجدید احرام کند.

مسألهٔ ۱۹۵-- اگر نایب از روی جهل از مکه خارج شد و برای احرام مجدد نتوانست به مواقیت معروفه برود باید از ادنی‌الحل به نیابت از منوب عنه محرم شود و حج تمتع را انجام دهد. اما کفایت آن از منوب عنه مشکل است.

مسألهٔ ۱۹۶-- اگر نایب در ارتکاب بعضی از محرمات احرام مضطر باشد یا حتی با اختیار انجام دهد نیابتش صحیح است. ولی کفارهٔ آن به عهدهٔ خودش می‌باشد.

مسألهٔ ۱۹۷-- شخصی که فکر می‌کرد معذور است اگر از روی جهل به مسأله یا عصیان برای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۳

انجام اعمال حج اجیر شود، اگر در هنگام اعمال عذر او برطرف شده و بتواند حج کامل انجام دهد صحیح است، و استحقاق اجرت المسمی را دارد.

مسألهٔ ۱۹۸-- کسی که هنگام قبول نیابت اطمینان داشته که می‌تواند حج را به صورت صحیح انجام دهد، هر چند بعد از آن جزء معذورین قرار گیرد نیابت او صحیح و ذمهٔ منوب عنه بری می‌شود. و به عبارت دیگر عذر طاری ضرری ندارد.

مسألهٔ ۱۹۹-- کسی که از ابتدا مطمئن بوده می‌تواند حج تمتع انجام دهد و نایب شده نیابت او صحیح است، اگر چه بعداً به واسطه عذری که اتفاقاً پیش آمده مجبور شود حج إفراد انجام دهد. که در این صورت ذمهٔ منوب عنه بری می‌شود.

مسألهٔ ۲۰۰-- کسی که معذور است و نمی‌تواند

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۴

حج نیابی انجام دهد اگر بخواهد برای کسی حج استحبابی بجاآورد می‌تواند حج را به نیت خودش انجام دهد و ثوابش را به آن فرد هدیه کند.

مسألهٔ ۲۰۱-- کسی که عمرهٔ تمتع را برای خودش بجاآورد واجب است حج تمتع را نیز برای خود بجاآورد. و این شخص نمی‌تواند عمرهٔ تمتع انجام شده را برای فردی منظور و به نیابت از او حج تمتع بجا آورد.

مسألهٔ ۲۰۲-- در فرض سابق اگر عصیاناً بخواهد به نیابت از دیگری حج تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیت پنجگانه برود و از آنجا به نیابت از منوب عنه برای عمرهٔ تمتع مجدداً محرم شود، و پس از انجام عمرهٔ تمتع حج تمتع را به نیابت او بجا آورد، که در این صورت نیابت صحیح و مجزی از منوب عنه است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۵

وثوق و اطمینان به انجام حج

مسألهٔ ۲۰۳-- به مجرد گرفتن نیابت ذمهٔ منوب عنه بری نمی‌شود، بلکه باید حج انجام شود.
بنابراین اگر اجیر به هر علتی حج را انجام نداد، باید دوباره برای او نیابت بگیرند.

شرایط منوب عنه

اشاره

مسألهٔ ۲۰۴-- شرایطی که در منوب عنه معتبر است عبارتند از: ۱- ایمان. ۲- عقل. ۳- بلوغ. ۴- عدم قدرت بر انجام مناسک.
مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۶

ایمان

مسألهٔ ۲۰۵-- نیابت از کافر و مسلمان غیرشیعه صحیح نیست. بلی چنانچه غرض عقلایی در بین باشد می‌تواند حج را به نیت خود انجام داده و ثواب آن را به او هدیه کند.

عقل

مسألهٔ ۲۰۶-- نیابت از مجنون در حج واجب صحیح نیست. بلی اگر قبل از جنون حج بر او مستقر شده باشد. در صورت یأس از بهبودی ولیّ او از مال او برای او نیابت بگیرد.
مسألهٔ ۲۰۷-- کسی که حج بر او مستقر شده و سپس دیوانه شده اگر در زمان حیات برای او نیابت نگرفته باشند واجب است بعد از فوتش از ترکهٔ او استنابه کنند، ولو به حج میقاتی.
مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۷

بلوغ

مسألهٔ ۲۰۸-- منوب عنه باید بالغ باشد، بنابر این نیابت از غیربالغ حتی اگر ولیّ شرعی او نایب بگیرد، صحیح نیست.

عدم قدرت بر انجام مناسک

مسألهٔ ۲۰۹-- کسی که حج بر او مستقر شده اگر تمکن از مباشرت در حج را نداشته باشد چه به خاطر بیماری که امید بهبودی آن را ندارد، یا به خاطر زندانی بودن، یا پیری و ناتوانی یا حرجی بودن اعمال حج برای او نایب گرفتن برای انجام حج بر او واجب است.
مسألهٔ ۲۱۰-- نیابت از حی در حج واجب در صورتی صحیح است که فردی که حج بر او مستقر شده به جهت بیماری یا پیری

قدرت انجام مناسک حج را نداشته باشد، یا انجام حج

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۸

برای او مشقت و حرج داشته باشد و امید بهبودی و رفع حرج نیز نداشته باشد.

مسألهٔ ۲۱۱-- در فرض سابق وجوب نیابت فوری است. اما اگر حج بر او مستقر نشده باشد اقوی عدم وجوب استنابه است.

مسألهٔ ۲۱۲-- کسی که به جهت عدم وجود نایب یا گران بودن اجرت آن نتواند نایب بگیرد وجوب استنابه از او برداشته می‌شود، ولی بعد از مرگ واجب است از ترکهٔ او برایش استنابه کنند. و همچنین است اگر تمکن از استنابه داشته و عصیاناً ترک کرده است.

مسألهٔ ۲۱۳-- نیابت مجانی و تبرعی از میت صحیح و مجزی است. اما نیابت تبرعی از شخص زنده چه در تمام اعمال حج یا بعضی از اعمال حج صحیح و مجزی نیست. مگر در رمی جمره که در مسأله ۸۲۵ خواهد آمد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۹۹

مسألهٔ ۲۱۴-- اگر کسی در حین انجام مناسک بیهوش یا دیوانه شد فرد دیگری نمی‌تواند تبرعاً اعمال او را تمام کند، بجز رمی بیهوش که تفصیل آن در احکام رمی خواهد آمد، ولی اگر به علت بیماری از انجام بقیهٔ مناسک معذور شد می‌تواند استنابه کند تا بقیه اعمال را طبق تفصیلی که در جای خود می‌آید انجام دهد.

مسألهٔ ۲۱۵-- شخص می‌تواند به دیگری وکالت دهد که قربانی او را ذبح کند یا اگر عذری برای او پیش آمد مثلًا بیهوش شد بقیه اعمال را به نیابت از او بجاآورد. ولی احوط این است که او را وکیل کند تا قربانی را خریده و ذبح کند و در صورت پیش آمدن عذر تتمه اعمال را به نیابت از او بجاآورد.

مسألهٔ ۲۱۶-- سه شرط اخیر مربوط به حج واجب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۰

است. لذا در نیابت از حج مستحبی غیر از شرط اول بقیه شروط در منوب عنه لازم نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۱

حج تمتع

اشاره

حج تمتع مرکب از دو قسمت است: ۱- عمرهٔ تمتع. ۲- حج تمتع.

مسألهٔ ۲۱۷-- این دو قسمت را باید یک نفر و به نیت یک فرد و در یک سال در ماههای حج (شوال، ذی‌القعده، ذی‌الحجه) به دنبال هم بجا آورد، و الّا صحیح نیست.

مسألهٔ ۲۱۸-- عمرهٔ تمتع مرکب از پنج جزء است: ۱- احرام. ۲- طواف. ۳- نماز طواف. ۴- سعی بین صفا و مروه.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۲

۵- تقصیر. و حج تمتّع مرکب از سیزده جزء است: ۱- احرام. ۲- وقوف در عرفات. ۳- وقوف در مشعرالحرام. ۴- رمی جمرهٔ عقبه. ۵- قربانی. ۶- حلق یا تقصیر. ۷- طواف. ۸- نماز طواف. ۹- سعی. ۱۰- طواف نساء. ۱۱- نماز طواف نساء. ۱۲- ماندن در منی. ۱۳- رمی جمرات سه گانه.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۳

بخش اول: عمرهٔ تمتع

احرام

اشاره

مسألهٔ ۲۱۹-- هنگام احرام مراعات چهار چیز واجب است: ۱- میقات. ۲- نیت. ۳- لباس احرام. ۴- تلبیه.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۴

میقات

مسألهٔ ۲۲۰-- احرام عمرهٔ تمتع باید در محل خاصی که «میقات» نامیده می‌شود انجام شود.

مسألهٔ ۲۲۱-- در راههایی که به مکه منتهی می‌شود پنج میقات به نامهای زیر وجود دارد:

۱-- مسجد شجره (ذوالحلیفه).

۲-- وادی عتیق.

۳-- قرن المنازل.

۴-- یلملم.

۵-- جحفه.

مسألهٔ ۲۲۲-- این پنج میقات محل احرام عمرهٔ تمتع است، و در حال اختیار احرام از غیر این مواقیت صحیح نیست. اما محل احرام عمرهٔ مفرده علاوه بر این موارد ادنی الحل نیز می‌باشد. و میقات احرام حج قران و إفراد علاوه بر این موارد منزل فرد هم می‌باشد (اگر منزل وی بین میقات و مکه، یا خود مکه باشد) و میقات حج تمتع فقط مکه می‌باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۵

مسألهٔ ۲۲۳-- کسی که در مکه باشد و بخواهد عمرهٔ تمتع انجام دهد در حال اختیار باید به یکی از مواقیت مذکوره برود، و نمی‌تواند از تنعیم محرم شود.

مسألهٔ ۲۲۴-- اگر این فرد از رفتن به میقات معذور باشد لازم است به خارج از حرم برود و از ادنی الحل (تنعیم) محرم شود. و در این فرض احرام و عمرهٔ تمتع او صحیح است.

مسألهٔ ۲۲۵-- کسی که وارد مکه شده، ولی منزل او مکه یا در محدودهٔ شانزده فرسخی مکه نیست، اگر بخواهد حج إفراد انجام دهد، باید به یکی از مواقیت معروفه برود، و از آنجا محرم شود، و اگر از رفتن به میقات معذور است احتیاط این است که از جعرانه، و اگر نتواند از ادنی الحل محرم شود.

مسألهٔ ۲۲۶-- وادی عقیق میقات کسانی است که

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۶

از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

مسألهٔ ۲۲۷-- قرن‌المنازل میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

مسألهٔ ۲۲۸-- یلملم میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می‌روند.

مسألهٔ ۲۲۹-- جحفه میقات کسانی است که از راه شام به مکه می‌روند.

مسألهٔ ۲۳۰-- کسانی که از یک راه قصد رفتن به مکه را دارند اگر به هر دلیلی قبل از رسیدن به میقات از راه دیگری ادامه مسیر

دادند. در میقات کسانی که از آن راه به مکه می‌روند محرم شوند.

مسألهٔ ۲۳۱-- در ذوالحلیفه «مسجد شجره» میقات خصوص مسجد است. ولی در بقیه میقاتها محل مورد نظر طبق تشخیص عرف میقات است. و لازم نیست در مسجد باشد.

مسألهٔ ۲۳۲-- مسجد شجره میقات کسانی است

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۷

که از مدینه منوره به مکه می‌روند.

مسألهٔ ۲۳۳-- احتیاط واجب آن است که داخل مسجد شجره محرم شوند. نه خارج آن هرچند کنار مسجد باشد.

مسألهٔ ۲۳۴-- احرام از قسمت توسعه یافته مسجد شجره هم صحیح است و لازم نیست حتماً از مسجد اصلی محرم شوند هر چند مستحب است.

مسألهٔ ۲۳۵-- شخص جنب و حائض می‌تواند در حال عبور از مسجد بدون توقف در آن محرم شود.

مسألهٔ ۲۳۶-- اگر جنب و حائض و نفساء عصیاناً وارد مسجد شجره شده و در حال توقف محرم شود هر چند عصیان کرده است ولی احرام او صحیح است.

مسألهٔ ۲۳۷-- جنب یا حائض بعد از پاک شدن اگر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۸

نتواند غسل کند و احرام در حال عبور از مسجد هم برایش ممکن نباشد باید تیمم کند و داخل مسجد محرم شود.

مسألهٔ ۲۳۸-- حائض و نفساء که هنوز پاک نشده‌اند اگر نتوانند در حال عبور از داخل مسجد محرم شوند باید کنار مسجد محرم شوند.

مسألهٔ ۲۳۹-- تقدیم و تأخیر احرام از میقات جایز نیست و حتماً باید از میقات محرم شوند.

مسألهٔ ۲۴۰-- تأخیر احرام برای کسی از مسجد شجره عبور می‌کند جایز نیست. مگر در موارد اضطرار که می‌تواند احرام را تا «حجفه» تأخیر بیندازد.

مسألهٔ ۲۴۱-- احرام قبل از میقات با نذر صحیح است. بنابراین هر کس می‌تواند نذر کند در مدینه یا شهرستان خود محرم شود، و در حال احرام از میقات یا محاذات میقات عبور کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۰۹

مسألهٔ ۲۴۲-- اگر محرم شدن قبل از میقات مستلزم انجام عملی حرام باشد، مثلًا نتواند محرمات احرام را رعایت کند، نذر نسبت به آن صحیح نیست، و در این فرض احرام قبل از میقات نیز محل اشکال است.

مسألهٔ ۲۴۳-- نذر زن بدون اذن شوهر صحیح نیست، و اگر با همین نذر قبل از میقات محرم شود احرام او باطل است. بلی اگر زن با اجازهٔ شوهر به حج مشرف شده و شوهر همراه او نیست اگر از اجازه به اصل سفر فهمیده شود که ملحقات و لوازم آن هم مورد اجازه است، چنانچه بر زن لازم باشد نذر کند، نذر او در این فرض صحیح است.

مسألهٔ ۲۴۴-- مادامی که شخص علم یا اطمینان پیدا نکرده که‌فلان‌محل میقات است یا دو شاهد عادل شهادت نداده باشند نمی‌تواند محرم شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۰

مسألهٔ ۲۴۵-- کسی که محل میقات را نمی‌شناسد نمی‌تواند به گفتهٔ راهنما که می‌گوید فلان محل میقات است، محرم شود، مگر اینکه از گفتهٔ او اطمینان حاصل کند.

مسألهٔ ۲۴۶-- چنانچه از راهی به مکه برود که از هیچ یک از میقاتها عبور نمی‌کند باید از محاذات میقات احرام ببندد. و همان طور که عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، عبور از محاذات میقات هم بدون احرام جایز نیست.

مسألهٔ ۲۴۷-- اگر از مسیری برود که محاذات دو میقات قرار گیرد احتیاط واجب است از محاذات اولین میقات محرم شود.

مسألهٔ ۲۴۸-- مراد از محاذات جایی است که کسی که به طرف مکه می‌رود. میقات در دست راست یا چپ او واقع شود، به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۱

مسألهٔ ۲۴۹-- در تشخیص محاذات میقات هم مثل محل میقات باید از روی علم و اطمینان یا شهادت دو نفر عادل عمل کند، و نمی‌تواند طبق قول یک نفر یا از روی ظن عمل کند.

مسألهٔ ۲۵۰-- کسانی که با هواپیما به جده می‌روند یا در جده کار می‌کنند نمی‌توانند برای عمرهٔ تمتع از جده یا حدیبیه محرم شوند، بلکه باید به یکی از مواقیت (مثل جحفه یا مسجد شجره) رفته از آنجا محرم شوند. ولی در عمرهٔ مفرده لازم نیست به میقاتهای پنجگانه بروند، و می‌توانند از ادنی الحل محرم شوند.

مسألهٔ ۲۵۱-- اگر احرام را از روی علم و عمد و بدون عذر از میقات تأخیر انداخت اگر نتواند برای احرام به میقات بازگردد حج او باطل است.

مسألهٔ ۲۵۲-- کسی که از روی جهل یا فراموشی یا عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کند، در

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۲

صورت امکان هر جا که یادش آمد باید به میقات برگشته و از آنجا محرم شود.

مسألهٔ ۲۵۳-- در فرض سابق اگر امکان رجوع به میقات نباشد. اگر داخل حرم نشده از هر جا یادش آمد محرم شود، هر چند مستحب است تا می‌تواند به طرف میقات برگشته و دورتر از حرم محرم شود.

مسألهٔ ۲۵۴-- در فرض سابق اگر بعد از دخول به حرم یادش آمد و امکان و فرصت برگشت به خارج از حرم را دارد باید خارج شده از ادنی الحل محرم شود. و احتیاط مستحب آن است که تا می‌تواند به طرف میقات برگردد، و اگر امکان ندارد از داخل حرم محرم شود.

مسألهٔ ۲۵۵-- کسی که در میقات لباس احرام و تلبیه را فراموش کرد و تا آخر اعمال عمره و حج متوجه نشد، و در عین حال عمداً مرتکب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۳

محرمات احرام شد عمره و حج او صحیح است، و کفارات احرام نیز بر او واجب نیست.

مسألهٔ ۲۵۶-- کسی که در میقات محرم می‌شود.

لازم نیست مستقیماً وارد حرم شود، بلکه می‌تواند به جاهای دیگر برود، مثلًا به مدینه برگردد و چند روز در آنجا بماند.

[واجبات احرام]

نیت

مسألهٔ ۲۵۷-- نیت یعنی قصد انجام اعمال عمره یا حج. و لازم نیست قصد کند محرمات احرام را انجام ندهد، بلکه اگر قصد انجام

محرمات احرام را هم داشته باشد چنانچه محرماتی باشد که به صحت حج ضرر نزند، اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۲۵۸-- لازم نیست نیت را به زبان بگوید یا حتی به قلب خطور دهد، بلکه انگیزه و داعی در انجام عمل مثل سایر عبادات کافی است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۴

مسألهٔ ۲۵۹-- احرام عمره یا حج همچون سایر اعمال آن از عبادات است، و باید با نیت خالص برای اطاعت خدای سبحان (قربةالی الله) انجام شود، و اگر با ریا انجام شود موجب بطلان احرام می‌شود.

مسألهٔ ۲۶۰-- در نیت احرام باید خصوصیات عمل معلوم باشد، یعنی مشخص باشد که می‌خواهد عمرهٔ مفرده انجام دهد، یا عمرهٔ تمتع، یا حج تمتع، یا حج إفراد یا قران، یا حج واجب یا مستحب، و اگر واجب است حجةالاسلام است یا حج نذری.

مسألهٔ ۲۶۱-- اگر در اثر ندانستن مسأله یا غفلت به جای عمرهٔ تمتع نیت حج تمتع کرد یا برعکس. اگر نظرش این باشد که وظیفهٔ خود را انجام دهد و عملی را که خدا از او می‌خواهد بجا آورد، و گمان می‌کرد که نام جزء اول حج است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۵

ظاهراً عمل او صحیح و عمرهٔ تمتع محسوب می‌شود.

مسألهٔ ۲۶۲-- اگر به هر علتی گمان کند که حج تمتع مقدم است- با عنایت به اینکه حج تمتع چیست، یعنی قصد کند بعد از احرام به عرفات و مشعر برود و بقیهٔ اعمال حج را انجام دهد- و نیت حج تمتع کند، احرام او باطل است.

مسألهٔ ۲۶۳-- در فرض سابق اگر با همان حال از میقات عبور کرده است، حکم کسی را دارد که بدون احرام از میقات گذشته است.

مسألهٔ ۲۶۴-- کسی که وظیفهٔ فعلی او عمرهٔ تمتع است، ولی می‌داند که نمی‌تواند اعمال عمرهٔ تمتع را قبل از حج تمتع انجام دهد، و حج او بدل به إفراد می‌شود نباید نیت حج إفراد کند، بلکه باید نیت عمرهٔ تمتع کند و در ضیق وقت عدول به حج إفراد کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۶

مسألهٔ ۲۶۵-- کسی که می‌خواهد حجةالاسلام بجا آورد، ولی در میقات می‌داند اگر بخواهد عمرهٔ تمتع بجا آورد به علت تنگی وقت، وقوف رکنی عرفات از او فوت می‌شود، در این صورت به نیت حج إفراد محرم شود.

مسألهٔ ۲۶۶-- در فرض سابق اگر تأخیر در میقات از روی عذر بوده، پس از حج إفراد باید عمرهٔ مفرده بجا آورد، و کفایت از حجةالاسلام می‌کند.

و اگر حج او مستحبی است، انجام عمرهٔ مفرده لازم نیست.

مسألهٔ ۲۶۷-- کسی که حج واجب خود را انجام داده و دو مرتبه مشرف شده اگر از روی جهل یا فراموشی نیت حجةالاسلام کند، اشکال دارد، مگر این که قصد او انجام وظیفه بوده، ولی در اسم اشتباه کرده است.

مسألهٔ ۲۶۸-- نایب اگر به جهت فراموشی یا علت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۷

دیگری برای عمرهٔ تمتع یا عمرهٔ مفرده به نیت خود محرم شد، نمی‌تواند دوباره به نیت منوب عنه محرم شود. بلکه باید آن عمل را تمام کرده، و بعد برای انجام عمرهٔ تمتع به نیت منوب عنه از یکی از مواقیت معروفه محرم شود.

مسألهٔ ۲۶۹-- اگر بعد از محرم شدن شک کند که نیت حج تمتع کرده یا عمره تمتع، بنابگذارد که نیت عمرهٔ تمتع کرده، و عمرهٔ او صحیح است.

مسألهٔ ۲۷۰-- قصد ابطال عمره یا حج یا بعضی از اعمال آن موجب بطلان آن عمل نمی‌شود.

مسألهٔ ۲۷۱-- اگر بعد از احرام در میقات مجدداً برای عمل دیگری نیت احرام کند چون احرام اول منعقد شده است احرام دوم باطل است.

مسألهٔ ۲۷۲-- اگر با احرام صحیح عمرهٔ مفرده انجام دهد، و بعداً برای عمرهٔ تمتع محرم شود، و پس از آن متوجه شود که اعمال عمرهٔ مفردهٔ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۸

سابق باطل یا ناقص بوده، بطوری که از احرام خارج نشده، احرام دوم باطل است، و باید عمرهٔ مفرده را تکمیل کند.

مسألهٔ ۲۷۳-- اگر در میقات به قصد حج إفراد محرم شود و بعد متوجه شود که وظیفه‌اش حج تمتع بوده است، احرامش باطل است، لذا نمی‌تواند نیت خود رابه عمرهٔ تمتع یا حتی عمرهٔ مفرده تغییر دهد. بلکه باید برای انجام وظیفه‌اش مجدداً محرم شود.

مسألهٔ ۲۷۴-- اگر شخص در میقات محرم شد و بعد از ورود به مکه پشیمان شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند، و قصد محل شدن، او را از احرام خارج نمی‌کند، و اگر کاری که موجب کفاره است بجاآورد باید کفاره بدهد، و تا وقتی اعمال عمره یا حج را انجام ندهد. محل نمی‌شود.

مسألهٔ ۲۷۵-- کسی که قبل از میقات یا در میقات

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۱۹

بیهوش شده است وظیفه‌ای ندارد. بلی اگر ممکن است صبر کنند تا بهبودی حاصل شود، والّا می‌توانند او را بدون احرام وارد مکه کنند.

اما اگر قبل از تنگی وقت اعمال بهبود یافت باید به یکی از مواقیت معروفه برگردد و محرم شود، و اگر امکان برگشت نبود تکلیفی ندارد. و معلوم می‌شود در این سال حج بر او واجب نشده است.

و الحاق بیهوش به جاهل و ناسی مشکل است.

بلی چنانچه قبلًا حج بر او مستقر بوده، یا بعداً استطاعت پیدا کرد، باید حج بجا آورد.

لباس احرام

مسألهٔ ۲۷۶-- یکی از واجبات احرام پوشیدن دو جامهٔ احرام است، که یکی لنگ و دیگری ردا نامیده می‌شود. و احتیاط واجب آن است که لباس احرام را قبل از گفتن لبیک بپوشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۰

مسألهٔ ۲۷۷-- دو جامه‌ای را که باید محرم بپوشد مخصوص مرد است، ولی زن قبل از تلبیه قصد کند همان لباسی را که پوشیده لباس احرامش باشد. و لازم نیست ندوخته باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که فقط در حال نیت و تلبیه دو لباس احرام را بپوشد.

مسألهٔ ۲۷۸-- لازم نیست محرم جامهٔ احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند، یا به هر علتی لخت شود.

مسألهٔ ۲۷۹-- افضل آن است که محرم برای طواف همان جامه‌های احرام را که با آن احرام بسته بپوشد.

مسألهٔ ۲۸۰-- محرم می‌تواند بیش از دو جامهٔ احرام بپوشد، ولی تمام آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشد.

مسألهٔ ۲۸۱-- باید لباس احرام را به گونه‌ای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۱

بپوشد که یکی عرفاً لنگ تلقی شود، و مستحب است ناف تا زانو را بپوشاند و دیگری رداء شمرده شود، و لازم است شانه و قسمتی از بدن را بپوشاند.

مسألهٔ ۲۸۲-- یک جامهٔ بلند که مقداری از آن را به صورت لنگ ببندد و مقداری را به صورت رداء به احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۸۳-- پوشیدن جامهٔ احرام یک واجب تعبدی است، لذا باید قصد اطاعت امر الهی را بکند، ولی کندن لباس معمولی واجب نیست با قصد قربت باشد هر چند مستحب است.

مسألهٔ ۲۸۴-- اگر عصیاناً دو جامهٔ احرام را نپوشد یا در لباس معمولی محرم شود هر چند گناه کرده است ولی احرام او صحیح است.

مسألهٔ ۲۸۵-- همانگونه در محرمات احرام خواهد آمد مردان محرم باید از پوشیدن لباس دوخته

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۲

اجتناب کنند. لذا جامهٔ احرام برای مردان نباید دوخته باشد.

مسألهٔ ۲۸۶-- جامه‌ای که لنگ قرار می‌دهد نباید نازک و بدن نما باشد، و احتیاط واجب است که رداء نیز نازک نباشد.

مسألهٔ ۲۸۷-- جامهٔ احرام باید از جنسی باشد که نماز در آن صحیح باشد، بنابراین جامه حریر و غیرمأکول یا نجس غیر معفو کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۸۸-- بنابر احتیاط واجب لباسی را که زن در حال احرام می‌پوشد از حریر خالص نباشد.

مسألهٔ ۲۸۹-- جامهٔ احرام باید پاک باشد، و اگر در حال احرام جامهٔ احرام یا لباسی که زن پوشیده نجس شود به احتیاط واجب باید آن را تطهیر یا تبدیل کند. ولی اگر تطهیر نکند احرام او باطل نشده و کفاره هم ندارد.

مسألهٔ ۲۹۰-- احتیاط آن است که جامهٔ احرام از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۳

پوست نباشد، هر چند لازم نیست منسوج و بافتنی باشد. لذا نمد هم کفایت می‌کند.

مسألهٔ ۲۹۱-- لازم نیست شخص در حال احرام از حدث اکبر و اصغر پاک باشد، لذا شخص محدث لازم نیست فوراً غسل کند یا وضو بگیرد. بلی اگر بدنش نجس باشد احتیاط مستحب است که آن را پاک کند.

تلبیه

مسألهٔ ۲۹۲-- آخرین واجب در احرام، تلبیه است.

یعنی گفتن لبیک‌ها به شکل زیر: «لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لاشَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ» که با یکبار گفتن آن محرم شده و احرامش صحیح است. هر چند تکرار آن مستحب است. و احتیاط مستحب آن است که بعد از مقدار واجب آن بگوید:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۴

«انَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ، لاشَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ». و احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اول بگوید: «لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ، إنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ، لاشَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ». و مستحب است بعد از آن بگوید: «لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعِیاً إلَی دارِ السَّلامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَاالْجَلالِ وَ الاکْرامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ

وَالْمَعادُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغْنِی و یُفْتَقَرُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوْباً وَ مَرْغُوباً إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ إلهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماء وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۵

لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یاکَرِیمُ لَبَّیْکَ». و خوب است این جملات را نیز بگوید: «لَبَّیْکَ أتَقَرَّبُ إلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ بِحَجَّةٍ و عُمْرَةٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ وَهذِه عُمْرَةُ مُتْعَةٍ إلی الْحَجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَلْبِیَةً تَمامُها وَبَلاغُها عَلَیْکَ».

مسألهٔ ۲۹۳-- ترجمه مقدار واجب تلبیه چنین است: «همواره دعوت تو را اجابت می‌کنم خدایا، همواره اجابت می‌کنم تو را، همواره اجابت می‌کنم تو را، برای تو شریکی نیست، همواره اجابت می‌کنم تو را». و ترجمهٔ جملهٔ بعد که مستحب است چنین است:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۶

«همانا ستایش و نعمت و پادشاهی از آن تو است. شریکی برای تو نیست، اجابت می‌کنم تورا».

مسألهٔ ۲۹۴-- باید تلبیه را به مقدار واجب یاد بگیرد و به نحو صحیح بگوید، و اگر نتواند یاد بگیرد یک نفر به او تلقین کند تا به نحو صحیح بگوید.

مسألهٔ ۲۹۵-- اگر نتواند یاد بگیرد و با تلقین هم نتواند به صورت صحیح بگوید به هر نحو که می‌تواند بگوید، و ظاهراً همین مقدار کافی است، هر چند احتیاط مستحب آن است که ترجمهٔ آن را بگوید و نایب هم بگیرد.

مسألهٔ ۲۹۶-- کسی که لال است و قادر نیست تلبیه را بگوید باید با انگشت اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و بهتر است نایب هم بگیرد.

مسألهٔ ۲۹۷-- اگر کسی لبیک را به مقدار واجب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۷

نگفت محرم نشده، و اگر موجبات کفاره در حال احرام را به جا آورد کفاره ندارد. و همین طور است اگر عمداً غلط بگوید یا با ریا آن را باطل کند.

مسألهٔ ۲۹۸-- تأخیر تلبیه از میقات جایز نیست، و اگر تأخیر انداخت حکم کسی را دارد که بدون احرام از میقات گذشته است.

مسألهٔ ۲۹۹-- اگر از روی ندانستن یا فراموشی لبیک را نگفت و بعد از عبور از میقات متوجه شد، در صورت امکان واجب است به میقات بازگردد و لبیک بگوید، و اگر امکان بازگشت نبود چنانچه وارد حرم نشده از جایی که متذکر شده لبیک بگوید، و اگر داخل حرم شده در صورت امکان به خارج حرم برود و آنجا لبیک بگوید، و اگر امکان خارج شدن وجود نداشت همان جا بگوید.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۸

مسألهٔ ۳۰۰-- اگر تلبیه را در عمرهٔ تمتع فراموش کرد یا از روی جهل نگفت و تا پایان اعمال عمرهٔ تمتع یادش نیامد اگر بتواند باید به میقات- ولو ادنی‌الحل- رفته و جبران کند، و اگر وقت جبران ندارد عمره‌اش باطل است و باید حج افراد انجام دهد. و در این صورت کفایت از حجهٔ‌الاسلام می‌کند.

مسألهٔ ۳۰۱-- اگر کسی تلبیه را غلط بگوید.

چنانچه بداند در صورت غلط گفتن محرم نمی‌شود اعمال او باطل است. و اگر نداند چنانچه بعد از وقوفین یا وقتی که قابل جبران نباشد متوجه شد، اعمال او محکوم به صحت است. اما احتیاط استحبابی این است که به این حج اکتفا نکند.

مسألهٔ ۳۰۲-- کسی که برای عمرهٔ تمتع محرم شده مستحب است لبیک را تکرار کند. و چنانچه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۲۹

خانه‌های مکه پیدا شد واجب است تلبیه را قطع کند. و کسی که احرام حج بسته باید ظهر روز عرفه تلبیه را قطع کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۳۰

مستحبات و مکروهات احرام

اشاره

مسألة ۳۰۳-- مستحبات احرام چند چیز است: ۱- قبلًا بدن خود را پاکیزه کرده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را بانوره ازاله نماید. ۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعده و شخصی که قصد عمرهٔ مفرده دارد پیش از یکماه موی سر و ریش را رها کند. ۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام کند، و این غسل از حائض و نفساء نیز صحیح است، و تقدیم این غسل بخصوص اگر خوف آن باشد که در میقات نتوان غسل کرد جایز است. و در صورت تقدیم اگر در میقات امکان انجام غسل

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۳۱

بود مستحب است غسل را اعاده کند. و بعد از این غسل اگر لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است، باز هم اعاده مستحب است، و اگر روز غسل کرد از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند. و همچنین اگر شب غسل کرد تا آخر روز آینده کافی است. ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر محدث شد غسل را اعاده کند. ۴- دو جامهٔ احرام از پنبه باشد. ۵- پارچهٔ احرام سفید باشد. ۶- احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از فریضهٔ ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضهٔ دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سورهٔ توحید، و در رکعت دوم سورهٔ جحد را بخواند، و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۳۲

شش رکعت أفضل است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أسْألُکَ أنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ، وَاتَّبَعَ أمْرَکَ، فَانِّی عَبْدُکَ وَ فی قَبْضَتِکَ، لااوقی إلّا ما وَقَيْتَ، وَلا آخُذُ إلّا ما أعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأسْألُکَ أنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلی كِتابِکَ، وَسُنَّةِ نَبِيِّکَ، صَلَواتُکَ عَلَيْهِ وآلِه، وَ تُقَوِّيَنِي عَلی ما ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَناسِكِي، فِي يُسْرٍمِنْکَ وَ عافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِکَ الَّذى رَضِيْتَ وَارْتَضَيْتَ، وَسَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ، اللّهُمَّ انّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَانْفَقْتُ مالِي ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إنِّي

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۳۳

ارِيْدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ الَى الْحَجِّ، عَلی كِتابِکَ وَسُنَّةِ نَبِيِّکَ، صَلَواتُکَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَانْ عَرَض لِی عارِضٌ يَحْبِسُنِی، فَحَلِّنِی حَيْثُ حَبَسْتَنِی، بِقَدَرِک الَّذیْ قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، احرِمُ لَکَ شَعْرِی وَبَشَرِی وَلَحْمِی وَدَمِی وَعِظامِی وَمُخِّی وَعَصَبِی، مِنَ النِّساءِ وَالثِّيابِ وَالطِّيبِ، أبْتَغِي بِذلِکَ وَجْهَکَ وَالدّارَ الْآخِرَةَ». ۷- هنگام پوشیدن دو جامهٔ احرام بگوید: «الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی رَزَقَنی مَا اوارِی بِهِ عَوْرَتِی، وَاؤَدِّی فِيْهِ فَرْضِی، وَأعْبُدُ فِيْهِ رِبِّی، وأنْتَهِی فِيْهِ إلی ما أمَرَنِی، الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی، وَأَرَدْتُهُ فَأعانَنِی وَقَبِلَنِی، وَلَمْ يَقْطَعْ بِی، وَوَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَنِی، فَهُوَ حِصْنِی وَ كَهْفِی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۳۴

وَحِرْزِی وَظَهْرِی وَمَلاذِی وَرَجائِی وَمَنْجایَ وَذُخْرِی وَعُدَّتِی فی شِدَّتِی وَ رَخائِی». ۸- تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در

موارد ذیل: الف- وقت برخاستن از خواب. ب- بعد از هر نماز واجب و مستحب. ج- هنگام بالا رفتن از سربالایی یا سرازیر شدن از آن. د- وقت سوار شدن یا پیاده شدن. ه- آخر شب. و- اوقات سحر. حائض و نفساء نیز این تلبیه‌ها را بگویند. ۹- پس از احرام عمرهٔ تمتع تلبیه را تکرار کند تا آنکه خانه‌های مکه را ببیند، و اما تلبیهٔ حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.
مناسك حج (فاضل)، ص: ۱۳۵

مکروهات احرام

مسألهٔ ۳۰۴-- مکروهات احرام چند چیز است: ۱- احرام در جامهٔ سیاه و رنگین، بجز رنگ سبز. ۲- خوابیدن‌محرم بر رخت وبالش زرد رنگ. ۳- احرام بستن در جامهٔ چرکین. و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است مادامی‌که در حال احرام است آنرا نشوید. ۴- احرام بستن در جامهٔ راه راه. ۵- استعمال حنا پیش از احرام، چنانچه اثر آن تا حال احرام باقی بماند. ۶- حمام رفتن، و أولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید. ۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی‌که او را صدا کند.
مناسك حج (فاضل)، ص: ۱۳۶

محرمات احرام

اشاره

مسألهٔ ۳۰۵-- محرمات احرام عبارتند از: ۱- آمیزش. ۲- بوسیدن. ۳- لمس کردن. ۴- نگاه با شهوت. ۵- عقد کردن. ۶- استمناء. ۷- پوشاندن سر. ۸- پوشیدن لباس دوخته. ۹- پوشاندن تمام روی پا. ۱۰- پوشاندن صورت. ۱۱- استعمال عطریات.
مناسك حج (فاضل)، ص: ۱۳۷
۱۲- زینت. ۱۳- نگاه کردن به آینه. ۱۴- روغن مالیدن. ۱۵- ناخن گرفتن. ۱۶- ازالهٔ مو. ۱۷- سایه قرار دادن. ۱۸- فسوق. ۱۹- جدال. ۲۰- خون درآوردن از بدن خود. ۲۱- کندن دندان. ۲۲- کشتن حشرات بدن. ۲۳- حمل سلاح. ۲۴- کندن گیاهان و درختان حرم. ۲۵- شکار.
مناسك حج (فاضل)، ص: ۱۳۸

آمیزش

مسألهٔ ۳۰۶-- آمیزش در عمرهٔ تمتع حتی اگر از روی علم و عمد باشد ظاهراً موجب بطلان عمرهٔ تمتع نمی‌شود. و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه بجا آورد، و اگر وقت تنگ باشد می‌تواند عمره را تمام کرده و سپس حج تمتع بجا آورد. و به احتیاط مستحب سال بعد حج را اعاده کند.
مسألهٔ ۳۰۷-- در فرض سابق گرچه حج باطل نمی‌شود ولی به احتیاط واجب باید کفاره بدهد. و کفارهٔ آن یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند به اختیار خودش می‌باشد. اگر چه بهتر است شتر را انتخاب کند.
مسألهٔ ۳۰۸-- اگر در عمرهٔ مفرده قبل از سعی آمیزش کند باید عمره را تمام کند و یک شتر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۳۹

کفاره بدهد، و در ماه بعد هم یک عمرهٔ مفرده دیگر انجام دهد، و در این عمره باید از جایی محرم شود که در عمرهٔ قبلی از آنجا محرم شده است، مگر اینکه نتواند به آنجا برود.

مسألهٔ ۳۰۹-- اگر در حج تمتع قبل از وقوف به مشعر از روی علم و عمد آمیزش کند هر چند حج او صحیح است، ولی باید سال بعد یک حج تمتع به عنوان عقوبت انجام دهد، و یک شتر و اگر قدرت نداشت یک گاو کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۱۰-- در فرض سابق بعد از آمیزش، زن و شوهر نباید با هم خلوت کنند تا اعمال و مناسک را تمام کنند. و همین طور در سال بعد اگر از همان راه قصد حج داشته باشند. پس از رسیدن به محل معصیت باید تا پایان اعمال از هم جدا شوند.

مسألهٔ ۳۱۱-- اگر در حج تمتع بعد از وقوف به

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۰

مشعر و قبل از تمام شدن شوط سوم طواف نساء آمیزش کند. حج او صحیح است ولی باید کفاره بدهد. و اگر بعد از گذشت شوط سوم طواف نساء آمیزش کند کفاره هم ندارد.

مسألهٔ ۳۱۲-- مسائل آمیزش بین زن و مرد مشترک است، ولی اگر زن مجبور به آمیزش شود. بر زن لازم نیست کفاره بدهد امّا مرد باید کفارهٔ خود و زن را بدهد، و حج زن ظاهراً صحیح است.

مسألهٔ ۳۱۳-- در مسائلی که گذشت فرقی نمی‌کند که نزدیکی از جلو باشد یا عقب، با همسر دائمی یا موقت خود باشد، یا زنا و وطی به شبهه باشد و همین طور فرقی نمی‌کند که منی خارج شود یا خیر.

مسألهٔ ۳۱۴-- نزدیکی دو مرد (لواط) گر چه حرمت نفسی و ذاتی شدیدی دارد و موجب حد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۱

می‌شود، ولی احکام آمیزش در احرام را ندارد.

بوسیدن

مسألهٔ ۳۱۵-- اگر بدون شهوت همسرش را ببوسد حرام نیست و کفاره ندارد، ولی اگر با شهوت همسرش را ببوسد و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد، و اگر منی از او خارج نشود یک گوسفند کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۱۶-- شخص محّل می‌تواند همسر محرم خود را ببوسد، ولی اگر فرد محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد.

لمس کردن

مسألهٔ ۳۱۷-- اگر همسر خود را با شهوت لمس کند یا بازی کند و انزال شود بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد، و اگر انزال نشود کفاره

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۲

آن یک گوسفند است.

مسألهٔ ۳۱۸-- کسی که محرم نشده یا محّل شده می‌تواند همسر خود را اگر چه محرم باشد لمس کند یا با او بازی کند، ولی اگر شخص محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد.

نگاه کردن

مسألهٔ ۳۱۹-- اگر محرم بدون شـهوت به همسـر خود نگاه کند اشکال ندارد، ولی اگر با شهوت نگاه کند حرام است، و اگر منی از او خارج شود بنابر اقوی باید یک شتر کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۲۰-- اگر محرم به زن یـا مرد اجنبی نگـاه کنـد و منی از او خـارج شود اقوی آن است که اگر متمول است یـک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۳

عقد کردن

مسألهٔ ۳۲۱-- بر محرم جایز نیست کسـی را برای دیگری یا خود عقـد کنـد یا شاهـد بر عقـد باشد، و فرقی نمی‌کند که زن و مرد یا یکی از آنها محرم باشند یا محّل.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، مناسک حج (فاضل)، در یک جلد، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، دوازدهم، ۱۴۲۳ ه ق

مناسک حج (فاضل)؛ ص: ۱۴۳

مسألهٔ ۳۲۲-- محرم می‌تواند شهادت بدهد که دو نفر عقد کرده‌اند، هر چند خلاف احتیاط استحبابی است.

مسألهٔ ۳۲۳-- بنابر احتیاط واجب شخص محرم نمی‌تواند خواستگاری کند.

مسألهٔ ۳۲۴-- رجوع کردن به زنی که در طلاق رجعی است برای شخص محرم مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۲۵-- اگر محرم برای خود کسـی را عقـد کنـد چنانچه عالم به مسأله باشد دیگر نمی‌تواند با او ازدواج کند. اما اگر از روی جهل بوده هر چند عقد باطل است ولی موجب حرمت ابدی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۴

نمی‌شود. ولی مستحب است دیگر با او ازدواج نکند.

مسألهٔ ۳۲۶-- اگر فردی دیگری را به ازدواج محرم درآورد و محرم بـا او همبسـتر شـود اگر هر سه عـالم به حکم و موضوع باشـند، یعنی بدانند عقد کردن محرم حرام است و این شخص محرم است، هر یک باید یک شتر کفاره بدهند.

حتی اگر عاقد و همسر محرم نباشند.

مسألهٔ ۳۲۷-- ظاهراً در احکام سابق فرقی بین عقد دائم و عقد موقت وجود ندارد.

استمناء

مسألهٔ ۳۲۸-- استـمناء حرام است و اگر به جهت استـمناء منی خارج شود. باید یک شتر کفاره بدهد. و حکم آن مثل حکم آمیزش است که گذشت. و در این مسأله فرقی بین زن و مرد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۵

وجود ندارد.

پوشاندن سر

مسألهٔ ۳۲۹-- مرد نباید تمام سر یا قسمتی از آن را با پارچه یا لباس و کلاه بپوشاند.

مسألهٔ ۳۳۰-- احتیاط واجب آن است که سر را با غیر پوشاک نیز- مانند حنا گِل یا دارو و امثال آن- نپوشاند یا چیزی مانند بار بر سر نگذارد.

مسألهٔ ۳۳۱-- بر محرم جایز نیست سر خود را زیر آب کند. و بنابر احتیاط سر را زیر مایع دیگر مثل گلاب نیز نکند.

مسألهٔ ۳۳۲-- دوش گرفتن برای محرم اشکالی ندارد. اما اگر آن قدر آب زیاد باشد که یک مرتبه تمام سر را فرا بگیرد جایز نیست.

مسألهٔ ۳۳۳-- قسمتی از سر نیز حکم تمام سر را دارد. لذا بنابر اقوی نباید پوشیده شود یا زیر آب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۶

قرار گیرد. و بنابر احتیاط نباید چیزی روی آن قرار گیرد.

مسألهٔ ۳۳۴-- قرار دادن بند قمقمه یا کیسه یا ساک دستی و امثال آن روی سر اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۳۳۵-- گوش‌ها ظاهراً جزء سر محسوب می‌شوند و نباید آنها را بپوشانند. ولی صورت از سر محسوب نمی‌شود و پوشاندن آن برای مردان مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۳۶-- احتیاط مستحب این است که با بعضی از اعضای بدن خود نیز مانند دست سر را نپوشاند.

مسألهٔ ۳۳۷-- در حال خوابیدن نیز نباید سر را بپوشاند. و اگر بدون توجه یا از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً آن را از روی سر بردارد. ولی گذاشتن سر روی بالش مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۳۸-- دستمالی را که برای سر درد به سر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۷

می‌بندند اگر چه تمام سر را نیز بپوشاند اشکالی نداشته و کفاره هم ندارد.

مسألهٔ ۳۳۹-- گذاشتن حوله و دستمال روی سر یا قسمتی از آن، اگر چه برای خشک کردن سر باشد جایز نیست.

مسألهٔ ۳۴۰-- محرمی که می‌داند اگر برای وضو بخواهد صبر کند تا سرش خشک شود نمازش قضا می‌شود نباید سر را با حوله یا حتی با دست خشک کند. بلکه باید به همان صورت وضو بگیرد و تیمم هم بکند.

مسألهٔ ۳۴۱-- کسی که موی مصنوعی دارد اگر موهای او کاشتنی باشد و عرفاً جزء بدن او محسوب شود اشکالی ندارد. ولی اگر به وسیله‌ای مثل چسب یا تور روی سر قرار گرفته باشد اشکال دارد و باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۴۲-- چنانچه از روی علم و عمد سر خود

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۸

را بپوشاند باید کفاره بدهد، و کفارهٔ آن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند است. و بنابر احتیاط مستحب کفارهٔ پوشاندن قسمتی از سر نیز همین است.

مسألهٔ ۳۴۳-- کسی که با چیز دوخته سر خود را بپوشاند باید دو کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۴۴-- کسی که چندین بار سر خود را بپوشاند برای هر بار باید یک گوسفند کفاره بدهد. هر چند بعید نیست یک کفاره

کفایت کند.

پوشیدن لباس دوخته

مسألهٔ ۳۴۵-- اقوی اجتناب از مطلق دوخته برای مردها است. هر چند کم باشد. مثل کمربند، بند ساعت، عرقچین، همیان، فتق بند، و جای قمقمه و ... ولی اگر استفادهٔ از آن مثل فتق‌بند و دست و پای مصنوعی که با چرمهای دوخته

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۴۹

شده به بدن می‌بندند و امثال آن ضروری باشد جایز است، و اولی این است که کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۴۶-- لباسهایی که دوخته نیست ولی شبیه آن است، مثل لباسهای بافتنی یا لباسی که از نمد به شکل بالاپوش درست شده پوشیدن آن بر محرم جایز نیست.

مسألهٔ ۳۴۷-- اگر احتیاج به پوشیدن لباس پیدا کرد. جایز است بپوشد، ولی باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۴۸-- گره زدن لباسهای احرام خلاف احتیاط است. ولی به احتیاط واجب نباید لنگ را بر گردن گره بزنند.

مسألهٔ ۳۴۹-- جایز است لباس احرام را با سنجاق یا چیز دیگر از قبیل گذاشتن سنگ یا سکه و کش بستن به دور آن به هم متصل کنند.

مسألهٔ ۳۵۰-- نپوشیدن لباس مخصوص مردان است. بنابراین برای زنان استفاده از لباس مانعی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۰

ندارد.

مسألهٔ ۳۵۱-- کفارهٔ پوشیدن لباس یک گوسفند است.

مسألهٔ ۳۵۲-- اگر محرم یک لباس را دو بار بپوشد برای هر دفعه پوشیدن آن باید یک کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۵۳-- اگر محرم چند لباس مختلف مثل شلوار، زیرپوش و پیراهن یا از یک نوع مثلًا چند پیراهن بپوشد باید برای هر کدام یک کفاره بدهد. حتی اگر به خاطر اضطرار باشد.

مسألهٔ ۳۵۴-- چنانچه چند لباس از یک نوع و در یک دفعه یعنی پشت سر هم و بدون فاصله بپوشد. برای همه فقط یک کفاره واجب می‌شود.

مسألهٔ ۳۵۵-- اگر محرم پیراهن بپوشد علاوه بر کفاره باید پیراهن را شکافته و از پایین درآورد.

ولی اگر پیراهن قبل از احرام بر تن او بوده لازم

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۱

نیست آن گونه عمل کند، بلکه پیراهن را به طور معمول از تن درآورد.

مسألهٔ ۳۵۶-- اگر بعد از احرام از روی ندانستن یا فراموشی، شورت دوختهٔ خود را درنیاورده باشد و در اثنای اعمال متوجه شود ولی باز درنیاورد و با همان شورت اعمال را تمام کند، اعمال او صحیح است، ولی باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۵۷-- اگر حاجی در حال احرام از پتوی دوخته به صورت روانداز استفاده کند به طوری که پوشیدن صدق نکند اشکالی ندارد. اما اگر آن را به خود بپیچد به طوری که مثل لباس شود اشکال دارد، و اگر صدق پوشیدن دوخته کند، کفاره دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۲

پوشاندن تمام روی پا

مسألهٔ ۳۵۸-- پوشیدن جوراب، کفش، چکمه و امثال آن که تمام روی پا را بگیرد برای مرد حرام است. و کفارهٔ آن به احتیاط واجب یک گوسفند است.

مسألهٔ ۳۵۹-- اگر ناچار به پوشیدن کفش یا جوراب شود به احتیاط مستحب باید روی آن را شکاف دهد.

مسألهٔ ۳۶۰-- پوشیدن دمپایی و کفشهایی که بندهای عریض داشته باشند اگر تمام روی پا را نگیرد و دوخته هم نباشد مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۶۱-- پوشیدن کفش دوخته از روی ناچاری جایز است. ولی باید کفارهٔ آن را بپردازد.

مسألهٔ ۳۶۲-- کسی که ناچار است در حال احرام روی هر دو پا را بپوشاند، برای آن یک کفاره کفایت می کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۳

مسألهٔ ۳۶۳-- سه مورد مذکور (پوشاندن سر- پوشیدن لباس- پوشاندن تمام روی پا) مخصوص مردان است، و مورد بعد (پوشاندن صورت) اختصاص به زنان دارد.

پوشاندن صورت

مسألهٔ ۳۶۴-- زن نباید روی خود را با نقاب، پوشیه و حتی باد بزن بپوشاند، و به احتیاط واجب از پوشاندن صورت با گِل و دارو و امثال آن نیز اجتناب کند.

مسألهٔ ۳۶۵-- پوشاندن صورت تا زیر بینی که معمولًا با نقاب پوشیده می‌شود در حکم پوشاندن تمام صورت است. و احتیاطاً چانه و قسمت پایین صورت ملحق به صورت است.

مسألهٔ ۳۶۶-- گذاشتن دست روی صورت و همچنین گذاشتن صورت روی بالش در هنگام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۴

خوابیدن مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۶۷-- زن نباید صورت خود را با حوله خشک کند.

مسألهٔ ۳۶۸-- زن باید مراقب باشد که هنگام پوشیدن یا درآوردن مقنعه آن را از صورت دور نگه دارد تا صورتش پوشیده نشود.

مسألهٔ ۳۶۹-- زن می تواند در نماز کمی از اطراف صورت را به عنوان مقدمهٔ پوشش سر بپوشاند.

اما بعد از نماز باید فوراً باز کند.

مسألهٔ ۳۷۰-- برای رو گرفتن از نامحرم می‌تواند چادر یا لباس خود را از روی سر مقابل صورت آویزان کند و به احتیاط مستحب آن را از صورت دور نگه دارد که به صورت نچسبد.

مسألهٔ ۳۷۱-- پوشاندن صورت کفاره ندارد. گرچه احتیاط مستحب این است که یک گوسفند کفاره بدهد. و همین طور است در مسأله قبل اگر چادر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۵

به صورت بچسبد.

استعمال عطریات

مسألهٔ ۳۷۲-- اقوی این است که محرم از استعمال عود، مشك، عنبر و زعفران اجتناب کند. و احتیاط این است که از استعمال آنچه بوی خوش دارد- حتی کافور- اجتناب کند.

مسألهٔ ۳۷۳-- مالیدن عطر بر بدن و لباس، و پوشیدن لباس معطر جایز نیست.

مسألهٔ ۳۷۴-- از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می‌دهند باید اجتناب شود. مگر از انواع صحرایی آن مثل: بومادران، درمنه و خزامی.

مسألهٔ ۳۷۵-- استعمال صابون یا شامپو و خمیردندانی که بوی خوش دارد برای محرم جایز نیست.

مسألهٔ ۳۷۶-- استفاده از زنجبیل، دارچین، و هِل

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۶

حرام نیست، ولی احتیاط در اجتناب از آنهاست.

مسألهٔ ۳۷۷-- خوردن میوه‌های خوشبو مثل سیب و بِه در حال احرام مانعی ندارد. و احتیاط این است که آنها را بو نکنند.

مسألهٔ ۳۷۸-- خوردن غذاهایی که مشتمل بر چیزهایی باشد که استعمال آنها بر محرم حرام است جایز نیست. و کفارهٔ آن بنابر اقوی یك گوسفند است.

مسألهٔ ۳۷۹-- خرید و فروش عطریات اشکال ندارد. ولی نباید آنها را بو کند.

مسألهٔ ۳۸۰-- استعمال خلوق کعبه یا چیزی که کعبه را با آن خوشبو کنند مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۸۱-- محرم نباید بینی خود را از بوی بد بگیرد. و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد. اما فرار کردن از بوی بد مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۸۲-- اگر به پوشیدن لباس یا خوردن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۷

غذایی که از جهت بوی خوش حرام است اضطرار پیدا کند باید بینی خود را بگیرد.

مسألهٔ ۳۸۳-- کفارهٔ استعمال بوی خوش از روی علم و عمد به احتیاط واجب یك گوسفند است.

مسألهٔ ۳۸۴-- اگر در یك وقت چند بار بوی خوش استعمال کرد بعید نیست برای کفارهٔ آن یك گوسفند کفایت کند، اما احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات مختلف استعمال کرد بنابر اقوی باید کفارهٔ متعدد بدهد.

زینت

الف- زیورآلات:

مسألهٔ ۳۸۵-- استفاده از زیور آلات برای زن محرم جایز نیست. و اگر قصد زینت نداشته باشد به احتیاط مستحب از آن اجتناب کند.

مسألهٔ ۳۸۶-- زیور آلاتی که زنان به طور معمول

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۸

همیشه همراه دارند مانعی ندارد، مگر اینکه قصد تزیین داشته باشند. و در فرض اینکه قصد تزیین نداشته باشد نباید آن را حتی به شوهر خود نشان دهد.

مسألهٔ ۳۸۷-- پوشیدن زیور آلات هر چند حرام است ولی کفاره ندارد.

ب- عینک:

مسألهٔ ۳۸۸-- استفاده از عینک تزیینی به قصد تزیین برای محرم حرام است، ولی استفاده از عینک طبی مانعی ندارد.

ج- انگشتر:

مسألهٔ ۳۸۹-- استفاده از انگشتر به قصد زینت حرام است. اما اگر به قصد استحباب باشد یا جهت دیگری غیر از زینت باشد مانعی ندارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۵۹

د- ساعت:

مسألهٔ ۳۹۰-- استفاده از ساعت زینتی اگر به قصد تزیین باشد جایز نیست، و الّا اشکالی ندارد.

ه- سرمه کشیدن:

مسألهٔ ۳۹۱-- کشیدن سرمهٔ سیاه که زینت محسوب می‌شود بر زن و مرد محرم حرام است، هر چند قصد تزیین نداشته باشد. و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است.

مسألهٔ ۳۹۲-- چنانچه برای مداوا سرمه بکشد مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۹۳-- سرمه کشیدن کفاره ندارد. ولی اگر مشتمل بر بوی خوش باشد و بوی آن استشمام شود بنابر اقوی باید کفاره بدهد، و اگر بوی آن استشمام نشود بنابر احتیاط مستحب کفاره بدهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۰

و: حنا بستن

مسألهٔ ۳۹۴-- حنابستن اگر زینت محسوب شود و به قصد تزیین باشد حرام است.

مسألهٔ ۳۹۵-- اگر قبل از احرام حتی به قصد زینت حنا ببندد اشکال ندارد، هر چند احتیاط خوب است. و در هر حال حنابستن کفاره ندارد.

نگاه کردن در آینه

مسألهٔ ۳۹۶-- نگاه کردن در آینه برای زن و مرد محرم حرام است. ولی نگاه کردن به اجسام صاف و صیقلی و آب مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۹۷-- احتیاط آن است که حتی بدون قصد زینت هم به آینه نگاه نکند. مثلًا برای دیدن کنار یا پشت ماشین باشد.

مسألهٔ ۳۹۸-- رفتن به اتاق یا جایی که در آن آینه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۱

وجود دارد و نشستن در ماشین و امثال آن اگرچه بداند سهواً چشمش به آینه می‌افتد اشکال ندارد. ولی احتیاط آن است که یا آینه

را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مسألهٔ ۳۹۹-- عکسبرداری و فیلمبرداری در حال احرام مانعی ندارد، اگر چه مستلزم نگاه به لنز و شیشهٔ دوربین باشد.

مسألهٔ ۴۰۰-- نظر کردن در آینه کفاره ندارد، و مستحب است بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مالیدن روغن و پماد چرب

مسألهٔ ۴۰۱-- مالیدن روغن و پماد اگر چه بوی خوش نداشته باشد بنابر اقوی حرام است، ولی کفاره ندارد. و اگر مشتمل بر بوی خوش باشد بنابر احتیاط واجب کفارهٔ آن یک گوسفند است.

مسألهٔ ۴۰۲-- اگر روغن یا پماد مشتمل بر بوی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۲

خوش باشد، چنانچه بوی خوش آن تا وقت احرام باقی بماند قبل از احرام نیز نباید استعمال کند.

مسألهٔ ۴۰۳-- پمادهایی که برای عرق سوز شدن بدن و مداوا به کار می‌رود به مقدار ضرورت مانعی ندارد.

ناخن گرفتن

مسألهٔ ۴۰۴-- گرفتن ناخن دست یا پا، با هر وسیله‌ای که باشد جایز نیست. مگر اینکه بقای آن موجب اذیت و آزار محرم شود.

مسألهٔ ۴۰۵-- اگر انگشت زائد یا دست و پای زائد نیز داشته باشد بنابر احتیاط واجب نباید ناخن آن را بگیرد.

مسألهٔ ۴۰۶-- محرم نمی‌تواند ناخن خود را بگیرد.

ولی می‌تواند ناخن دیگری را بگیرد. بنابراین

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۳

گرفتن ناخن محرم دیگر به قصد تقصیر برای محرم مانعی ندارد و صحیح است.

مسألهٔ ۴۰۷-- در حرمت گرفتن ناخن فرقی نمی‌کند که محرم خودش ناخن بگیرد یا دیگری ناخن او را بگیرد.

مسألهٔ ۴۰۸-- گرفتن یک یا چند ناخن دست یا پا کفاره دارد. و کفاره هر ناخن یک مُد طعام است.

ولی اگر ناخن تمام انگشتان دست یا پا یا هر دو را در یک مجلس بگیرد کفارهٔ آن یک گوسفند است.

مسألهٔ ۴۰۹-- اگر مجموع ناخنهای دست را در یک مجلس و مجموع ناخنهای پا را در مجلس دیگر بگیرد باید دو گوسفند کفاره بدهد.

مسألهٔ ۴۱۰-- اگر مجموع ناخنهای دست و چند ناخن پا، یا مجموع ناخنهای پا و چند ناخن دست را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۴

ازالهٔ مو

مسألهٔ ۴۱۱-- ازالهٔ مو از بدن خود یا دیگری به هر وسیله‌ای که باشد برای محرم حرام است، مگر در موارد ضرورت.

مسألهٔ ۴۱۲-- در فرض سابق فرقی نمی‌کند که محرم خودش موی خود را ازاله کند یا دیگری با اجازهٔ او موی او را ازاله کند. اما اگر دیگری موی محرم را بدون اختیار وی ازاله کند اشکالی ندارد و کفاره هم ثابت نمی‌شود.

مسألهٔ ۴۱۳-- در فرضهای سابق فرقی نمی‌کند که مو کم باشد یا زیاد، مو را کوتاه کند یا بتراشد یا آن را بکند. بنابراین اگر عمداً دست خود را به سر و صورت یا سایر اعضای بدن بکشد با علم به اینکه مو کنده می‌شود حرام است و کفاره دارد.

مسألهٔ ۴۱۴-- اگر هنگام وضو یا غسل مویی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۵

بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

مسألهٔ ۴۱۵-- کفارهٔ تراشیدن یا ازالهٔ موی سر به احتیاط واجب یک گوسفند است.

مسألهٔ ۴۱۶-- اگر محرم به جهت ضرورت سر خود را بتراشد، یا به وسیله دیگر موی سر را ازاله کند هر چند گناه نکرده ولی باید کفاره بدهد. و کفارهٔ آن یکی از موارد زیر است: ۱- ۱۲ مد طعام به ۶ مسکین بدهد. ۲- سه روز روزه بگیرد. ۳- یک گوسفند قربانی کند.

مسألهٔ ۴۱۷-- کفارهٔ ازالهٔ موی زیر هر دو بغل یک گوسفند است. و کفارهٔ ازالهٔ موی زیر یک بغل به احتیاط واجب یک گوسفند است.

مسألهٔ ۴۱۸-- اگر در غیر از غسل و وضو دست به بدن خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۶

سایه قرار دادن

مسألهٔ ۴۱۹-- زیر سایه قرار دادن بدن برای مردان در حال حرکت و طی مسیر در سفر- پیاده یا سواره- حرام است. ولی برای زنان و کودکان اشکال ندارد.

مسألهٔ ۴۲۰-- در زیر سایه قرار دادن فرقی بین سر و بدن نیست. لذا نشستن در ماشین سرپوشیده و سر خود را از شیشه یا سقف بیرون کردن خلاف احتیاط وجوبی است.

مسألهٔ ۴۲۱-- حرمت استظلال آنجایی است که محرم خود را زیر سایبان مانند چتر و سقف قرار دهد. ولی اگر در کنار مانع باشد و خود را در سایه آن قرار دهد اشکالی ندارد، مثلًا درکنار ماشین یا دیوار حرکت کند هر چند خلاف احتیاط استحبابی است.

مسألهٔ ۴۲۲-- حرمت سایه قرار دادن منحصر به

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۷

سایبانی که همراه انسان حرکت کند مثل سقف ماشین و هواپیما نیست بکله شامل سایبان ثابت مثل تونل و پل هم می‌شود. بلی عبور از زیر پلهایی که در جاده واقع شده و به ناچار باید از آن‌جا عبور کرد اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۴۲۳-- مرد محرم می‌تواند در ایستگاههای بین راه یا در مکه، منی و عرفات زیر سایبان برود؛ چون حرمت سایه قرار دادن مربوط به حال حرکت و سفر کردن است. بنابراین برای رفتن از منزل خود در مکه تا حرم، یا رفتن از چادرهای منی تا رمی جمره یا قربانگاه می‌تواند زیر سایبان حرکت کند.

مسألهٔ ۴۲۴-- تمام شهر مکه حتی محله‌های جدید آن منزل محسوب می‌شود، لذا به محض ورود به مکه زیرسایبان رفتن مانعی

ندارد، بنابراین می‌تواند از محله‌های جدید مکه تا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۸

مسجدالحرام با ماشین سرپوشیده برود.

مسألهٔ ۴۲۵-- کسی که در مسجد تنعیم برای عمرهٔ مفرده محرم می‌شود می‌تواند با ماشین سرپوشیده تا مسجدالحرام یا خانهٔ خود در مکه برود، و همچنین کسی که در مسجد الحرام برای حج تمتع محرم می‌شود می‌تواند تا منزل خود زیر سایبان برود، اما در حال حرکت از مکه به عرفات نباید زیر سایبان برود.

مسألهٔ ۴۲۶-- استظلال در شب مانعی ندارد. ولی در روز اگر چه هوا ابری باشد جایز نیست. بلی اگر ابر به قدری تیره باشد که صدق استظلال نکند مانعی ندارد.

مسألهٔ ۴۲۷-- مردی که می‌داند برای سفر باید از وسیلهٔ سرپوشیده در روز استفاده کند نمی‌تواند نذر کند که قبل از میقات محرم شود.

مسألهٔ ۴۲۸-- در فرض سابق اگر می‌داند بعد از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۶۹

ورود به جده برای احرام عمرهٔ تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت برود نذر صحیح است، و می‌تواند بانذردر تهران مثلًا محرم شده و به مکه برود. و احتیاط این است که در ادنی‌الحل تجدید احرام کند. ولی در هر حال باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۴۲۹-- زیر سایه رفتن در مواقع ضروری مثلًا شدت گرما یا سرما، یا بارندگی جایز است، ولی باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۴۳۰-- کفارهٔ سایه قرار دادن در مسیر حرکت و طی منزل یک گوسفند می‌باشد. حتی درحال اضطرار هم اقوی وجوب یک گوسفند به عنوان کفاره است.

مسألهٔ ۴۳۱-- کفارهٔ سایه قرار دادن مربوط به حالت علم و عمد و اختیار است، بنابراین اگر مثلًا کسی که شب در ماشین سرپوشیده نشسته وقتی که روز می‌شود در خواب باشد و بعد از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۰

ورود به مکه بیدار شود کفاره ندارد. بلی اگر این فرد در بین راه بیدار شود و مقداری از راه را با ماشین سرپوشیده ولو بی‌اختیار طی کند باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۴۳۲-- سایه قرار دادن در عمرهٔ تمتع یک کفاره دارد اگر چه متعدد باشد. و همین طور در حج تمتع یک کفاره کافی است، گرچه چند بار زیر سایه برود.

فسوق

مسألهٔ ۴۳۳-- فسوق یعنی دروغ گفتن، فحش دادن، فخر فروختن به دیگران، که یکی از محرمات احرام است.

مسألهٔ ۴۳۴-- فسوق کفاره ندارد و باید استغفار کند، هر چند بهتر است یک گاو به عنوان کفاره ذبح کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۱

جدال

مسألة ۴۳۵-- قسم خوردن برای اثبات مطلب یا ردّ دیگری با لفظ «لا و الله» و «بلی والله» برای محرم حرام است.

مسألة ۴۳۶-- در جدال محرّم «لا ـ و الله» و «بلی و الله» موضوعیت دارد، لذا اگر به جای کلمات «لا» و «بلی» مرادف آنها، یا به جای «الله» مرادف آن را در لغایت دیگر به قصد قسم خوردن به کار ببرند. جدال محرّم محسوب نمی‌شود. همان طور که قسم خوردن به «اللّه» بدون لفظ «بلی» و «لا» جدال محرّم نیست.

مسألة ۴۳۷-- اگر با الفاظ «لا» و «بلی» به سایر اسماء جلاله مثل «رحمن» و «رحیم» و «خالق السموات والارض» قسم بخورد بنابر احتیاط مستحب ملحق به جدال محرّم است. و سایر قسمهایی که بین مردم متعارف است جدال

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۲

محرّم نمی‌باشد.

مسألة ۴۳۸-- قسم خوردن به اسماء جلاله و غیر آن در مقام ضرورت برای اثبات حق یا ابطال باطل مانعی ندارد.

مسألة ۴۳۹-- اگر محرم قسم راست بخورد در مرتبه اول و دوم کفاره ندارد و باید استغفار کند، ولی قسم سوم کفاره دارد و کفاره آن یک گوسفند است.

مسألة ۴۴۰-- اگر یک قسم دروغ بخورد واجب است یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر دو قسم دروغ بخورد احتیاط واجب است که یک گاو کفاره بدهد، و اگر سه قسم دروغ بخورد به احتیاط واجب کفاره آن یک شتر است. و احتیاط کامل در این است که اگر دو قسم دروغ خورد هم گاو و هم گوسفند بدهد، و اگر سه قسم دروغ خورد هم شتر و هم گاو بدهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۳

مسألة ۴۴۱-- اگر بعد از یک قسم دروغ یک گوسفند کفاره داد و دو مرتبه قسم دروغ خورد بعید نیست لازم باشد یک گاو کفاره بدهد. و همین طور اگر بعد از دو قسم یک گاو کفاره داد برای مرتبه سوم قسم دروغ بخورد بعید نیست لزوم یک شتر به عنوان کفاره.

مسألة ۴۴۲-- اگر بیش از سه قسم راست بخورد، یک کفاره کافی است، حتی اگر بعد از سه مرتبه کفاره بدهد و بعد دومرتبه قسم بخورد دیگر کفاره واجب نمی‌شود.

مسألة ۴۴۳-- اگر بیش از سه مرتبه قسم دروغ بخورد بعید نیست برای هر مرتبه که بیشتر از سه بار قسم بخورد یک شتر واجب باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۴

بیرون آوردن خون از بدن خود

مسألة ۴۴۴-- بیرون آوردن خون از بدن خود برای محرم حرام است ولی کفاره ندارد. اما بیرون آوردن خون از بدن دیگران حرام نیست.

لذا محرم می‌تواند دیگری را حجامت کند یا دندان او را بکشد.

مسألة ۴۴۵-- تزریق آمپول و خراشیدن بدن و مسواک کردن اگر موجب بیرون آمدن خون شود جایز نیست.

مسألة ۴۴۶-- خون درآوردن از بدن در موارد ضروری مثل حجامت برای درمان، یا آمپول و سرم زدن، یا بیرون آوردن خون دمل مانعی ندارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۵

کندن دندان

مسألهٔ ۴۴۷-- کندن دندان گرچه خون نیاید حرام است. و کفارهٔ آن بنابر احتیاط یک گوسفند است.

مسألهٔ ۴۴۸-- محرم نمی‌تواند دندان خود را بکند.

اما کندن دندان دیگری گرچه موجب خون آمدن شود مانعی ندارد.

مسألهٔ ۴۴۹-- کندن دندان در صورت ضرورت مانعی ندارد، و کفاره هم ندارد.

کشتن حشرات بدن

مسألهٔ ۴۵۰-- کشتن حشراتی که در بدن حیوان یا انسان ساکن می‌شوند مثل شپش، کک، کنه و ...

حرام است.

مسألهٔ ۴۵۱-- انداختن این گونه حشرات از روی بدن یا جابجا کردن آنها به محلی از بدن که در معرض سقوط باشند جایز نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۶

مسألهٔ ۴۵۲-- بعید نیست که کشتن یا جابجا کردن حشرات کفاره نداشته باشد، ولی اگر شپش را بکشد یا بیندازد به احتیاط واجب یک کف طعام صدقه بدهد.

مسألهٔ ۴۵۳-- کشتن مگس، پشه و حشرات خاکی اگر اذیت کنند، مانعی ندارد.

سلاح برداشتن

مسألهٔ ۴۵۴-- همراه داشتن سلاح اگر به گونه‌ای باشد که عرفاً مسلح محسوب شود حرام است.

ولی اگر عرفاً نگویند مسلح است اشکالی ندارد.

و کراهت هم ندارد.

مسألهٔ ۴۵۵-- اگر از روی جهل، نسیان، سهو و غفلت یکی از محرمات احرام را انجام داد کفاره ندارد مگر در مورد صید که در هر صورت کفاره دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۷

کندن گیاهان و درختان حرم

مسألهٔ ۴۵۶-- کندن و بریدن درختان و گیاهان حرم بر محرم و غیرمحرم حرام است.

مسألهٔ ۴۵۷-- اگر در منزل خود درخت بکارد مجاز است آن را قطع کند یا بکند، ولی اگر در منزل درختی که خودش نکاشته رشد کند اقوی این است که قطع و کندن آن جایز است، هر چند احتیاط در ترک است. اما اگر منزلی را که درخت دارد بخرد نمی‌تواند درختان آن را قطع کند.

مسألهٔ ۴۵۸-- قطع کردن شاخه‌های درختان میوه و نخل که در کیفیت و کمیت میوهٔ آن مؤثر است، مانعی ندارد. اما خود درختان را نباید قطع کند.

مسألهٔ ۴۵۹-- اگر در اثر راه رفتن به طور متعارف گیاهی قطع شود اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۴۶۰-- اگر درخت بزرگی را قطع کند بنابر احتیاط یک گاو کفاره بدهد و اگر درخت کوچکی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۸

را قطع کند یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر قسمتی از درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد. اما قطع گیاهان کفاره ندارد.

شکار حیوانات وحشی

مسألهٔ ۴۶۱-- خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، و فرقی نمی‌کند که خودش شکار کند یا دیگری، محرم شکار کند یا محّل.

مسألهٔ ۴۶۲-- همان گونه که صید برای محرم حتی در خارج حرم جایز نیست. برای محل نیز صید در حرم جایز نمی‌باشد.

مسألهٔ ۴۶۳-- کمک به شکارچی به هر صورت که باشد- حتی به مقدار نشان دادن شکار به او- حرام است.

مسألهٔ ۴۶۴-- اگر محرم شکار را صید کند بنابر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۷۹

احتیاط واجب در حکم میته است، و اگر صید را ذبح کند از نظر خوردن در حکم میته است و حتی شخص محّل هم نمی‌تواند از آن استفاده کند.

مسألهٔ ۴۶۵-- شکار حیوانات دریایی- یعنی حیوانی که محل زندگی آن عرفاً در دریا است- مانعی ندارد.

مسألهٔ ۴۶۶-- ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ، گاو و گوسفند مانعی ندارد.

مسألهٔ ۴۶۷-- پرندگان از حیوانات صحرایی محسوب می‌شوند. و ملخ هم در حکم شکار صحرایی است.

مسألهٔ ۴۶۸-- به احتیاط واجب محرم نباید زنبور عسل یا زنبورهای دیگر را بکشد، مگر اینکه از آزار آنها بترسد.

مسألهٔ ۴۶۹-- محرم نباید صید را نگهداری کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۰

هر چند خودش مالک آن باشد، و حتی اگر قبل از احرام آن را داشته باید رها کند.

مسألهٔ ۴۷۰-- اگر پرنده‌ای که پر در نیاورده یا پر او را چیده باشند در دست محرم باشد واجب است از آن محافظت کند تا پر درآورد و بعد او را رها کند. بلکه بعید نیست محافظت بچهٔ صید تا بزرگ شدن و رها کردن آن واجب باشد.

مسألهٔ ۴۷۱-- حیواناتی که شکار آن برای محرم حرام است تخم و جوجهٔ آنها نیز برای محرم حرام است.

مسألهٔ ۴۷۲-- کشتن مارمولک و این قبیل حیوانات در حال احرام مانعی ندارد.

مسألهٔ ۴۷۳-- مسائل و فروع متفرقهٔ شکار و کفارهٔ هر یک از شکارها بسیار است، ولی چون چندان محل ابتلاء نیست از تفصیل آن خودداری می کنیم.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۱

مستحبات دخول حرم

اشاره

مسألة ۴۷۴-- برای داخل شدن در حرم خدا چند چیز مستحب است: ۱- همین‌که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به‌جهت دخول حرم غسل کند. ۲- برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا ـ پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته و داخل حرم شود. این عمل ثواب زیادی دارد. ۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند: «اللّهُمَّ انَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ: «وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۲

فَجٍّ عَمیقٍ». اللّهُمَّ انّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوتَکَ، وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَ فَجٍّ عَمیقٍ، سامِعاً لِنِدائِکَ، وَ مُستَجیباً لَکَ، مُطیعاً لِامْرِکَ وَ کُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَ احْسانِکَ إلَیَّ، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ، أبْتَغِی بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ، وَ الْقُرْبَةَ إلَیْکَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی، وَ التَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْهَا بِمَنِّکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النّارِ، وَ آمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَ عِقابِکَ، بِرَحْمَتِکَ یَا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». ۴- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۳

آداب دخول مسجدالحرام

مسألة ۴۷۵-- هنگام داخل شدن به مسجد الحرام چند چیز مستحب است: ۱- مستحب است برای دخول مسجدالحرام غسل کند. ۲- مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود. ۳- هنگام ورود از درب «بنی شیبه» وارد شود، و گفته‌اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است. بنابر این نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماًبیاید تا از ستونها بگذرد. ۴- مستحب است بر درب مسجدالحرام ایستاده، بگوید: «السَّلامُ عَلَیْکَ أیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُاللّهِ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۴

وَبَرَکَاتُهُ، بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ ما شاءَ اللّهُ، السَّلامُ عَلی أنْبیاءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلی إبْراهِیمَ خَلِیلِ اللّهِ، وَ الْحَمْدُللّهِ رَبِ الْعالَمِینَ». و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید: «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ إلَی اللّهِ وَ ما شاءَ اللّهُ، وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ خَیْرُ الْأسْماءِ لِلّهِ، وَ الْحَمْدُ للّهِ، وَالسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ أیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُاللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی أنْبِیاءِاللّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلامُ عَلی خَلِیلِ اللّهِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُللّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِاللّهِ الصَّالِحِینَ،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۵

اللَّهُمَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلی إبْراهِیمَ وَ آلِ إبْراهِیمَ، إنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی إبْراهِیمَ خَلِیلِکَ، وَ عَلی أنْبِیائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ سَلِّمْ عَلَیْهِمْ، وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ، وَالْحَمْدُللّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أبْوابَ رَحْمَتِکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی فِی طاعَتِکَ وَ مَرْضاتِکَ، وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإیمانِ أبَداً ما أبْقَیْتَنِی، جَلَّ ثَناءُ وَجْهِکَ، الْحَمْدُللّهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ، وَجَعَلَنِی مِمَّنْ یَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَ جَعَلَنِی مِمَّن یُناجِیهِ، اللّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۶

وَ زائِرُکَ فِی بَیْتِکَ، وَ عَلَی کُلِّ مَأتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أتاهُ وَزارَهُ، وَ أنْتَ خَیْرُ مَأتِیٍّ وَأکْرَمُ مَزُور، فأسْألُکَ یا اللّهُ یا رَحْمنُ، بِأنَّکَ أنْتَ اللّهُ لاإلهَ إلّا أنتَ، وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ، بِأنَّکَ واحِدٌ احِدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ (لَکَ خ ل) کُفُواً أحَدٌ، وَ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ عَلی أهْلِ بَیْتِهِ، یا جَوادُ یا کَرِیمُ، یا ماجِدُ یا جَبّارُ یا کَرِیمُ، أسْألُکَ أنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إیّایَ بِزیارَتِی إیّاکَ، أوَّلَ شَیْءٍ تُعْطِینِی، فکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ». پس سه مرتبه بگوید: «اللّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ». پس بگوید: «وَ أوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ، وَادْرَأ عَنِّی شَرَّ شَیاطِینِ الْجِنِّ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۷

وَالْانْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». ۵- داخل مسجدالحرام شود، و رو به کعبه دستها را بلند کرده، و بگوید: «اللّهُمَّ إنّی أسْألُکَ فِی مَقامِی هذا، وَ فِی أوَّلِ مَناسِکِی، أنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی، وَ أنْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی، وَ أنْ تَضَعَ عَنِّی وِزْرِی، الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرامَ، اللّهُمَّ إنِّی أشْهَدُ أنَّ هذا بَیْتُکَ الْحَرامُ، الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ، وَ أمْناً مُبارَکاً، وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ، اللّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ، وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ، وَالْبَیْتَ بَیْتُکَ، جِئتُ أطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَ أؤُمُّ طاعَتَکَ، مُطِیعاً لِأمْرِکَ، راضِیاً بِقَدَرِکَ، أسْألُکَ مَسْألَةَ الْفَقِیرِ إلَیْکَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ، اللّهُمَّ افْتَحْ لِی أبْوابَ رَحْمَتِکَ، واسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِکَ وَ مَرْضاتِکَ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۸

بعد خطاب کند بسوی کعبه، و بگوید: «الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی عَظَّمَکِ وَ شَرَّفَکِ وَ کَرَّمَکِ، وَجَعَلَکِ مَثابَةً لِلنّاسِ، و امْناً مُبارَکاً، وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ». ۶- مستحب است وقتی که محاذی حجرالأسود شد، بگوید: «أشْهَدُ أنْ لاإلهَ إلااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، وَ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللّهِ، وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّی، وَ بِعِبادَةِ الشَّیْطانِ، وَ بِعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللّهِ»، و هنگامی که نظرش به حجرالأسود افتاد متوجه بسوی او شود، و بگوید: «الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا، وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا أنْ هَدانَا اللّهُ، سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُلِلّهِ ولا إلَهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أکْبَرُ، اللّهُ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۸۹

أکْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللّهُ أکْبَرُ مِمّا أخْشی وَاحْذَرُ، لا إلهَ إلّااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُالْمُلْکُ و لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَ یُمِیتُ، وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی، وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَأفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلی إبْراهِیمَ وَ آلِ إبْراهِیمَ، إنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ، وَ سَلامٌ عَلی جمیعِ النَّبِیِّینَ وَالْمُرْسَلِینَ، وَالْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ، ألّلهُمَّ إنِّی اومِنُ بِوَعْدِکَ، وَأُصَدِّقُ رُسُلَکَ، وَأتَّبِعُ کِتابَکَ». ۷- در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن، و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست، و از خداوند عالم بخواه که حج تو

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۰

را قبول کند. پس از آن حجر را ببوس و استلام کن. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام کن، و اگر آن نیز ممکن نشد به آن اشاره کن و بگو: «اللّهُمَّ أمانَتِی أدَّیْتُها، وَ مِیثاقِی تَعاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ، اللّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتابِکَ، وَ عَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، وَ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللّهِ، وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطاغُوتِ، وَاللّاتِ وَالْعُزّی، وَ عِبادَةِ الشَّیْطانِ، وَ عِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللّهِ». و سپس بگو: «اللّهُمَّ إلَیْکَ بَسَطْتُ یَدِی، وَ فِیما عِنْدَکَ عَظُمَتْ رَغْبَتِی، فَاقْبَلْ سُبْحَتِی، وَاغْفِرْلِی وَارْحَمْنِی، اللّهُمَّ إنِّی أعُوذُ بِکَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۱

مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَ مَواقِفِ الْخِزْیِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ».

مستحبات دیگر مکه

مسألهٔ ۴۷۶-- آداب و مستحبات دیگر در مکـهٔ معظمه از این قرار است: ۱- زیاد ذکر خـدا کردن، و خواندن قرآن. ۲- ختم کردن قرآن. ۳- خوردن از آب زمزم، و بعد از خوردن این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ» و نیز بگوید: «بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَالشُّکْرُ لِلّهِ». ۴- نظر کردن به کعبه، و بسیار تکرار کردن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۲

آن. ۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف کردن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

مسألهٔ ۴۷۷-- مستحب است بعـد از فراغ از حـج در صورت امکان یک عمرهٔ مفرده انجام دهد، و هنگام خروج از مکه طواف وداع انجام دهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۳

طواف

اشاره

مسألهٔ ۴۷۸-- طواف یعنی هفت مرتبه دور خانه خدا (کعبه) گشتن، به گونه‌ای که شرحش می‌آید.

و هر دور را به عربی «شوط» می‌گویند.

مسألهٔ ۴۷۹-- طواف از ارکـان عمرهٔ تمتع است، و اگر کسـی عمـداً تا وقت باقی است آن را انجام ندهـد عمرهٔ او باطل می‌شود. چه عالم به مسأله باشد یا جاهل.

مسألهٔ ۴۸۰-- کسـی که طواف را عمداً ترک کند و عمرهٔ خود را باطل کند به احتیاط واجب باید حج إفراد بجا آورد، و پس از آن عمرهٔ مفرده انجام دهد، و اگر حج واجب بجا می‌آورده در سال بعد نیز حج را اعاده کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۴

مسألهٔ ۴۸۱-- وقت طواف در عمرهٔ تمتع تـا زمانی است که اگر آن را با اعمال بعـد از آن انجام دهـد بتوانـد به وقوف رکنی عرفات برسد.

مسألهٔ ۴۸۲-- طواف باید قبل از سعی انجام شود.

و اگر این ترتیب به هر دلیـل حتی از روی فراموشـی مراعـات نشود مجزی نبوده و به احتیـاط واجب بایـد سـعی و تقصـیر را بعـد از طواف و نماز آن اعاده کند.

مسألهٔ ۴۸۳-- شـخص می‌توانـد قبـل از اینکه طواف واجب خود را بجـاآورد طواف نیابی انجام دهـد و صـحیح است، هر چنـد بنابر احتیاط نمی‌تواند طواف مستحبی بجاآورد.

مسألهٔ ۴۸۴-- اگر کسـی طواف را به هر جهت باطل انجام داده و بـدون توجه به بطلان آن، اعمال بعـد از آن را انجام داده و بعد از تقصیر متوجه شده، باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۵

به احتیاط واجب سعی و تقصیر را نیز اعاده کند، و تا تقصیر نکرده محرمات احرام را مراعات کند.

مسألهٔ ۴۸۵-- اگر بعد از طواف شک کند که شرایط صحت طواف را مراعات کرده یا خیر، طواف او صحیح است. و همین طور اگر در اثنای طواف نسبت به دورهای انجام شده چنین شکی کند چنانچه غافل از شرایط نبوده طواف صحیح است. و در غیر این صورت باید طواف را تمام کند.

مسألهٔ ۴۸۶-- کسی که طواف عمرهٔ تمتع را فراموش کند یا باطل انجام دهد هر وقت یادش آمد اگر چه بعد از اعمال منی یا بعد از ماه ذی‌الحجه باشد باید آن را بجاآورد، و بعد از نماز طواف، سعی و تقصیر را بنابر احتیاط اعاده کند. و اگر خودش نتواند شخص مورد اطمینان را نایب کند تا برایش انجام دهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۶

مسألهٔ ۴۸۷-- کسی که به خاطر بیماری یا پیری قدرت بر انجام طواف نداشته باشد طواف او به ترتیب ذیل انجام می‌شود: ۱- او را بر دوش گرفته به گونه‌ای که در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود طواف دهند. ۲- او را با تخت روان (طبق) طواف دهند. ۳- اگر دو صورت فوق ممکن نباشد نایب بگیرد.

مسألهٔ ۴۸۸-- بیمار یا ناتوان را که طواف می‌دهند باید شرایط صحت طواف را تا جایی که ممکن است مراعات کنند.

مسألهٔ ۴۸۹-- کسی که مقداری از طواف را می‌تواند بجاآورد ولی از انجام تمام آن معذور است باید طبق فرض سابق عمل کند، و در صورت نیابت باید برای کل طواف نیاب بگیرد نه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۷

بعضی از دورهای آن.

مسألهٔ ۴۹۰-- کسی که فکر می‌کرده می‌تواند تمام طواف را انجام دهد اگر بعد از شوط چهارم از انجام بقیهٔ طواف به طور کلی عاجز شد می‌تواند برای انجام بقیهٔ آن نایب بگیرد. و در این فرض هم نایب و هم خودش نماز طواف را بخواند. و اگر قبل از شوط چهارم عاجز شد باید برای کل طواف نایب بگیرد، و نیابت برای مقدار باقی‌مانده در این فرض صحیح نیست.

مسألهٔ ۴۹۱-- شخص حتی در حال اختیار می‌تواند طواف را پیاده یا سواره، یا مقداری از آن را پیاده و مقداری را سواره بجاآورد. ولی نمی‌تواند مقداری را خود بجا آورد و برای باقیماندهٔ آن نایب بگیرد. لذا فرض سابق در موردی است که خودش نتواند سواره یا بعد از مقداری استراحت طواف را تمام کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۸

مسألهٔ ۴۹۲-- شخص می‌تواند در حال طواف به هر صورت که خواست حرکت کند، یعنی می‌تواند آهسته برود یا تند برود یا حتی بدود. ولی بهتر است به طور متعارف راه برود.

مسألهٔ ۴۹۳-- صحبت کردن، خوردن و آشامیدن و خواندن شعر در طواف اشکالی ندارد، هر چند مکروه است. امّا ذکر، دعا و خواندن قرآن در طواف مستحب است.

مسألهٔ ۴۹۴-- همراه داشتن پول غیر مخمس یا اموال غصبی یا پاگذاشتن روی لباس احرام دیگران که موجب اذیت آنها شود یا روی اشیایی که در مطاف افتاده موجب بطلان طواف نمی‌شود.

مسألهٔ ۴۹۵-- در مواردی که حکم به تکمیل و اعادهٔ طواف شده است به احتیاط واجب باید ابتدا طواف سابق تکمیل شود و بعد نماز آن خوانده

مناسک حج (فاضل)، ص: ۱۹۹

شود، بعد طواف و نماز آن اعاده شود.

مسألهٔ ۴۹۶-- اگر بعد از تمام شدن اعمال عمرهٔ مفرده یا عمرهٔ تمتع یا حج تمتع متوجه شده طواف او باطل بوده باید علاوه بر اعادهٔ

طواف و نماز طواف، به احتیاط واجب اعمال مترتبهٔ بر آن را نیز اعاده کند.

مسألهٔ ۴۹۷-- پوشیدن لباس هر چند بر محرم حرام است اما برای طواف ضرر ندارد، و حتی در طواف عمرهٔ تمتع یا مفرده هم اگر با لباس طواف کند، طواف او صحیح است. و همین طور اگر بعداً متوجه شود طواف او باطل بوده، می‌تواند با لباس طواف کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۰

شرایط صحت طواف

اشاره

درصحت طواف رعایت این‌موارد لازم است: ۱- نیت. ۲- طهارت. ۳- ستر عورت. ۴- مختون بودن. ۵- انجام هفت دور متوالی و پی در پی. ۶- شروع طواف از حجرالأسود و ختم به آن. ۷- محدودهٔ طواف. ۸- جهت گردش به دور کعبه.

نیت

مسألهٔ ۴۹۸-- شخص باید قصد طواف معینی را داشته باشد. مثلًا بداند طوافی را که انجام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۱

می‌دهد طواف عمرهٔ مفرده یا عمرهٔ تمتع یا حج تمتع یا طواف نساء یا طواف مستحبی است. و لازم نیست نیت را به زبان بیاورد یا حتی به قلب خطور دهد.

مسألهٔ ۴۹۹-- طواف نیز مانند سایر عبادات باید با قصد قربت انجام شود. یعنی عمل را برای خدا یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم و رسیدن به بهشت و ثواب بجاآورد. و اگر ریا کند یعنی برای غیر خدا انجام دهد باطل است.

مسألهٔ ۵۰۰-- اگر کسی به قصد طواف مقداری از آن را انجام دهد و فکر کند که چون می‌بایست نیت را به زبان می‌گفته و طواف او باطل است طواف را رهاکند، و بلافاصله با گفتن نیت از نو طواف کند. طواف او اشکال پیدا می‌کند.

مسألهٔ ۵۰۱-- ریا در حین عمل گر چه نسبت به بعضی از اشواط یا خصوصیات باعث بطلان

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۲

عمل می‌شود. اما ریا بعد از عمل موجب بطلان آن نمی‌شود.

مسألهٔ ۵۰۲-- افرادی که در طواف به دیگران کمک می‌کنند یا آنها را طواف می‌دهند. اگر خودشان نیز قصد طواف کنند، طواف هر دو صحیح است. مشروط بر اینکه قصد ارتکازی طواف تا آخر طواف باقی باشد.

مسألهٔ ۵۰۳-- چون طواف از عبادات است باید نیت و قصد قربت- ولو بصورت ارتکازی- تا آخر عمل باقی باشد، لذا اگر در بین طواف بطور کلی غافل شود، یا اگر سواره او را طواف می‌دهند خوابش ببرد، طواف او اشکال دارد و حکم آن حکم سرزدن حدث در بین طواف است، که در مسألهٔ ۵۰۹ خواهد آمد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۳

طهارت

اشاره

طهارت شامل موارد ذیل است: ۱- طهارت از حدث اصغر و اکبر. ۲- طهارت لباس و بدن.

طهارت از حدث اصغر و اکبر

مسألهٔ ۵۰۴-- در طواف واجب- حتی در عمره و حج مستحبی- طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط است. و طواف بدون طهارت باطل است، اگر چه از روی جهل یا فراموشی باشد.

مسألهٔ ۵۰۵-- اگر امید برطرف شدن عذر را دارد نمی‌تواند با تیمم طواف کند. بلکه باید صبر کند تا وقت تنگ شود، یا از رفع عذر مأیوس شود.

مسألهٔ ۵۰۶-- اگر از انجام غسل یا وضو معذور باشد باید تیمم کند. و اگر تیمم بدل از غسل کرد و بعد حدث اصغر عارض شد اگر بتواند باید وضو

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۴

بگیرد، والّا بدل از وضو تیمم کند.

مسألهٔ ۵۰۷-- اگر محدث فراموش کند که غسل بر گردن اوست اگر غسل واجب دیگری قبل از طواف انجام داده باشد کفایت کرده و عملش صحیح است. و الّا طواف باطل است.

مسألهٔ ۵۰۸-- اگر در بین طواف شک کند که طهارت داشته یا خیر، مسأله سه صورت دارد:

اول-- حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده، در این فرض جایز است طواف را تمام کند، و برای اتمام آن وضو واجب نیست، و اعادهٔ طواف نیز لازم نیست. و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن.

دوم-- حالت سابق خود را بداند که محدثی بوده. در این فرض ظاهراً هر مقدار از طواف را که انجام داده محکوم به بطلان است، چه شک

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۵

بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن، و باید بعد از وضو از نو طواف کند.

سوم-- حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند، و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند. و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن عارض شده باشد.

مسألهٔ ۵۰۹-- اگر در بین طواف حدث عارض شود مسأله چهار صورت دارد:

اول-- حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد، که در این صورت طواف باطل می‌شود، و باید بعد از تحصیل طهارت آن را از سر بگیرد.

خواه محدث شدن اختیاری باشد یا بدون اختیار.

دوم-- پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد، که در این صورت بنابر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۶

احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند، و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند، خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار.

سوم-- بعد از تمام شدن دور چهارم اختیاراً خود را محدث کند، که در این صورت نیز مثل صورت دوم احتیاط کند.

چهارم-- پس از تمام شدن دور چهارم بی‌اختیار محدث شود. که در این صورت پس از تحصیل طهارت طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند و صحیح است. و در این مسأله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

مسألهٔ ۵۱۰-- کسی که سواره او را طواف می‌دهند باید توجه داشته باشد که در حال طواف خوابش نرود، و اگر خوابید حکم مسألهٔ قبل را دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۷

مسألهٔ ۵۱۱-- اگر بعد از طواف یقین کند که در بین طواف محدث شده، ولی نداند دور چندم بوده طواف او باطل است، و باید پس از تحصیل طهارت طواف را اعاده کند.

مسألهٔ ۵۱۲-- بیماری که پی در پی حدث از او سر می‌زند اگر بین دو حدث به مقداری وقت دارد که بتواند با بدن و لباس پاک طواف کند باید در آن وقت طواف را انجام دهد. و الّا چنانچه مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او سرمی‌زند خود را تطهیر کند و وضو بگیرد، و برای نماز هم وضو بگیرد، و بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

مسألهٔ ۵۱۳-- اگر قبل از طواف شک کند که طاهر است یا خیر، چنانچه قبلًا طاهر بوده محکوم به طهارت است، و لازم نیست وضو بگیرد یا غسل کند. و اگر قبلًا محدث بوده باید بعد از تحصیل

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۸

طهارت طواف کند.

مسألهٔ ۵۱۴-- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که طاهر است یا خیر، طواف او صحیح است. ولی برای اعمال بعد طبق مسأله قبل عمل کند.

مسألهٔ ۵۱۵-- کسی که از انجام وضو یا غسل و تیمم معذور است باید نایب بگیرد. ولی زن حائض و نفساء احکام جداگانه‌ای دارد که بیان می‌شود.

مسألهٔ ۵۱۶-- زن حائض و نفساء نمی‌تواند طواف کند یا نایب بگیرد. بلکه اگر فرصت انجام طواف را بعد از پاک شدن تا قبل از وقوف رکنی عرفات نداشت حج او تبدیل به إفراد می‌شود. که احکام آن قبلًا بیان شد.

مسألهٔ ۵۱۷-- اگر زن به گمان پاک شدن غسل کرد و طواف انجام داد. و بعد خونی دید که

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۰۹

محکوم به حیض بود و معلوم شد که طواف انجام شده در حال حیض صورت گرفته طواف او باطل است. و اگر امکان تدارک آن بعد از پاک شدن و قبل از وقوف رکنی عرفات نباشد حج او بدل به إفراد می‌شود.

مسألهٔ ۵۱۸-- اگر زن در طواف عمرهٔ تمتع قبل از سه دور و نیم حائض شد و امکان تدارک آن بعد از پاک شدن و قبل از وقوف رکنی عرفات نباشد حج او بدل به إفراد می‌شود.

مسألهٔ ۵۱۹-- اگر بعد از سه شوط و نیم و قبل از پایان دور چهارم حائض شد باید طواف را رها کند، و احتیاطاً و رجاءاً سعی و تقصیر را انجام دهد، و احتیاطاً محرمات احرام را رعایت کند، و وقت رفتن به عرفات احتیاطاً و رجاءاً به نیت حج تمتع محرم شود، و اعمال حج را به قصد ما فی‌الذمه- اعم از حج إفراد یا تمتع- انجام دهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۰

و پس از پاک شدن بنابر احتیاط ابتدا طواف ناقص را تمام و نماز آن را بخواند، و سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند، و بعد طواف و نماز طواف آن را بخواند، و سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند، و بعد طواف و نماز طواف و سعی حج را و طواف و نماز طواف نساء را انجام دهد، و احتیاطاً یک عمرهٔ مفرده انجام دهد.

مسألهٔ ۵۲۰-- اگر بعد از شوط چهارم حائض شد و امکان تدارک آن را بعد از پاک شدن و قبل از وقوف رکنی عرفات نداشت سعی و تقصیر عمرهٔ تمتع را انجام دهد. و بعد برای حج تمتع محرم شود، و بعد از پاک شدن اول تتمهٔ طواف سابق و نماز آن را بجا آورد، و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند، و سپس طواف حج و نماز و اعمال بعد از آن را بجاآورد.

مسألهٔ ۵۲۱-- زنی که مسأله حیض را نمی‌داند و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۱

بعد از پاک شدن از حیض به خیال این که جنب است نیت غسل جنابت بکند چون اشتباه در تطبیق داشته و می‌خواسته وظیفه فعلیهٔ خود را انجام دهد، طاهر و اعمالش صحیح است.

مسألهٔ ۵۲۲-- کسی که در حین طواف محدث شود و به طواف خود ادامه بدهد اگر جاهل قاصر بوده حج او صحیح است، ولی باید طواف و نماز طواف و بنابر احتیاط سعی را اعاده کند، و اگر طواف عمره بوده تقصیر را هم اعاده کند. و در مورد کیفیت جبران عمل، طبق مسأله ۵۰۹ عمل کند.

مسألهٔ ۵۲۳-- در فرض سابق چنانچه با تردید نسبت به صحت عمل یا از روی جهل تقصیری طواف را ادامه داده، در برخی از موارد به‌طوری که در مسأله ۵۰۹ گذشت طواف باطل است و باید اعاده شود، و اگر اعاده نکرد حج او باطل

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۲

است. و اگر در طواف نساء بوده حج مطلقاً صحیح است، ولی باید طواف نساء را طبق مسأله ۵۰۹ خودش یا نایبش انجام دهد، و تا طواف نساء انجام نشده از همسر اجتناب کند.

مسألهٔ ۵۲۴-- خونی که محکوم به حیض و نفاس نباشد استحاضه است، و باید طبق احکام استحاضه عمل شود، و برای طواف و نماز طواف هم اعمال مربوط به نمازهای خود را تکرار کند.

مثلًا در استحاضهٔ کثیره علاوه بر سه غسل برای نمازهای یومیه، یک غسل برای طواف، و یک غسل برای نماز طواف انجام دهد.

مسألهٔ ۵۲۵-- اگر مستحاضه به وظیفهٔ خود عمل کند و مشغول طواف شود و دو مرتبه خون خارج شود چنانچه خون وی استمرار داشته و زن مسائل شرعی عدم سرایت خون را رعایت کند وظیفه‌ای ندارد، ولی اگر خون قطع بوده و بعد دو

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۳

مرتبه خارج شده احکام حدث در حین طواف را دارد. که در مسأله ۵۰۹ گذشت.

مسألهٔ ۵۲۶-- مستحاضه اگر برای نماز یومیه یا طواف طبق وظیفه‌اش غسل کرده یا وضو گرفته و بعد از آن خون وی قطع شده، می‌تواند با همان غسل یا وضو طواف و نماز آن را بجا آورد.

مسألهٔ ۵۲۷-- اگر خون مستحاضه قطع نمی‌شود باید بلافاصله بعد از غسل طواف را شروع کند، بنابراین لازم است در نزدیکیهای مسجدالحرام غسل کند بطوری که بلافاصله بعد از غسل مشغول طواف شود.

مسألهٔ ۵۲۸-- برای مستحاضه یک غسل در طواف و نماز آن کفایت نمی‌کند، مگر اینکه بعد از غسلی که برای طواف انجام می‌دهد تا زمان نماز طواف خون قطع شده باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۴

طهارت بدن و لباس

مسألهٔ ۵۲۹-- بدن و لباس در طواف باید پاک باشد، و ظاهر آن است که حتی نجاساتی که در نماز معفو است در لباس و بدن او نباشد.

مسألهٔ ۵۳۰-- اگر در اثناء طواف احتمال قوی بدهـد لباس یا بـدن او نجس شـده ولی اعتنا نکنـد، و بعـد از طواف یقین کنـد که در اثناء طواف بدن و لباس او نجس شده، طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۵۳۱-- اگر فراموش کنـد که لباس یا بـدن او نجس است و طواف کنـد و بعـد از طواف یا در بین نماز یادش بیایـد طواف او صحیح است، ولی نماز را باید با تطهیر لباس و بدن بخواند، هر چند مستحب است طواف و نماز آن را اعاده کند. و اگر بعد از نماز طواف یادش بیاید تنها اعادهٔ نماز کافی است.

مسألهٔ ۵۳۲-- اگر شک داشته باشد که لباس یا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۵

بـدن او نجس است چنانچه بداند قبلًا پاک بوده یا حالت سابقهٔ آن را نداند محکوم به طهارت است و می‌تواند با آن طواف کند، اما اگر بداند که قبلًا نجس بوده نمی‌تواند طواف کند مگر اینکه آن را تطهیر کند.

مسألهٔ ۵۳۳-- اگر در حین طواف بدن یا لباس شـخص نجس شود باید بعد از تطهیر بدن و تطهیر یا تعویض لباس طواف را از همان جا ادامه دهد.

مسألهٔ ۵۳۴-- اگر در حین طواف متوجه شود که بـدن یـا لباس او نجس است و ندانـد که آیا نجاست حادث شـده یا در اول طواف وجود داشـته حکم مسأله قبل را دارد. و همین طور اگر بدانـد که از اول طواف وجود داشـته، و در این فرض بنابر احتیاط مسـتحب طواف و نماز آن را اعاده کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۶

مسألهٔ ۵۳۵-- اگر بعد از طواف متوجه شد که در حال طواف بدن یا لباس او نجس بوده است طوافش بنابر اظهر صحیح است.

مسألهٔ ۵۳۶-- تطهیر بـدن و تعویض لبـاس در خون قروح و جروح لازم است، بلی اگر تطهیر خون قروح و جروح برای فرد مشـقت داشته باشد و امکان تأخیر انداختن طواف تا رفع مشقت و تطهیر نباشد. لازم نیست بدن را تطهیر کند.

ستر عورت

مسألهٔ ۵۳۷-- در طواف ستر عورت واجب است، و اگر بدون ستر عورت طواف کند باطل است.

مسألهٔ ۵۳۸-- ساتر در طواف بنابر احتیاط مستحب باید شـرایط لباس نمازگزار را داشته باشد، و بنابر احتیاط واجب باید مباح باشد. ولی لباسهای دیگر (غیرساتر) اگر غصبی باشد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۷

مضربه طواف نیست.

مسألهٔ ۵۳۹-- در طواف عمرهٔ تمتع و عمرهٔ مفرده لازم نیست حتماً بـا لبـاس احرام طواف کنـد و اگر با لباس دوخته نیز طواف کند طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۵۴۰-- زن در طواف بایـد بـدن خود را از نامحرم بپوشاند، و حتی روی پا تا مچ پا باید پوشـیده شود، ولی اگر پوشـیده نشود ضرری برای طواف ندارد.

مسألهٔ ۵۴۱-- اگر در طواف مقـداری از مو یـا بـدن زن ظـاهر باشـد طواف صـحیح است، هر چنـد به جهت عـدم حفـظ از نـامحرم گناهکار است.

مختون بودن

مسألهٔ ۵۴۲-- طواف افراد ذکور اگر ختنه نشده باشند باطل است، حتی اگر بالغ نباشند. بنابراین

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۸

طواف کودکان ممیز ختنه نشده باطل، و طواف کودکان غیر ممیز ختنه نشده احتیاطاً باطل است.

مسألهٔ ۵۴۳-- اگر کودک ختنه شده به دنیا آید، لازم نیست ختنه شود، و طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۵۴۴-- اگر غیر مختون محرم شود، احرام او صحیح است، ولی برای طواف باید ختنه شود، و اگر قبل از ختنه شدن طواف کند طواف او و حتی طواف نساء باطل است، و نمی‌تواند با زن نزدیکی یا ازدواج کند.

مسألهٔ ۵۴۵-- اگر فرد غیر مختون باشد و ختنه شدن برای او ضرر داشته باشد در صورت حصول استطاعت باید محرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد. و هم خودش نماز طواف بخواند و هم نایب. و چنانچه هر دو با هم طواف کنند فقط خودش نماز طواف بخواند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۱۹

انجام هفت دور متوالی و پی در پی

مسألهٔ ۵۴۶-- همان گونه که قبلًا بیان شد طواف مشتمل بر هفت دور است، و اگر عمداً کمتر یا بیشتر شود باطل است.

مسألهٔ ۵۴۷-- اگر عمداً از ابتدا قصد کند که کمتر از هفت دور یا بیشتر بجاآورد طواف او باطل است، اگر چه هفت دور انجام دهد. و اگر قصد انجام کمتر یا بیشتر از روی جهل و غفلت و فراموشی نیز باشد به احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

مسألهٔ ۵۴۸-- اگر از ابتدا قصد هفت دور داشته، ولی در اثنا قصد کمتر یا بیشتر کند. از همانجا که قصد کرده طواف او باطل می‌شود. و باید با قصد هفت دور طواف را از همانجا تکمیل کند. و اگر با همین قصد بیشتر از هفت دور بجاآورد طواف باطل است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲۰

مسألهٔ ۵۴۹-- اگر از ابتدا قصد بیش از هفت دور کند اما قصدش این باشد که هفت دور را به عنوان واجب و مقدار اضافی را مستحبی یا تبرعی بجاآورد اشکالی ندارد. کمااینکه اگر بعد از انجام هفت دور طواف واجب یک دور یا بیشتر را به گمان استحباب به آن اضافه کند طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۵۵۰-- قِران «۱» در طوافِ واجب جایز نیست، و در طوافِ مستحب مکروه است.

مسألهٔ ۵۵۱-- اگر از ابتدای طواف قصد قران داشته باشد احتیاط در اعادهٔ طواف است. اما اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کند طواف او صحیح است.

---

(۱)- قِران، یعنی دو طواف را بدون فاصلهٔ نماز طواف پشت سر هم بجاآوردن.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲۱

مسألهٔ ۵۵۲-- اگر یک دور یا بیشتر به طواف اضافه کند به قصد اینکه مابقی را طواف دیگری قرار دهد حکم قران را دارد که حرام است.

مسألهٔ ۵۵۳-- اگر از ابتـدا یا در اثنای طواف قصـد بیش از هفت دور کنـد به نیت این که مقدار اضافه طواف مسـتقلی باشد موجب بطلان طواف او می‌شود، و به احتیاط واجب باید اعاده کند.

مسألهٔ ۵۵۴-- اگر سـهواً بیش از یک دور به طواف اضافه کنـد احتیاط آن است که به قصد قربت و بدون قصد اسـتحباب یا وجوب آن را به هفت دور برساند. و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بجا آورد، و به احتیاط مستحب دو رکعت بعد از سعی را برای غیر فریضه قرار دهد.

مسألهٔ ۵۵۵-- اگر سهواً کمتر از یک دور به طواف اضافه کرده، آن را رها کند و طوافش صحیح

مناسك حج (فاضل)، ص: ۲۲۲

است.

مسألهٔ ۵۵۶-- اگر عمـداً مقـداری به طواف اضـافه کنـد، مثلًا پس از پایان دور هفتم از حجرالاسود تا مقام ابراهیم را به قصـد طواف برود طوافش باطل است.

مسألهٔ ۵۵۷-- اگر به گمان اینکه مقداری از طواف را اشتباه انجام داده، همان مقدار را به جاآورد و سپس معلوم شود که آن مقدار اولیه باطل نبوده طواف او باطل است.

مسألهٔ ۵۵۸-- اگر به گمان اینکه طواف ۱۴ دور است با قصد ۱۴ دور طواف نموده، طواف او باطل است.

مسألهٔ ۵۵۹-- اگر از ابتـدا قصـد انجام دادن کمتر از هفت دور را داشـته باشـد طواف او باطل است. و اگر با قصد هفت دور شـروع کند ولی کمتر از هفت دور بجا آورد، اگر موالات عرفیه بهم

مناسك حج (فاضل)، ص: ۲۲۳

بخورد حکم قطع طواف را دارد.

مسألهٔ ۵۶۰-- به احتیـاط واجب در طواف موالاـت عرفیه بایـد رعایت شود. یعنی بایـد هفت دور عرفاً به صورت متوالی و پی در پی انجام شود، به طوری که یک عمل محسوب شود. بنابراین نبایـد بین شوطها و اجزاء طواف آنقـدر فاصـله ایجاد شود که عرفاً پی در پی شمرده نشود.

مسألهٔ ۵۶۱-- برای رفع خسـتگی در بین طواف جایز است بنشـیند یا دراز بکشـد، مشـروط بر اینکه موالات عرفیه بهم نخورد. و اگر استراحت آن قدر طولانی شد که موالات عرفیه بهم بخورد طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند، سپس احتیاطاً یک طواف دیگر بجاآورد.

مسألهٔ ۵۶۲-- شخص تا مطمئن نشده که موالات عرفیه بهم خورده نمی‌تواند طواف را از سربگیرد. و باید همان طواف را ادامه دهد، هر

مناسك حج (فاضل)، ص: ۲۲۴

چند قبل از سه دور و نیم باشد.

مسألهٔ ۵۶۳-- اگر عمـداً یک یا چند دور از طواف کم کند واجب است آن را اتمام کند، و اگر اتمام نکند حکم کسـی را دارد که عمداً طواف را ترک کند. خواه عالم به مسأله باشد یا جاهل.

مسألهٔ ۵۶۴-- احتیاط مستحب آن است که طواف واجب را قطع نکند. و قطع طواف به این نیست که قصد قطع طواف را بکند. بلکه به این است که موالات را بهم بزنند.

مسألهٔ ۵۶۵-- اگر طواف را قطع کنـد و قبـل از فوت موالات عرفیه طواف دیگری را شـروع کنـد طوافش باطل است، و بایـد طواف اول را طبق احکام قطع طواف انجام دهد، و اعمال پس از آن را بجا آورد.

مسألهٔ ۵۶۶-- اگر فرد به هر علتی طواف خود را قطع کند و دومرتبه شروع به طواف کند، اگر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲۵

طواف دوم را به قصد ما فی‌الذمه- اعم از اتمام یا اعاده- بجا آورد صحیح است. و در غیر این صورت احتیاطاً طواف اول را اگر بعد از دور چهارم قطع کرده تکمیل کند و نماز آن را بخواند، و سعی و تقصیر را اگر بجا آورده بنابر احتیاط واجب اعاده کند.

مسألهٔ ۵۶۷-- اگر سهواً مقداری از طواف را کم کند و قبل از بهم خوردن موالات متوجه شود باید آن را تکمیل کند. و اگر بعد از بهم خوردن موالات متوجه شود باید طبق احکام قطع طواف عمل کند. واگر اصلًا متوجه نشود تا به وطن برگردد در صورت امکان باید خودش وگرنه نایبش طواف را طبق احکام قطع انجام دهد.

مسألهٔ ۵۶۸-- احکام قطع طواف به شرح زیر است:

۱-- بعد از قطع طواف و قبل از بهم خوردن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲۶

موالات عرفیه مجدداً قصد انجام طواف کند، در این صورت باید طواف را تکمیل کند، و نمی‌تواند طواف را از سربگیرد.

۲-- قبل از سه دور و نیم طواف را قطع کند، و موالات عرفیه بهم بخورد، در این صورت طواف قبلی باطل است، و باید طواف را اعاده کند.

۳-- بعد از سه دور و نیم و قبل از پایان دور چهارم طواف را قطع کند، و موالات عرفیه بهم بخورد، در این صورت باید طواف ناقص را تکمیل کند، و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند.

۴-- بعد از دور چهارم طواف را قطع کند، و موالات عرفیه بهم بخورد، در این صورت باید طواف را تکمیل کند.

مسألهٔ ۵۶۹-- لازم نیست از همان نقطه که

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲۷

طواف را قطع کرده طواف را تکمیل کند. بلکه اگر از محاذات آن ادامه دهد کفایت می‌کند و صحیح است. همانطور که می‌تواند قبل از نقطه‌ای که قطع شده با نیت این که محل قطع طواف، ابتدای تکمیل طواف او باشد مشغول طواف شود.

مسألهٔ ۵۷۰-- قطع طواف به جهت شرکت در نماز جماعت یا خواندن نماز در وقت فضیلت آن مانعی ندارد. و اگر وقت نماز تنگ باشد واجب است طواف را قطع کند. و سپس طواف را طبق احکام قطع بجا آورد.

مسألهٔ ۵۷۱-- اگر از ادامهٔ طواف به دلیلی معذور شد- مثلًا محدث یا بیهوش شد، یا نماز جماعت برقرار شد، یا مأموران حرم مشغول شستشوی مطاف شدند- طبق احکام قطع طواف عمل کند.

مسألهٔ ۵۷۲-- اگر در حال سعی یادش آمد که

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲۸

طواف را ناقص انجام داده باید سعی را رها کند و طواف را تکمیل کند و پس از نماز آن، سعی را تکمیل کند، و اگر طواف اول را کمتر از سه دور ونیم بجا آورده، پس از تکمیل طواف به احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

مسألهٔ ۵۷۳-- کسی که در بین سعی متوجه شود طواف را بیش از هفت دور انجام داده است، بنابر احتیاط سعی را رها کند، سپس طواف و اعمال بعد از آن را اعاده کند.

مسألهٔ ۵۷۴-- کسی که پیاده طواف می‌کند باید قدمها را به اختیار خودش بردارد. لذا اگر او را بی‌اختیار ببرند- یعنی طوری حرکت دهند که قدم برداشتن به اختیار او نباشد- باید برگردد واز همان‌جا طواف را به اختیار خود ادامه دهد.

مسألهٔ ۵۷۵-- بنابر آنچه در مسأله قبل ذکر شد اگر ازدحام و فشار جمعیت باعث شود که به جلو

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۲۹

برود یا به چپ و راست متمایل شود ولی قدمها را به اختیار خود بردارد ضرری به طواف نمی‌زند.

مسألهٔ ۵۷۶-- همان گونه که گذشت کسی که مقداری از طواف را بی‌اختیار انجام داده باید برگردد و از همانجا طواف را ادامه دهد. و اگر آن دور را رها کند و از حجرالاسود آن دور را شروع کند طواف او اشکال دارد. بلی اگر اعاده از همان مکان مستلزم عسر و حرج باشد و وقت خلوت هم پیدا نکند که تمام طواف را به اختیار خود بجاآورد می‌تواند به همین طواف اکتفا کند و صحیح است.

مسألهٔ ۵۷۷-- کسی که می‌داند در اثنای طواف مقداری از آن بدون اختیار انجام می‌شود نمی‌تواند از ابتدا قصد کند که آن مقدار را به عنوان سواره طواف کند. بلکه باید طواف را شروع کند و اگر به کلی سلب اختیار از او نشود

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۰

طواف صحیح است. و اگر سلب اختیار شد در صورت امکان جبران کند، و اگر جبران مستلزم عسر و حرج باشد و نتواند در وقت خلوت طواف کند طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۵۷۸-- کسی که می‌داند مقداری از طواف را بی‌اختیار انجام می‌دهد نمی‌تواند نایب بگیرد، بلکه باید خودش طبق مسأله قبل انجام دهد.

مسألهٔ ۵۷۹-- شک در دورهای طواف موجب بطلان طواف است. بنابراین اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود شک کند که دور ششم است یا هفتم، یا دور هفتم است یا هشتم و ... طواف او باطل است.

مسألهٔ ۵۸۰-- ظن و گمان در عدد دورها حکم شک را دارد.

مسألهٔ ۵۸۱-- کسی که در حال طواف در تعداد دورها شک کند نباید در حال شک طواف را

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۱

ادامه دهد. بلکه باید فکر کند و اگر به یک طرف شک اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند، و الّا طواف را از ابتدا شروع کند.

مسألهٔ ۵۸۲-- اگر بعد از انصراف از طواف و داخل شدن در نماز طواف در تعداد دورهای طواف شک کند به شک خود اعتنا نکند و طواف صحیح است، بلکه ظاهراً شک بعد از انصراف و قبل از داخل شدن در نماز هم همین حکم را دارد.

مسألهٔ ۵۸۳-- اگر بعد از رسیدن به حجرالاسود شک کند که هفت دور زده یا بیشتر، به شک خود اعتنا نکند، و طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۵۸۴-- اگر از گفتهٔ دیگری اطمینان پیدا کند که دور چندم طواف او است می‌تواند طبق اطمینان خود عمل کند، ولی اگر اطمینان پیدا نکرد نمی‌تواند به گفتهٔ او عمل کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۲

مسألهٔ ۵۸۵-- شخصی که در شمارش شوطهای طواف به گفتهٔ همراهش اعتماد کرد چنانچه بعد از انصراف از طواف در عدد شوطها شک کند، به آن اعتنا نکند و طواف محکوم به صحت است.

مسألهٔ ۵۸۶-- کثیرالشک به شک خود اعتنا نکند، و طبق حکم کثیرالشک در نماز عمل کند، و احتیاط در این است که کسی را بگمارد تا تعداد اشواط را به او بگوید و طبق آن عمل کند.

شروع طواف از حجرالأسود و ختم به آن

مسألهٔ ۵۸۷-- لازم است طواف را عرفاً از حجرالاسود شروع و به آن ختم کند. و با توجه به اینکه محدودهٔ مقابل حجرالاسود نسبتاً وسیع است، لذا از هر نقطه طواف را شروع کرد صحیح است، مشروط بر اینکه در محاذات همان نقطه طواف را تمام کند. و برای تعیین محاذات از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۳

دقتهای اهل وسواس اجتناب کند.

مسألهٔ ۵۸۸-- لازم نیست که در کنار حجرالاسود نیت طواف کند. بلکه اگر قبل از آن قصدش این باشد که طواف خود را از مقابل حجرالاسود شروع می‌کنم کافی است.

مسألهٔ ۵۸۹-- لازم نیست در بین طواف برای هر دور محاذات حجرالاسود را تعیین کند. بلکه اگر برای تعیین محاذات آنگونه که اهل سنت و برخی از افراد نادان دقتهای وسواسی می‌کنند عمل کند موجب اشکال می‌شود.

مسألهٔ ۵۹۰-- اگر طواف را قبل از حجرالاسود شروع کند و به همانجا ختم کند طواف باطل است. اگر چه در مصداق اشتباه کند. مثلًا به گمان اینکه حجرالاسود در رکن یمانی است طواف را از آنجا شروع کند.

مسألهٔ ۵۹۱-- در فرض سابق اگر از رکن یمانی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۴

شروع کند و در حین طواف متوجه شود و طواف را به حجرالاسود نیز ختم کند طوافش باطل است. ولی اگر قصدش این باشد که ابتدای طواف او از موضع معتبر شرعی باشد و به حجرالاسود ختم کند طوافش صحیح است. هر چند احتیاط در اعادهٔ طواف و نماز آن است.

محدودهٔ طواف (مطاف)

مسألهٔ ۵۹۲-- طواف واجب باید در محدودهٔ فاصلهٔ بین کعبه و مقام ابراهیم که ۲۶/۵ ذراع «۱» است انجام شود. و چون حجراسماعیل در حکم کعبه است در آن قسمت مبدأ دیوار حجر است نه کعبه. محدودهٔ طواف را «مطاف» نیز می‌گویند.

---

(۱)- هر ذراع حدود نیم متر است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۵

مسألهٔ ۵۹۳-- اگر از پشت مقام ابراهیم یا روی شاذروان «۱» که جزء کعبه است طواف کند طواف او باطل است، و باید اعاده کند.

مسألهٔ ۵۹۴-- اگر بعضی از دورها را خارج از محدودهٔ مذکور انجام دهد باید آن دور را اعاده کند، و الّا طواف او باطل است.

مسألهٔ ۵۹۵-- اگر قسمتی از یک دور را خارج از محدودهٔ مطاف یا روی شاذروان برود باید برگردد و از همان جا طواف را در محدوده ادامه دهد. اما اگر داخل حجر اسماعیل یا روی دیوار حجر برود تدارک آن مقدار کفایت نمی‌کند. بلکه باید آن دور را از نو شروع کند.

مسألهٔ ۵۹۶-- بنابر آنچه گذشت اگر چه محدودهٔ

---

(۱)- پایین اطراف دیوار کعبه برآمدگی شیب‌داری وجود دارد که آن را شاذروان می‌نامند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۶

طواف در قسمت حجر اسماعیل نیز ۵/ ۲۶ ذراع است و طواف در آن محدوده صحیح است. ولی با توجه به فاصلهٔ بین دیوار حجر تا دیوار کعبه که حدود ۵/ ۲۰ ذراع است. احتیاط مستحب آن است که طواف در شش ذراع باقیمانده انجام شود.

مسألهٔ ۵۹۷-- اگر از روی جهل یا غفلت یا فراموشی در خارج از مطاف طواف کند طواف او باطل است، و حکم کسی را دارد که از روی جهل یا غفلت یا فراموشی طواف را انجام نداده باشد.

مسألهٔ ۵۹۸-- اگر سهواً بعضی از دورها را از داخل حجراسماعیل برود و بعد از تمام شدن اعمال حج تمتع متوجه شود، بنابر احتیاط آن دورها را اعاده کند و نماز طواف را بخواند، و مجدداً طواف و نماز آن را اعاده کند، و بنابر احتیاط سعی را هم

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۷

اعاده کند. و اگر طواف عمره بوده تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند.

مسألهٔ ۵۹۹-- دست گذاشتن به دیوار کعبه و بوسیدن آن و دست گذاشتن روی دیوار حجراسماعیل در حال حرکت هنگام طواف بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید آن مقدار را اعاده کند.

مسألهٔ ۶۰۰-- اگر به خاطر ازدحام جمعیت نتواند در مطاف طواف کند باید به انتظار خلوت شدن باشد. و چنانچه وقت تنگ شد یا احتمال خلوت شدن در هیچ یک از ساعات شبانه روز وجود نداشت می‌تواند خارج از محدوده طواف کند.

البته با رعایت الاقرب فالاقرب.

مسألهٔ ۶۰۱-- کسی که به محدودهٔ مطاف آگاهی ندارد اگر از اول وارد مطاف شود و طواف را شروع کند و پس از پایان طواف شک کند که از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۸

مطاف خارج شده یا خیر، طوافش صحیح است.

اما اگر شک دارد که از اول وارد مطاف شده یا خیر، نمی‌تواند به آن اکتفا کند، و باید طواف را اعاده کند.

مسألهٔ ۶۰۲-- اگر ازدحام جمعیت در محدودهٔ طواف به گونه‌ای است که خانم‌ها می‌دانند مردان نامحرم خواه ناخواه به آنها تنه می‌زنند لازم است طواف را در محدوده انجام دهند، و حتی‌الامکان مراقب باشند خود را از تنه زدن نامحرم دور نگه دارند.

مسألهٔ ۶۰۳-- نظافت مسجدالحرام یا تشکیل صفوف جماعت مجوز خروج از محدوده طواف نمی‌شود، و باید در فرصت مناسب در محدوده طواف کند. و اگر امور مذکور باعث قطع طواف شود باید طبق احکام قطع طواف عمل شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۳۹

جهت گردش به دور کعبه

مسألهٔ ۶۰۴-- در حال طواف باید کعبه در سمت چپ طواف کننده واقع شود. یعنی به طور متعارف به سمت چپ دور بزند، ولی لازم نیست شانهٔ شخص حقیقتاً به سمت کعبه باشد، لذا اگر در هنگام دور زدن مخصوصاً در حجراسماعیل کعبه مقداری به پشت یا جلو متمایل شود، اشکال ندارد.

مسألهٔ ۶۰۵-- اگر به هر علتی مقداری از طواف بر خلاف متعارف انجام شد، مثلًا رو به کعبه یا پشت به آن یا عقب عقب طواف کرد، باید آن مقدار را جبران کند.

مسألهٔ ۶۰۶-- لازم نیست همیشه صورت طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به چپ وراست یا پشت سر نگاه کند، بطوری که در حال طواف‌بدن کاملًا روبه‌کعبه یا پشت به کعبه نشود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۰

طواف مستحبی

مسألهٔ ۱-- طواف عملی است مستحب، و ثواب آن برای غیرمقیم از ثواب نماز مستحبی بیشتر است. و سزاوار است زائران هر چه بیشتر طواف کنند. اما سعی کنند مزاحم افرادی که مشغول انجام طواف واجب هستند نشوند.

مسألهٔ ۲-- در مدتی که حاجی در مکه هست مستحب است ۳۶۰ طواف بجا آورد. و اگر امکان ندارد ۳۶۴ شوط طواف کند که ۵۲ طواف می‌شود و اگر نمی‌تواند هر اندازه که امکان دارد طواف کند.

مسألهٔ ۳-- بعد از احرام عمره تا قبل از سعی بنابر احتیاط نباید طواف مستحبی انجام دهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۱

مسألهٔ ۴-- احتیاط در ترک طواف مستحبی بعد از احرام حج و قبل از وقوفین است.

مسألهٔ ۵-- انجام طواف مستحبی بعد از اعمال روز عید و قبل از انجام اعمال مکه مانعی ندارد.

مسألهٔ ۶-- همانگونه که در احکام طواف واجب ذکر شد طواف یعنی هفت دور، دور کعبه گشتن.

بنابراین یک دور یا دو دور مستحب نیست.

مسألهٔ ۷-- فرد نمی‌تواند هر دور از طواف مستحبی را به نیت یک نفر انجام دهد. بلی می‌تواند مجموع دورها را به نیت چندین نفر انجام دهد.

مسألهٔ ۸-- طواف مستحبی به نیت کسی که در مکه حاضر است- اگرچه خودش از انجام طواف معذور باشد- صحیح نیست.

مسألهٔ ۹-- در طواف مستحبی طهارت، مختون بودن، محدودهٔ طواف و موالات شرط

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۲

نیست.

مسألهٔ ۱۰-- شک در دورهای طواف مستحبی موجب بطلان طواف نمی‌شود، بلکه باید بنا را بر اقل بگذارد و طواف را تمام کند.

مسألهٔ ۱۱-- قطع طواف مستحبی حتی بدون عذر مانعی ندارد.

مسألهٔ ۱۲-- نماز طواف مستحبی را در هر جای مسجدالحرام می‌توان خواند، بلکه می‌توان اصلًا نماز طواف مستحب را ترک کرد.

مسألهٔ ۱۳-- قران (یعنی دو طواف را بلافاصله پشت سر هم بجا آوردن) در طواف مستحبی مکروه است. بنابراین پس از طواف اول نماز آن را بخواند و سپس طواف دوم را بجا آورد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۳

مستحبات طواف

مسألهٔ ۱۴-- در حال طواف، چند چیز مستحب است: ۱- پیاده طواف کند. ۲- قدمها را کوتاه بردارد. ۳- با آرامش و وقار طواف کند. ۴- در حال طواف مشغول به ذکر و دعا و خواندن قرآن باشد. ۵- کاملًا متوجه به خداوند بوده، و از هر چیزی که ذهن او را مشوّش می‌کند، بپرهیزد. ۶- نزدیک به کعبه طواف کند. ۷- بهتر است محرم برای طواف، همان جامهٔ احرام را که با آن احرام بسته بپوشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۴

۸- دعاهایی را که از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده بخواند، از جملهٔ آنها این دعا است: «اللّهُمَّ إنّی أسْألُکَ باسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلیٰ طَلَلِ الماءِ، کَما یُمْشی بِهِ عَلیٰ جُدُدِ الْأَرْضِ، وأسْأَلُکَ باسْمِکَ الّذِی یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ، وَأسْألُکَ باسْمِکَ الَّذی تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ، وَأسْألُکَ باسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ مُوْسیٰ مِنْ جانِبِ الّطُورِ، فاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَألْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ، وَأسْألُکَ باسْمِکَ الـذّی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ماتَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ ما تَأخَرَ، وأتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أنْ تَفْعَلَ بی کَذا و کَذا». و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را بطلبد. و نیز مستحب است در حال طواف بگوید: «ألّلّهُمَّ إنّی إلَیْکَ فَقِیرٌ، وإنّی خائِفٌ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۵

مُسْتَجیرٌ، فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی، ولا تُبَدِّلْ اسْمِی». و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد. و این دعا را بخواند: «سائِلُکَ فَقِیرُکَ مِسْکینُکَ ببابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ، الّلهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَقامُ الْعائِذِبِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ، فَأعْتِقْنِی وَ والِدَیَّ وَأهْلِی وَ وُلْدی وَإخْوانِیَ الْمُؤْمِنِیْنَ مِنَ النّارِ، یا جَوادُ یا کَرِیمُ». و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان سر را بلند کند و بگوید: «اللّهُمَّ أدْخِلْنِی الْجَنَّةَ، وَ أجِرْنِی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ، وَ عافِنِی مِنَ الْسُّقْمِ،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۶

وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَادْرَأ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید: «یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، یا ذَا الجُودِ وَالْکَرَمِ، إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی، إنَّکَ أنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ». و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید: «یا اللّهُ یاوَلِیَّ العافِیَةِ، و خالِقَ الْعافِیَةِ، ورَازِقَ الْعافِیَةِ، وَالْمُنْعِمَ بِالْعافِیَةِ، وَالْمَنّانُ بِالْعافِیَةِ، والمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَةِ عَلَیَّ وَ عَلیٰ جَمِیعِ خَلْقِکَ، یا رَحْمٰنَ الدُّنْیا وَالآخِرَةِ وَ رَحِیمَهُما، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعافِیَةَ، وَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۷

تَمامَ الْعافِیَةِ، وَ شُکْرَ الْعافِیَةِ فِی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ، یا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید: «الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی شَرَّفَکِ وَ عَظَّمَکِ، وَالْحَمْدُلِلّهِ الْذَّی بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً، وَ جَعَلَ عَلِیّاً اماماً، اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ، وَ جَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ». و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید: «رَبَّنَا آتِنا فِی الْدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ». و در شوط هفتم وقتی که به مستجار «۱» رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه

---

(۱)- مستجار در پشت کعبه، نزدیک رکن یمانی برابر درب خانه کعبه قرار دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۸

بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید: «اللّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَقامُ الْعائِذِبِکَ مِنَ النّارِ». پس به گناهان خود اعتراف کرده، و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد، که إن شاءاللّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید: «اللّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعافِیَةُ اللّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَاغْفِرْلِی مَااطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی وَ خَفِیَ عَلیٰ خَلْقِکَ، أسْتَجِیرُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ». و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند، و به نزد حجرالأسود آمده و طواف خود را تمام کرده، و بگوید: «اللّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنِیْ، وَ بارِکْ لِی فِیما آتَیْتَنِی».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۴۹

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط أرکان خانهٔ کعبه و حجرالاسود را استلام کند، و در وقت استلام حجر بگوید: «أمانَتِی أدَّیْتُها، وَ مِیثاقِی تَعاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُؤافاةِ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۰

نماز طواف

اشاره

مسألهٔ ۱۵-- بعد از تمام شدن طواف واجب است نماز طواف بخواند.
مسألهٔ ۱۶-- کسی که نماز طواف را عمداً ترک کند حکم کسی را دارد که طواف را عمداً ترک کرده است.
مسألهٔ ۱۷-- اگر کسی نماز طواف را فراموش کند هر وقت یادش آمد باید آن را پشت مقام ابراهیم بجا آورد. و اگر اعمال بعد را انجام داده لازم نیست آنها را اعاده کند. هر چند احتیاط مستحب در اعادهٔ آنها است.
مسألهٔ ۱۸-- اگر پس از مراجعت از مکه در وطنش یا در مدینهٔ منوره یا شهرهای دیگر
مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۱
یادش آمد که نماز طواف را نخوانده در همانجا نماز طواف را بخواند. و برگشتن به مکه حتی اگر برایش مشکل نباشد لازم نیست، هر چند مطابق احتیاط است. و در این فرض جواز استنابه بعید نیست.
مسألهٔ ۱۹-- اگر در بین سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، باید سعی را رها کند و بعد از خواندن نماز طواف، سعی را طبق احکام قطع سعی بجا آورد.
مسألهٔ ۲۰-- کسی که نمی‌داند نماز طواف واجب است لذا آن را بجا نیاورده مانند کسی است که نماز طواف را فراموش کرده است. و باید طبق احکام سابق عمل کند.
مسألهٔ ۲۱-- کسی که نماز طواف را بجا نیاورده اگر فوت کند بر پسر بزرگتر او واجب است که آن را بخواند.
مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۲
مسألهٔ ۲۲-- کسی که نماز طواف را باطل بجا آورد، باید نماز را به صورت صحیح اعاده کند، و بنابر احتیاط سعی و تقصیر را هم اعاده کند.
مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۳

شرایط صحت نماز طواف

اشاره

در صحت نماز طواف رعایت این موارد لازم است: ۱- نیت. ۲- کیفیت نماز طواف. ۳- وقت نماز طواف. ۴- شرایط نماز طواف. ۵- محل نماز طواف.

نیت

مسألهٔ ۲۳-- شخص باید قصد نماز طواف معینی را داشته باشد. مثلًا بداند نمازی را که می‌خواند نماز طواف عمرهٔ مفرده، یا عمرهٔ تمتع، یا حج
مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۴
تمتع، یا طواف نساء، یا طواف مستحبی است. و لازم نیست نیت را به زبان بیاورد، یا حتی به قلب خطور دهد.

مسألهٔ ۲۴-- باید نماز طواف را به قصد قربت انجام دهد، و ریا موجب بطلان آن می‌شود.

کیفیت نماز طواف

مسألهٔ ۲۵-- نماز طواف مانند نماز صبح دو رکعت است.

مسألهٔ ۲۶-- در این نماز می‌تواند غیر از سور عزائم «۱» هر سوره‌ای که خواست بخواند، و بلند خواندن یا آهسته خواندن در آن شرط نیست.

---

(۱)- سور عزائم چهار سوره‌ای هستند که سجدهٔ واجب دارند: ۱- سورهٔ سجده: ۳۲. ۲- سورهٔ فصلت: ۴۱. ۳- سورهٔ نجم: ۵۳. ۴- سورهٔ علق: ۹۶.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۵

مسألهٔ ۲۷-- مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ توحید و در رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ کافرون را بخواند.

وقت نماز طواف

مسألهٔ ۲۸-- اقوی این است که نماز طواف را فوراً بعد از طواف بجا آورد و تأخیر نیندازد.

بنابراین خواندن نماز مستحبی یا عبادات دیگر بین طواف و نماز آن مخل به موالات عرفیه است. و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسألهٔ ۲۹-- بنابر فرض سابق کسی که هنوز نماز طواف خود را نخوانده نباید بعد از طواف به نیابت از دیگران نماز طواف آنها را بخواند.

مسألهٔ ۳۰-- مقدار فاصلهٔ بین طواف و نماز آن که مخل به موالات عرفیه است نسبت به افراد و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۶

هنگام ازدحام و غیر آن فرق می‌کند. و بطور کلی فاصلهٔ حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه برای استراحت و رفع خستگی و تطهیر مخلّ نیست.

مسألهٔ ۳۱-- همانگونه که گذشت نماز طواف باید فوراً بعد از طواف انجام شود. لذا وقت خاصی ندارد. بلی اگر خواندن نماز طواف موجب فوت نماز یومیه شود. باید اول نماز یومیه را بخواند و بعد نماز طواف را بخواند.

مسألهٔ ۳۲-- اگر زن پس از طواف و قبل از خواندن نماز آن حیض شد چنانچه تا قبل از اعمال حج پاك شود باید پس از پاکی و غسل نماز را بخواند و اعمال بعد از آن را بجا آورد. والا سعی و تقصیر عمرهٔ تمتع را انجام دهد، و برای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۷

اعمال حج محرم شود، و بعد از پاکی و غسل قبل از طواف حج، نماز طواف عمرهٔ تمتع را بخواند، و سپس طواف حج و اعمال بعد از آن را بجا آورد.

مسألهٔ ۳۳-- و اگر این مشکل در طواف حج برای او پیش آمد و تا زمان پاکی نتوانست در مکه بماند برای نماز نایب بگیرد، و پس از انجام سعی توسط خودش برای طواف نساء و نماز آن نیز نایب بگیرد.

شرایط نماز طواف

مسألهٔ ۳۴-- نماز طواف احکام نمازهای یومیه را دارد، لذا باید شرایط آن را مثل صحت قرائت،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۸

استقرار در هنگام ذکر، پاک بودن بدن و لباس، قرار نداشتن زن در جلوی مرد و ... مراعات کند.

مسألهٔ ۳۵-- شخصی که نماز خود را غلط می‌خواند اگر می‌تواند قرائتش را تصحیح کند باید طواف را تا ضیق وقت تأخیر بیندازد. مگر اینکه بقای در احرام موجب عسر و حرج شود. و ملاک در ضیق وقت همانگونه که گذشت هنگامی است که به وقوف رکنی عرفات نرسد.

مسألهٔ ۳۶-- اگر در یاد گرفتن قرائت و اذکار واجب مسامحه کرد تا وقت تنگ شد نماز را به هر نحو که می‌تواند بخواند و صحیح است، هر چند معصیت کرده است. و احتیاط آن است که طبق مسألهٔ بعد عمل کند.

مسألهٔ ۳۷-- اگر نتواند قرائت و اذکار واجب نماز

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۵۹

را یاد بگیرد باید خودش هرگونه که می‌تواند بجا آورد و کافی است. و اگر ممکن است کسی به او تلقین کند. و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلی اقتدا کند، یا نایب بگیرد. ولی نمی‌تواند به نماز جماعت یا نایب اکتفا کند.

مسألهٔ ۳۸-- نماز طواف را نمی‌توان به جماعت یومیه اقتدا کرد. لذا کسی که قرائتش درست نیست و می‌خواهد طبق مسأله قبل پس از اینکه خودش نمازش را خواند احتیاطاً آن را به جماعت نیز بخواند باید به کسی اقتدا کند که نماز طواف واجب خود را می‌خواند، و فرقی نمی‌کند که نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس، یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست یا بالعکس اقتدا کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۰

مسألهٔ ۳۹-- کسی که مطمئن است نماز او صحیح است اگر نماز طواف عمره یا حج یا طواف نساء خود را بخواند و بعد معلوم شود نماز او اشتباه بوده است، اعمالش صحیح است.

مسألهٔ ۴۰-- کسی که نماز او غلط است می‌تواند برای خودش عمرهٔ مفردهٔ استحبابی بجا آورد، و به همان نماز خود اکتفا کند.

مسألهٔ ۴۱-- لباس نمازگزار و اشیایی که همراه او است باید پاک باشد. بلی اگر اشیاء همراه او به مقداری باشد که نتواند با آن ستر عورت کند اگر متنجس باشد اشکالی ندارد. اما اگر عین نجس باشد یا به مقداری باشد که بتوان با آن ستر عورت کند اشکال دارد، و باید به احتیاط واجب در نماز از آن اجتناب کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۱

مسألهٔ ۴۲-- در نماز باید تقدم مرد بر زن رعایت شود. لذا مرد نمی‌تواند محاذی یا پشت سر زن نماز بخواند. بلی اگر رعایت این شرط موجب تأخیر نماز طواف و به هم خوردن موالات عرفیه بین طواف و نماز آن شود یا مستلزم عسر و حرج باشد مراعات آن لازم نیست، و همچنین تقدم زنان اهل سنت اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۴۳-- شک در رکعات نماز طواف مثل شک در رکعات سایر نمازهای دو رکعتی موجب بطلان نماز می‌شود. ولی ظن در رکعات یا افعال نماز حکم شک را ندارد و می‌تواند طبق آن عمل کند.

مسألهٔ ۴۴-- قرائت و اذکار نماز را باید در حال آرامش بدن بگوید. و اگر می‌داند که نمی‌تواند در

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۲

حال آرامش بدن اذکار را بگوید می‌تواند به قصد رجاء نماز را شروع کند، و اگر در حال آرامش نماز را بجا آورد نمازش صحیح است.

مسألهٔ ۴۵-- اگر در حال نماز او را حرکت دهند به طوری که از حالت نمازگزار خارج نشود باید دقت کند که هنگام حرکت ساکت باشد و ذکر نگوید. و اگر در حال حرکت ذکر گفته پس از آرامش بدن آن را اعاده کند، در این صورت نماز او صحیح است.

محل نماز طواف

مسألهٔ ۴۶-- اظهر آن است که نماز طواف را در جایی که عرفاً پشت مقام ابراهیم محسوب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۳

می‌شود بجا آورد و هر چه به مقام نزدیکتر باشد بهتر است.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، مناسک حج (فاضل)، در یک جلد، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، دوازدهم، ۱۴۲۳ ه ق

مناسک حج (فاضل)؛ ص: ۲۶۳

مسألهٔ ۴۷-- اگر به جهت ازدحام جمعیت نتواند پشت مقام نماز بخواند در سمت راست یا چپ مقام بطوری که عرفاً نزد مقام محسوب شود نماز بخواند.

مسألهٔ ۴۸-- اگر به علت ازدحام جمعیت در سمت راست یا چپ مقام نتوانست نزدیک مقام نماز بخواند در قسمت پشت مقام اگرچه فاصلهٔ آن زیادتر از دوطرف مقام باشد نماز بخواند. و به احتیاط مستحب قبل از سعی در صورت خلوت شدن پشت مقام نماز را در فاصلهٔ نزدیکتر اعاده کند.

مسألهٔ ۴۹-- اگر نماز را در جاهای دیگر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۴

مسجدالحرام مثلًا داخل حجر اسماعیل بجا آورد. حتی اگر به اعتقاد اینکه آنجا مقام ابراهیم است نماز او باطل است، و باید آن را پشت مقام اعاده کند.

مسألهٔ ۵۰-- ازدحام جمعیت مجوز خواندن نماز طواف در انتهای مسجدالحرام نمی‌شود، بلکه باید در جایی نماز بخواند که عرفاً بگویند پشت مقام است، اگرچه با کمک دیگران باشد.

مسألهٔ ۵۱-- دست به دست هم دادن برخی از حجاج و ایجاد مانع، برای اینکه دیگری بتواند نماز طواف بخواند، چنانچه موجب وهن شیعه یا اذیت سایر حجاج شود، یا مانع طواف دیگران شود، جایز نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۵

مستحبات نماز طواف

مسألهٔ ۵۲-- در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سورهٔ توحید و در رکعت دوم سورهٔ حجد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید: «اللَّهُمَّ

تَقَبَّلْ مِنِّی، وَلاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی، الْحَمْدُللّهِ بِمَحامِدِهِ کُلِّها عَلی نَعْماءِهِ کُلِّها، حَتّی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ إلی مایُحِبُّ وَ یَرْضی، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۶

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّی، وَ طَهِّرْ قَلْبِی، وَزَکِّ عَمَلِی». و در روایت دیگر است: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِی بِطاعَتِی إیّاکَ، وَ طاعَةِ رَسُولِکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِی أنْ أتَعَدّی حُدُوْدَکَ، وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَ یُحِبُّ رَسُولَکَ وَمَلائِکَتِکَ وَعِبادَکَ الصّالِحینَ». و در بعضی روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت: «سَجَدَ لَکَ وَجْهی تَعَبُّداً وَرِقّاً، لاإلهَ إلّا أنْتَ حَقّاً حَقّاً، الأوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ، وَها أنَاذا بَیْنَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۷

یَدَیْکَ، ناصِیَتِی بِیَدِکَ، فاغْفِرْلِی، إنَّهُ لایَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ، فَاغْفِرْ لِی، فَإنِّی مُقِرٌّ بِذُنُوْبِی عَلی نَفْسِی، وَلا یَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیْمَ غَیْرُکَ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۸

سعی

اشاره

مسألهٔ ۵۳-- بعد از طواف و نماز طواف واجب است هفت مرتبه از کوه صفا به مروه برود و بازگردد. که به آن «سعی» می گویند.

مسألهٔ ۵۴-- سعی رکن است و ترک آن حکم ترک طواف را دارد.

مسألهٔ ۵۵-- کسی که از روی جهل سعی را ترک کند چه جهل نسبت به حکم باشد یا موضوع، اگر زمان تدارک آن گذشته باشد، حج باطل است.

مسألهٔ ۵۶-- اگر سعی را فراموش کرد و تقصیر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۶۹

کرد، هر وقت متذکر شد سعی را انجام دهد، و بنابر احتیاط تقصیر را بعد از سعی اعاده کند. و تا قبل از اعادهٔ تقصیر محرمات احرام را رعایت کند.

مسألهٔ ۵۷-- اگر خودش نتواند سعی کند، و کسی هم نباشد که او را با چرخ سعی دهد، و به جهت گرانی هم نتواند چرخ بگیرد، یا تهیهٔ آن برایش مشقت داشته باشد، می‌تواند استنابه کند.

مسألهٔ ۵۸-- طهارت از حدث و خبث در سعی معتبر نیست. هر چند احتیاط این است که محدث نباشد. و همچنین ستر عورت در سعی شرط نیست.

مسألهٔ ۵۹-- اگر زن در حال سعی حجاب خود را رعایت نکند یا مرد به زن نگاه کند، هر چند گناه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۰

کرده‌اند ولی سعی آنها اشکال ندارد.

مسألهٔ ۶۰-- چون طهارت در سعی معتبر نیست و محل سعی مسجد نیست؛ لذا زنی که به جهت عادت ماهانه برای طواف و نماز آن نایب می گیرد نمی‌تواند برای سعی نیز نایب بگیرد.

بلکه پس از انجام آن توسط نایب، سعی را باید خودش بجا آورد.

مسألهٔ ۶۱-- سعی را می‌تواند سواره یا پیاده، با تخت یا ویلچر و چرخ برود. هر چند راه رفتن به صورت متعارف افضل است. بلی در قسمتی از محل سعی که ابتدا و انتهای آن با چراغ سبز مشخص شده، مستحب است مردان با شتاب حرکت کنند. که آن را «هروله» گویند.

مسألهٔ ۶۲-- صحبت کردن با دیگران در حال

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۱

سعی یا ساکت بودن اشکالی ندارد، اگرچه اشتغال به ذکر و دعا مطلوب است.

مسألهٔ ۶۳-- شخص می‌تواند هنگام سعیِ خویش، بیمار یا سالمندی را نیز با چرخ سعی دهد.

مسألهٔ ۶۴-- سعی مستحبی مشروع نیست، چه یک شوط باشد یا هفت شوط.

شرایط صحت سعی

اشاره

درصحت سعی رعایت این موارد لازم است: ۱- نیت. ۲- محل شروع و پایان و مسیر سعی. ۳- توجه به صفا و مروه در حال سعی.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۲

۴- وقت انجام سعی. ۵- انجام هفت شوط متوالی و پی در پی.

نیت

مسألهٔ ۶۵-- شخص باید بداند این سعی را که می‌خواهد انجام دهد سعی عمرهٔ مفرده یا عمره تمتع یا حج تمتع است، و لازم نیست آن را به زبان بیاورد یا حتی به قلب خطور دهد.

مسألهٔ ۶۶-- سعی نیز مانند سایر عبادات باید با قصد قربت و برای اطاعت از خدای متعال انجام شود، و ریا آن را باطل می‌کند.

مسألهٔ ۶۷-- اگر از روی ریا سعی خود را باطل کند حکم ترک عمدی سعی را دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۳

مسألهٔ ۶۸-- چون سعی از عبادات است و صحت آن منوط به این است که نیت و قصد قربت- ولو بصورت ارتکازی- تا آخر عمل باقی باشد، لذا اگر در بین سعی بطور کلی غافل شود، یا اگر به وسیلهٔ چرخ او را سعی می‌دهند در حال سعی خوابش ببرد، سعی او اشکال دارد.

مسألهٔ ۶۹-- در فرض سابق اگر قبل از شوط چهارم به خواب رفت به احتیاط واجب سعی را از اول اعاده کند، و اگر بعد از شوط چهارم به خواب رفت پس از بیدار شدن و توجه و التفات باید از آنجا که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

محل شروع و پایان و مسیر سعی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۴

مسألهٔ ۷۰-- واجب است سعی را از کوه صفا شروع کرده و به کوه مروه ختم کند. و اگر از مروه شروع کند هر وقت متوجه شد- چه در بین سعی یا بعد از تمام شدن آن- باید سعی را از اول شروع کند.
مسألهٔ ۷۱-- اگر از کوه صفا شروع کند همانطور که به نحو متعارف انجام می‌شود کافی است. هر چند احتیاط آن است که از روی کوه شروع کند. و لازم نیست در هر دور از کوه صفا یا مروه بالا برود. بلکه می‌تواند از همانجایی که بیمارها را با چرخ برمی گردانند برگردد.
مسألهٔ ۷۲-- واجب است از راه متعارف برود و برگردد، بنابراین رفتن به اطراف مسجدالحرام یا رفتن به خیابان در حین سعی که انحراف زیاد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۵

پیدا شود، اشکال دارد.
مسألهٔ ۷۳-- لازم نیست حتماً از مسیر تعیین شده رفت و برگشت کند. بلکه اگر از مسیر ویژهٔ چرخها یا از مسیر مخالف حرکت مردم نیز برود سعی او صحیح است. ولی نباید مزاحم دیگران شود.
مسألهٔ ۷۴-- سعی باید از مسیر معمول بین دو کوه انجام شود، لذا سعی در طبقات بالا یا زیرزمین جایز نیست.

توجه به صفا و مروه در حال سعی

مسألهٔ ۷۵-- واجب است هنگام رفتن به مروه رو به مروه، و هنگام رفتن به صفا رو به صفا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۶

باشد. یعنی مستقیم و به صورت متعارف برود.
لذا اگر عقب عقب برود یا به پهلو برود باطل است. ولی نگاه کردن به اطراف و حتی پشت سر مانعی ندارد.
مسألهٔ ۷۶-- اگر در بین سعی مقداری را عقب عقب یا به پهلو برود باید آن مقدار را به صورت صحیح دومرتبه اعاده کند. و اگر محل تدارک آن گذشته، سعی او اشکال دارد، و احتیاط در اتمام و اعاده است.

وقت انجام سعی

مسألهٔ ۷۷-- همانگونه که گذشت واجب است سعی را بعد از طواف و نماز طواف بجا آورد، و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۷

اگر عمداً پیش از آن بجا آورد باید بعد از طواف و نماز آن، سعی را اعاده کند. حتی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله هم مقدم کند بنابر اقوی همین حکم را دارد.
مسألهٔ ۷۸-- اگر در بین سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده باید سعی را رها کند و بعد از خواندن نماز طواف سعی را طبق احکام قطع سعی بجا آورد.
مسألهٔ ۷۹-- زنی که به جهت عادت ماهانه نمی‌تواند طواف کند، و برای طواف و نماز طواف نایب می گیرد، سعی را باید خودش انجام دهد، ولی باید مراعات ترتیب بین طواف و سعی را بکند. یعنی بعد از اینکه نایب طواف کرد و نماز آن را خواند، سعی را انجام دهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۸

مسألة ۸۰-- تأخیر سعی از طواف و نماز طواف حتی بدون عذر تا شب جایز است. هر چند احتیاط در عدم تأخیر است. و تأخیر آن تا روز بعد جایز نیست.

مسألة ۸۱-- اگر طواف و نماز طواف را در روز انجام داد، احتیاط این است که سعی را تا شب تأخیر نیندازد. هر چند بعد ازظهر طواف کرده باشد. و به هر صورت اگر تا شب تأخیر انداخت کفایت می کند، و حج او صحیح است.

مسألة ۸۲-- اگر سعی را تا روز بعد تأخیر انداخت، لازم نیست طواف و نماز طواف را اعاده کند.

انجام هفت شوط متوالی و پی در پی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۷۹

مسألة ۸۳-- همانگونه که گذشت سعی مشتمل بر هفت شوط است. که رفتن از کوه صفا به کوه مروه یک شوط، و بازگشتن از مروه به صفا شوط دیگر محسوب می‌شود. بنابراین چهار شوط از صفا به مروه و سه شوط از مروه به صفا مجموع هفت شوط سعی را تشکیل می‌دهد.

مسألة ۸۴-- بنابر احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه بین شوطهای سعی لازم است. یعنی باید هفت شوط به صورت متوالی و پی در پی انجام شود، بطوری که یک عمل محسوب شود.

بنابراین نباید بین شوطهای سعی آنقدر فاصله ایجاد شود که عرفاً پی در پی شمرده نشود.

مسألة ۸۵-- استراحت در بین شوطهای سعی، و همچنین نشستن و خوابیدن روی کوه صفا و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۰

مروه، یا بین راه مشروط بر اینکه باعث به هم خوردن موالات عرفیه نشود مانعی ندارد.

مسألة ۸۶-- آب خوردن در اثنای سعی اشکال ندارد. ولی باید مراقب باشد سعی را از نقطه‌ای که قطع کرده از همان نقطه یا محاذات آن ادامه دهد. ولی اگر بدون قطع سعی و با نیت سعی به طرف محل آبخوری برود و پس از آب خوردن سعی را ادامه دهد مانعی ندارد. البته مشروط بر اینکه از مسیر معمولی دور نشود.

مسألة ۸۷-- اگر هنگام سعی نماز جماعت برپا شد چنانچه بعد از شوط چهارم بوده پس از نماز آن را تکمیل کند، والّا در صورت طولانی شدن فاصله، بنابر احتیاط واجب پس از اتمام آن را اعاده کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۱

مسألة ۸۸-- اگر در بین سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، باید سعی را رها کند، و بعد از خواندن نماز طواف، سعی را طبق احکام قطع سعی بجا آورد.

مسألة ۸۹-- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص انجام داده باید سعی را رها کند و طواف را تکمیل کند و پس از نماز آن، سعی را تکمیل کند، و اگر طواف اول را کمتر از سه‌دور ونیم بجا آورده، پس از تکمیل طواف به احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

مسألة ۹۰-- کسی که در بین سعی متوجه شود طواف را بیش از هفت دور انجام داده است بنابر احتیاط سعی را رها کند، سپس طواف و اعمال بعد از آن را اعاده کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۲

مسألهٔ ۹۱-- اگر سهواً قبل از تمام کردن شوط چهارم سعی را قطع کرده و پس از فوت موالات عرفیه یادش آمد بنابر احتیاط واجب باید سعی را از سر بگیرد. و اگر بعد از شوط چهارم سعی بود.

بقیه سعی را بجا آورد. و اگر به هر جهت خودش نتواند انجام دهد باید نایب بگیرد.

مسألهٔ ۹۲-- اگر کسـی در اثنای شوط پنجم سـعی بیمار شـد و نتوانست آن را اتمام کند اگر بعد از بهبودی نتواند به مکه بیاید باید استنابه کند، و در این فرض نایب برای خروج منوب عنه از احرام سـعی را تمام کند و آن را اعاده کند، و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر کند، و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد.

مسألهٔ ۹۳-- اگر مقداری از سعی را در عمرهٔ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۳

تمتع فراموش کرد و بعد از تقصیر متوجه شد، باید سعی را تکمیل کند و اقوی آن است که یک گاو کفاره بدهد. و فرقی نمی‌کند که یک شوط را فراموش کرده باشد یا بیشتر. یا اینکه بعد از تقصیر با همسر نزدیکی کرده باشد یا خیر.

مسألهٔ ۹۴-- اگر با یقین به اتمام هفت شوط تقصیر کنـد و بعـد متوجه شود که تنها پنج شوط بجا آورده است باید سـعی را تکمیل کند، و احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند، و اگر در عمرهٔ تمتع بوده بنابر احتیاط واجب یک گاو کفاره بدهد.

مسألهٔ ۹۵-- کسـی که می‌دانسـته باید هفت شوط سـعی کند منتهی فکر می‌کرده هر رفت و برگشت یک شوط است، لذا ۱۴ شوط بجا آورده، اقوی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۴

این است که همین سعی کافی است، هر چند احتیاط در اعادهٔ آن است.

مسألهٔ ۹۶-- اگر از روی جهل بیش از هفت شوط بجا آورد، اشکال دارد و احتیاطاً باید اعاده کند.

مسألهٔ ۹۷-- همانطور که گذشت سعی عبارت از هفت شوط است، و کسی که آن را عمداً زیاد کند موجب بطلان سعی می‌شود.

مسألهٔ ۹۸-- اگر از روی فراموشـی هفت شوط بیشتر بجا آورد. سـعی او صـحیح است، و بهتر است زائـد را رها کنـد، هر چنـد بعید نیست بتواند آن را به هفت دور برساند.

مسألهٔ ۹۹-- اگر به جهت جهل به مسائل مربوطه مقداری به سعی اضافه کند، مثلًا به

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۵

جهـت اینکه فکر می‌کرده وضـو لازم است مقـداری از سـعی را بعـد از وضـو گرفتن اعـاده کنـد یـا به جهت هروله کردن مقـداری برگشته و دومرتبه انجام دهد، یا به جهت اینکه فکر می‌کرده اشکالی در نیت داشته مقداری اضافه انجام دهد، اشکال دارد و احتیاطاً باید اعاده کند.

مسألهٔ ۱۰۰-- اگر در مروه شک کند که شوط هفتم است یا نهم، به شک خود اعتنا نکند و صـحیح است. اما اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند سعی او باطل است. و همینطور اگر شک کند که دور هفتم است یا کمتر.

مسألهٔ ۱۰۱-- اگر بعـد از تقصیر در عـدد اشـواط سـعی شـک کنـد به آن اعتنـا نکنـد، چه شـک در نقیصه کنـد و چه در زیـاده. و همینطور است اگر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۶

بعد از فراغ از سـعی و قبل از تقصیر شک در زیاده کند. اما اگر شک در نقیصه کند احتیاط آن است آنچه را احتمال نقص می‌دهد تکمیل کند.

مسألهٔ ۱۰۲-- اگر در بین اشواط شک کرد نمی‌توانـد در حال تردیـد به سـعی خود ادامه دهـد، بلکه باید صبر کند و فکر کند، اگر

بعد از تأمل مطمئن شد چند مرتبه سعی کرده، بقیه را بجا آورد، والّا سعی او باطل است، و باید از اوّل شروع کند.

مسألهٔ ۱۰۳-- اگر طواف و نماز آن را بجا آورد و روز بعد شک کرد سعی را بجا آورده یا خیر، چنانچه عذری برای تأخیر سعی در بین نبوده بنا بگذارد بر اینکه سعی را انجام داده، هر چند احتیاط مستحب‌اعادهٔ‌سعی است، و چنانچه برای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۷

تأخیر سعی عذری داشته باید سعی را بجا آورد.

مسألهٔ ۱۰۴-- اگر بعد از تمام شدن سعی یا هر شوط شک کرد که آن را صحیح بجا آورده یا خیر، به آن اعتنا نکند و سعی او صحیح است. و همینطور اگر در صحت اجزاء قبل همان شوط شک بکند.

مسألهٔ ۱۰۵-- سعی نیز مانند طواف با نیت قطع، قطع نمی‌شود. بنابراین اگر بعداز چند دور به هر علتی آن را به هم بزند نمی‌تواند بلافاصله سعی را شروع کند، و اگر بلافاصله شروع کند، سعی او اشکال دارد و باید اعاده کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۸

مستحبّات سعی

۱- طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر، بلی حائض می‌تواند سعی کند، اگر چه مستحب است در صورت امکان صبر کند تا آنکه بتواند سعی را با طهارت بجا آورد، وگرنه در همان حال حیض باید سعی کند. ۲- انجام سعی پس از نماز طواف، ولی اگر خسته است می‌تواند قدری استراحت کند. ۳- استلام و بوسیدن حجرالاسود در صورت امکان به هنگام رفتن به طرف صفا، و در صورت عدم امکان با دست به حجر اشاره

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۸۹

کند. ۴- آمدن به چاه زمزم در صورت امکان، و نوشیدن آب زمزم، و بر سر و پشت خود ریختن، و در حالی که رو به کعبه است بگوید: «اللّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَ رِزْقاً واسِعاً وَ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ». ۵- پس از نوشیدن آب زمزم به هنگام رفتن به صفا نیز حجر را استلام کند. ۶- خارج شدن به طرف صفا از دری که مقابل حجرالاسود است، و آن دری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن خارج می‌شدند. ۷- رفتن به طرف صفا با آرامش و وقار. ۸- طوری بالای صفا برود که در صورت امکان بتواند بیت‌اللّه را ببیند، زیرا دیدن خانه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۰

کعبه نیز مستحب است. ۹- پس از بالا رفتن از کوه صفا رو به رکن حجرالاسود کند. ۱۰- خداوند متعال را حمد و ثنا کند، و نعمتها و عذاب الهی را به یاد آورد، و احسان خداوند را در حق خود، متذکّر شود، و هفت بار بگوید: «اللّه اکبر» و هفت بار بگوید: «الحمدللّه» و هفت بار بگوید: «لا اله الا اللّه» و سپس سه بار بگوید: «لا إلَهَ إلّااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ». و پس از آن بر پیامبر و خاندانش درود

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۱

فرستاده، و سه بار بگوید: «اللّهُ أکْبَرُ عَلی ما هَدانا، وَالْحَمْدُللّهِ عَلی ما أبْلانا وَالْحَمْدُللّهِ الْحَیِّ الْقَیُّوم وَالْحَمْدُللّهِ الْحَیِّ الدّائِمِ». و بعد سه بار بگوید: «أشْهَدُ أنْ لا إلَهَ إلّا اللّهُ وَأشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، لانَعْبُدُ إلّا ایّاهُ، مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ». و نیز سه بار بگوید: «اللَّهُمَّ إنِّی أسْألُکَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَةَ وَالْیَقِینَ فی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ». و بعد سه بار بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۲

و بعد صد مرتبه بگوید: «اللّهُ اکْبَر» و صد مرتبه بگوید: «لا الَهَ الَّا اللّه» و صد مرتبه بگوید: «الْحَمْدُلِلّه» و صد مرتبه بگوید: «سبحان‌اللّه» و بعد بگوید: «لا اِلَهَ اِلَّااللّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الأحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بارِکْ لِی فِی الْمَوْتِ وَ فِیما بَعْدَ الْمَوْتِ، اللّهُمَّ إنِّی أعُوذُبِکَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أظِلَّنِی فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلَّ إلّاظِلُّکَ» . ۱۱- مستحب است هنگامی که بر کوه صفا توقف می‌کند، مکرراً خود و خانوادهٔ خود و دینش را به خداوند متعال بسپارد، و بگوید:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۳

«اسْتَوْدِعُ اللّهَ الرَّحْمنَ الرَّحِیمَ الَّذِی لاتَضِیعُ وَدائِعُهُ دِینِی وَنَفْسِی وَأهْلی، ألّلهُمّ اسْتَعْمِلْنِی عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ، وَ تَوَفَّنِی عَلی مِلَّتِهِ وَ أعِذْنِی مِنَ الْفِتْنَةِ». و بعد سه مرتبه بگوید: «اللّه اکْبَر» و دعای سابق را دوباره بخواند، و باز بگوید: «اللّه اکْبَر» و در حد امکان دعا را تکرار کند. ۱۲- رو به کعبه کرده و این دعا را بخواند: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ أذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإنَّکَ انْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ، اللّهُمَّ افْعَلْ بِی ما أنْتَ أهْلُهُ، فَإنَّکَ إنْ تَفْعَلْ بِی ما انْتَ أهْلُهُ تَرْحَمْنِی و إن تُعَذِّبْنِی فَانْتَ غَنِیٌّ عَنْ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۴

عَذابِی، وَ انَا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِکَ، فَیا مَنْ انَا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِی اللّهُمَّ لاتَفْعَلْ بِی ما انَا أهْلُهُ فَإنَّکَ إنْ تَفْعَلْ بِی ما انَا اهْلُهُ تُعَذِّبْنِی، وَ لَمْ تَظْلِمْنِی، اصْبَحْتُ اتَّقِی عَدْلَکَ، وَلا اخافُ جَوْرَکَ فَیا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لایَجُورُ ارْحَمْنِی». و سپس بگوید: «یا مَنْ لایَخِیبُ سائِلُهُ، و لَا یَنْفَدُ نائِلُهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجِرْنِی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ». ۱۳- بر کوه صفا زمان زیادی را توقّف کند، که در روایت است موجب زیادی ثروت می‌شود. ۱۴- چون مقداری از کوه صفا پایین آمد بایستد، و توجّه به کعبه کرده، و بگوید:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۵

«ألّلهُمَّ إنِّی أعُوذُبِکَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضِیقِهِ وَ ضَنْکِهِ، ألّلهُمَّ اظِلَّنِی فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لاظِلَّ إلّاظِلُّکَ». ۱۵- پس از آنکه مقدار دیگری پایین آمد، کتف خود را برهنه کرده، بگوید: «یا رَبَّ الْعَفْوِ، یا مَنْ أمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ هُوَ أوْلی بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُثِیبُ عَلَی الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، یا جَوادُ یا کَرِیمُ یا قَرِیبُ یا بَعِیدُ، ارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِکَ وَ مَرْضاتِکَ». ۱۶- پیاده سعی کند. ۱۷- با آرامش و وقار سعی کند. ۱۸- در مقداری از سعی که بین چراغهای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۶

سبز قرار گرفته هروله کند (یعنی مقداری تندتر حرکت کند، که نه دویدن باشد و نه راه رفتن معمولی)، و به هنگام بازگشت از مروه نیز هروله را تکرار کند، و برای زنان هروله مستحب نیست. ۱۹- وقتی به اوّلین چراغ سبز رسید بگوید: «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ، وَاللّهُ أکْبَرُ، وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ أهْلِ بَیْتِهِ، اللّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمْ، إنَّکَ أنْتَ الْأعَزُّ الْاکْرَمُ، وَاهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أقْوَمُ، اللّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ، فَضاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی، اللّهُمَّ لَکَ سَعْیِی، وَ بِکَ حَوْلِی وَقُوَّتِی تَقَبَّلْ مِنِّی عَمَلِی، یا مَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِینَ». ۲۰- چون از محل هروله گذشت بگوید:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۷

«یاذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْکَرَمِ وَالنَّعْماءِ والْجُودِ، اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی، إنَّهُ لایَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلَا أنْتَ». ۲۱- چون به مروه رسید از کوه بالا رود، و آنچه از ادعیه در کوه صفا گفتیم بر کوه مروه به ترتیب بخواند، و سپس بگوید: «اللّهُمَّ یا مَنْ امَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُحِبُّ الْعَفْوَ، یا مَنْ یُعْطِی عَلَی الْعَفْوِ، یا مَنْ یَعْفُو عَلَی الْعَفْوِ، یا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ». ۲۲- بر گریه از خوف خداوند کوشش کند، و خود را به گریه وادارد، و فراوان دعا کند، و این دعا را نیز بخواند: «اللّهُمَّ إنِّی أسْئَلُکَ حُسْنَ الظَّنِّ بِکَ عَلی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۸

کُلِّ حالٍ، وَصِدْقَ‌النِّیَّةِ فِی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۲۹۹

تقصیر «۱»

اشاره

مسألهٔ ۱۰۶-- بعد از سعی واجب است تقصیر کند.

مسألهٔ ۱۰۷-- محرم قبل از اینکه تقصیر خود را انجام دهد نمی‌تواند موی دیگری را به عنوان تقصیر کوتاه کند. ولی گرفتن ناخن دیگری به قصد تقصیر مانعی ندارد و صحیح است.

مسألهٔ ۱۰۸-- بانوانی که برای تقصیر موی خود را کوتاه می‌کنند لازم است خود را از نامحرم

---

(۱)- تقصیر یعنی کوتاه کردن.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۰

بپوشانند. ولی اگر موهای آنها ظاهر شود، ضرری به تقصیر آنها نمی‌زند.

مسألهٔ ۱۰۹-- تقصیر در عمره محل خاصی ندارد.

لذا می‌تواند کنار مروه یا در منزل، یا اگر فراموش کرد حتی در شهر خود تقصیر کند.

مسألهٔ ۱۱۰-- همانگونه که شیعه می‌تواند برای شیعه تقصیر کند سنی نیز می‌تواند برای شیعه تقصیر کند.

مسألهٔ ۱۱۱-- اگر بعد از تقصیر شک کند که آن را صحیح انجام داده یا خیر، به شک خود اعتنا نکند.

مسألهٔ ۱۱۲-- بعد از تقصیر در عمرهٔ تمتع تمام محرمات احرام حتی زن و شوهر به یکدیگر حلال می‌شوند. ولی در عمرهٔ مفرده زن و شوهر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۱

پس از طواف نساء و نماز آن به یکدیگر حلال می‌شوند.

مسألهٔ ۱۱۳-- اگر بعد از تقصیر و انجام برخی از محرمات احرام متوجه شود که تقصیر او باطل بوده، کفاره ندارد مگر در مورد صید.

شرایط صحت تقصیر

اشاره

درصحت تقصیر رعایت این‌موارد لازم‌است: ۱- نیت. ۲- کیفیت تقصیر. ۳- وقت تقصیر.

نیت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۲

مسألهٔ ۱۱۴-- تقصیر از عبادات است و باید با قصد قربت و برای اطاعت از خدای سبحان انجام شود. و ریا آن را باطل می‌کند.

مسألهٔ ۱۱۵-- اگر از روی ریا تقصیر خود را باطل کند حکم ترک عمدی تقصیر را دارد.

کیفیت تقصیر

مسألهٔ ۱۱۶-- در تقصیر بایـد مقـداری از موی سـر یا صورت را کوتاه کنـد، یا ناخن بگیرد. هر چند بهتر است فقط به ناخن گرفتن اکتفا نکند.

مسألهٔ ۱۱۷-- تراشیدن سر به عنوان تقصیر عمرهٔ تمتع کفایت نمی‌کند، همانگونه که کوتاه کردن موی زیر بغل یا کندن مو نیز برای تقصیر کفایت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۳

نمی‌کند.

مسألهٔ ۱۱۸-- اگر به قصـد تقصـیر یک مو یا چنـد مو از بـدن خود کنـد، هر چند از جهت کندن مو گناه نکرده ولی از احرام خارج نشده، و اگر بدون تدارک محرم به احرام حج شود حکم ترک عمدی تقصیر را دارد.

وقت تقصیر

مسألهٔ ۱۱۹-- اگر جهلًا یا سهواً قبل از سعی تقصیر کند باید پس از سعی تقصیر را اعاده کند و کفاره ندارد. ولی اگر در اثنای سعی تقصیر کند باید طبق تفصیلی که در مسأله ۶۹۹ و ۷۰۰ گذشت عمل کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۴

مسألهٔ ۱۲۰-- اگر در عمرهٔ تمتع عمـداً یا از روی جهل تقصـیر نکنـد و محرم به احرام حـج شود بنابر اقوی عمرهٔ او باطل می‌شود، و حج او ظاهراً تبدیل به افراد می‌شود. بنابراین به احتیاط واجب حج را به نیت افراد تمام کند، و بعد عمرهٔ مفرده بجا آورد، و سال بعد حج را اعاده کند.

مسألهٔ ۱۲۱-- اگر تقصـیر را فراموش کنـد و پس از احرام حج یادش بیاید. عمرهٔ تمتع و حجش صـحیح است. و بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسألهٔ ۱۲۲-- اگر در عمرهٔ مفرده به هر جهت تقصـیر نکرد و طواف نساء را انجام داد باید تقصیر کند، و بعد طواف نساء و نماز آن را اعاده کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۵

مسألهٔ ۱۲۳-- در عمرهٔ تمتع طواف نساء واجب نیست، هر چنـد مطابق احتیاط است. و اگر بخواهـد احتیاط کنـد بایـد قبل از تقصـیر طواف نساء و نماز آن را بجا آورد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۶

احکام بین عمرهٔ تمتع و حج تمتع

مسألهٔ ۱۲۴-- ظـاهراً تراشـیدن سـر بین عمرهٔ تمتع و حـج تمتع اشـکالی نـدارد. ولی رعـایت احتیـاط خوب است، بلی همـانگونه که گذشت تراشیدن سر برای تقصیر عمرهٔ تمتع کافی نیست.

مسألهٔ ۱۲۵-- همانگونه که گذشت حرمت صید از احکام حرم است و اختصاص به محرم ندارد. لذا حرمت آن بین عمرهٔ تمتع و حج تمتع از احکام عمره یا حج نیست.

مسألهٔ ۱۲۶-- خروج از مکه برای کسی که مطمئن است می‌تواند برای انجام حج تمتع به

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۷

مکه برگردد. چنانچه در همان ماه عمرهٔ تمتع انجام داده مانعی ندارد. هر چند رعایت احتیاط خوب است.

مسألهٔ ۱۲۷-- بنابر آنچه گذشت رفتن عوامل خدماتی حج و سایر افراد به جده، عرفات، منی، غار ثور و سایر اماکنی که خارج از مکه قرار دارد.

در همان ماهی که عمرهٔ تمتع بجا آورده‌اند، مانعی ندارد.

مسألهٔ ۱۲۸-- خروج از مکه در غیر از ماهی که عمرهٔ تمتع انجام داده اشکالی ندارد. اما چون ورود به مکه در فرض مذکور بدون احرام حرام است، باید مسائل مربوط به عمرهٔ بین عمرهٔ تمتع و حج را که بیان خواهد شد رعایت کند.

مسألهٔ ۱۲۹-- اگر کسی پس از عمرهٔ تمتع از مکه

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۸

خارج شد و ماه بعد مراجعت کرد عمرهٔ او فاسد و باطل شده و از قابلیت عمرهٔ تمتع بودن می‌افتد.

لذا اگر بخواهد حج تمتع انجام دهد، باید مجدداً از یکی از مواقیت معروفه، و در صورت عدم تمکن از ادنی الحل محرم به احرام عمرهٔ تمتع شود، والّا حج تمتع او صحیح نیست.

مسألهٔ ۱۳۰-- ملاک احرام مجدد خروج و ورود به شهر مکه است. بنابراین اگر از مکه خارج نشود، اما از حدود حرم خارج شود لازم نیست دومرتبه محرم شود.

مسألهٔ ۱۳۱-- انجام عمرهٔ مفرده در همان ماهی که عمرهٔ تمتع انجام داده است، جایز نیست. و اگر انجام دهد صحیح نیست. ولی به عمرهٔ تمتع و حج تمتع او ضرری نمی‌زند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۰۹

مسألهٔ ۱۳۲-- اگر در غیر از ماهی که عمرهٔ تمتع انجام داده عمرهٔ مفرده بجا آورد عمرهٔ تمتع او باطل خواهد شد، ولی اگر تا هشتم ذی‌الحجه در مکه بماند و بخواهد حج تمتع انجام دهد عمرهٔ مفردهٔ مذکور قهراً تبدیل به عمرهٔ تمتع شده، و می‌تواند پس از آن حج تمتع بجا آورد.

مسألهٔ ۱۳۳-- کسی که قصد دارد پس از ورود به مکه، از مکه خارج شود و دوباره برگردد بار اول محرم به احرام عمرهٔ مفرده شود، و برای آخرین بار محرم به احرام عمرهٔ تمتع شود.

مسألهٔ ۱۳۴-- در فرض سابق اگر از حرم خارج نشد و خواست عمرهٔ تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیت معروفه برود و از آنجا برای عمرهٔ تمتع محرم شود، و احرام از ادنی الحل یا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۰

مکه کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۱۳۵-- در فرض سابق اگر بعد از انجام عمرهٔ مفرده نتوانست از مکه خارج شود، چنانچه عمرهٔ مفرده را در ماههای حج انجام داده باشد، همان عمره تبدیل به عمرهٔ تمتع شده، و می‌تواند حج تمتع را حتی بصورت نیابی انجام دهد، البته مشروط بر اینکه عمرهٔ انجام شده را به نیت منوب عنه انجام داده باشد.

مسألهٔ ۱۳۶-- کسی که بعد از عمرهٔ تمتع از مکه خارج شود و در ماه بعد مراجعت کند اگر بدون احرام وارد مکه شود چون عمرهٔ

تمتع او باطل شده، حج تمتع او صحیح نیست.

مسألهٔ ۱۳۷-- با توجه به توسعهٔ شهر مکه، رفتن به اطراف آن- مثل غار حرا- تا جایی که عرفاً

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۱

بگویند شهر مکه است مانعی ندارد.

مسألهٔ ۱۳۸-- اگر کسی پس از انجام عمرهٔ تمتع و قبل از احرام حج به گونه‌ای بیمار شد که قدرت ماندن و انجام حج را نداشت و مجبور شد به وطن بازگردد، احتیاط مستحب آن است که اگر ممکن است او را طواف نساء بدهند، والا به کسی نیابت دهد تا طواف نساء او را بجا آورد، و اگر سال اول استطاعت او بوده حج بر او واجب نیست، و در صورت بقای استطاعت در سال آینده حج بجا آورد.

مسألهٔ ۱۳۹-- کسی که حجهٔ‌الاسلام خود را انجام داده اگر با احرام عمرهٔ تمتع مستحبی وارد مکه شود و اعمال خود را انجام دهد و بعد بخواهد حج إفراد انجام دهد چنانچه از مکه خارج شود و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۲

از یکی از مواقیت معروفه محرم به احرام حج إفراد شود صحیح است.

مسألهٔ ۱۴۰-- کسی که عمرهٔ تمتع مستحبی انجام داده می‌تواند حج را ترک کند، ولی معصیت کرده است، و در این فرض طواف نساء هم لازم نیست هر چند مستحب است.

مسألهٔ ۱۴۱-- اگر برای عمرهٔ تمتع محرم شد و به جهت عذری وقتی به مکه برسد که اگر بخواهد اعمال عمرهٔ تمتع را بجا آورد وقوف رکنی عرفات از او فوت می‌شود، باید نیت خود را به حج إفراد بگرداند. و اگر حج واجب بجا می‌آورد پس از آن یک عمرهٔ مفرده انجام دهد.

مسألهٔ ۱۴۲-- اگر حائض و نفسا، از انجام طواف تا تنگ شدن وقت معذور باشد طبق مسألهٔ قبل

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۳

عمل کند.

مسألهٔ ۱۴۳-- اگر به جهت عذری بدون احرام وارد مکه شد و بخاطر تنگی وقت امکان انجام عمرهٔ تمتع را نداشت حج إفراد بجا آورد و کفایت می‌کند. و اگر عمداً بدون عذر عمرهٔ تمتع را ترک کند یا باطل انجام دهد، به احتیاط واجب حج إفراد بجا آورد، و سال بعد باید حج را اعاده کند.

مسألهٔ ۱۴۴-- مراد از تنگی وقت این است که جزء رکنی وقوف اختیاری عرفات را درک نکند.

یعنی اگر بخواهد اعمال خود را بجا آورد و برای حج محرم شود و به عرفات برود بعد از مغرب به عرفات برسد.

مسألهٔ ۱۴۵-- کسی که حج مستحبی بجا می‌آورد

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۴

لازم نیست بعد از حج إفراد عمرهٔ مفرده بجا آورد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۵

بخش دوم: حج تمتع

اشاره

همـانگونه که اجمالًـا گـذشت حـج تمتع مرکب از سـیزده جزء است، که اینک مفصـلًا احکام آن را به ترتیب ذکر می‌کنیم: لازم به ذکر است که براسـاس ترتیب بایـد طواف حـج، نمـاز آن، سـعی، طواف نساء و نماز آن بعـد از اعمال روز عیـد انجام شود، مگر در بعضی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۶

از موارد که پس از احرام حج و قبل از وقوفین انجام آن صحیح است، که احکام آن به تفصیل در جای خود خواهد آمد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۷

۱- احرام

اشاره

مسألهٔ ۱۴۶-- شخص باید بعد از تمام شدن اعمال عمرهٔ تمتع برای حج تمتع محرم شود.

مسألهٔ ۱۴۷-- کیفیت احرام و شـرایط آن و محرمـات احرام به همان صورتی است که در احرام عمرهٔ تمتع به تفصـیل بیان شـد، بجز محل احرام که احکام آن خواهد آمد.

مسألهٔ ۱۴۸-- شخص می‌تواند احرام را تا هنگامی که بتواند به وقوف اختیاری عرفات برسد تأخیر بیندازد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۸

مسألهٔ ۱۴۹-- مستحب است روز ترویه (هشتم ذی الحجه) احرام ببندد.

مسألهٔ ۱۵۰-- محل احرام حج تمتع شهر مکه است.

مسألهٔ ۱۵۱-- احرام در محله‌های جدیدالاحـداث اگر عرفاً جزء شـهر مکه محسوب شونـد، اگر چه فاصـله آنها تا مسـجدالحرام زیاد باشد صحیح است.

مسألهٔ ۱۵۲-- مستحب است در مسجدالحرام یا در مقام ابراهیم احرام ببندد.

مسألهٔ ۱۵۳-- اگر احرام را فراموش کرد و به عرفات یا مشـعر رفت و بعـد یادش آمـد، واجب است به مکه برگردد و احرام ببنـدد. و اگر امکان نداشت یا وقت تنگ بود همانجا محرم شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۱۹

مسألهٔ ۱۵۴-- در فرض سـابق اگر بعـد از وقوف مشـعر متوجه شـد، بایـد فوراً همانجا محرم شود و حـج را تمام کنـد، و بنابر احتیاط مستحب سال آینده حج را اعاده کند، و اگر بعد از اتمام اعمال حج متوجه شد حج او صحیح است.

مسألهٔ ۱۵۵-- اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد که تلبیه نگفته حکم دو مسألهٔ سابق را دارد.

مسألهٔ ۱۵۶-- جاهل به مسأله در حکم کسی است که آن را فراموش کرده، و باید طبق احکام آن عمل کند.

مسألهٔ ۱۵۷-- اگر از روی علم و عمد احرام را تا زمان فوت وقوف در عرفات ترک کند حج او باطل است.

مسألهٔ ۱۵۸-- اگر بعد از احرام دیوانه شود، احرام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۰

و حج او باطل است، و احتیاط مستحب آن است که در صورت بهبودی عمرهٔ مفرده‌ای انجام دهد، گرچه با استنابه باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۱

مستحبات احرام حج

مسألهٔ ۱۵۹-- اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود، به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید: «اللَّهُمَّ إیّاکَ أرْجُو، وَ إیّاکَ أدْعُو، فَبَلِّغْنِی أَمَلِی، وَ أصْلِحْ لِی عَمَلِی». و با دلی آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود، و چون به منی رسید بگوید: «الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی أقْدَمَنِیها صالِحاً فِی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۲

عافِیَةٍ وَ بَلَّغَنِی هذَا الْمَکانِ». و چون داخل منی شد بگوید: «اللَّهُمَّ هذِهِ مِنیً، وَ هِیَ مِمّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَیْنا مِنَ الْمَناسِکِ، فَاسْأَلُکَ أنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِما مَنَنْتَ عَلی أنْبیائِکَ، فَانَّما أنَا عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ». و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسّر رد نشود، و روانه شدن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۳

پیش از صبح مکروه است، و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند: «اللّهُمَّ إلَیْکَ صَمَدْتُ، وَ إیّاکَ اعْتَمَدْتُ، وَ وَجْهَکَ أرَدْتُ، أسْأَلُکَ أنْ تُبارِکَ لِی فِی رِحْلَتِی، وَ أنْ تَقْضِیَ لِی حاجَتِی، وَ أن تَجْعَلَنِی مِمَّنْ تُباهِی بِهِ الیَوْمَ مَنْ هُوَ أفْضَلُ مِنِّی».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۴

۲- وقوف در عرفات

اشاره

مسألهٔ ۱۶۰-- پس از احرام حج، بر محرم واجب است روز نهم ماه ذی حجه در عرفات که بیابانی است معروف و در فاصلهٔ حدود ۲۰ کیلومتری شرق مکه قرار دارد، وقوف کند.

مسألهٔ ۱۶۱-- اگر از روی علم و عمد وقوف رکنی عرفات را ترک کند حج او باطل است، و وقوف اضطراری او کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۱۶۲-- طهارت از حدث در وقوف عرفات شرط نیست. بنابراین حائض یا نفساء یا جنب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۵

می‌تواند در عرفات وقوف کند.

شرایط صحت وقوف

اشاره

درصحت وقوف رعایت این‌موارد لازم‌است: ۱- نیت. ۲- محل وقوف. ۳- وقت وقوف. ۴- کیفیت وقوف.

نیت

مسألهٔ ۱۶۳-- ماندن در عرفات از عبادات است، و باید به قصد قربت انجام شود، و ریا موجب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۶

بطلان آن می‌شود.

مسألهٔ ۱۶۴-- اگر می‌دانسته که ماندن در عرفات به عنوان بخشی از مناسک حج است، و باید با قصد قربت انجام شود، ولی در زمان وقوف از نیت آن غافل بوده، همین که قصد ارتکازی داشته، وقوف او صحیح است.

محل وقوف

مسألهٔ ۱۶۵-- شخص باید مطمئن باشد محلی را که وقوف کرده سرزمین عرفات است.

مسألهٔ ۱۶۶-- رفتن بالای «جبل الرحمه» «۱» هنگام

---

(۱)- جبل الرحمه نام کوهی است معروف در سرزمین عرفات.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۷

وقوف مکروه است، ولی قبل از زمان وقوف مانعی ندارد.

مسألهٔ ۱۶۷-- مسجد نمره خارج از عرفات است، لذا حاجی هنگام وقوف نمی‌تواند به آنجا برود.

مسألهٔ ۱۶۸-- حدود عرفات چنانچه مورد اطمینان یا تأیید اهل محل باشد معتبر است.

وقت وقوف

مسألهٔ ۱۶۹-- وقت وقوف در عرفات از ظهر روز نهم تا مغرب (وقت نماز مغرب) می‌باشد.

مسألهٔ ۱۷۰-- تأخیر وقوف در عرفات حتی به مقدار نماز ظهر و عصر جایز نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۸

مسألهٔ ۱۷۱-- وقوف در عرفات در تمام بعدازظهر (از ظهر تا مغرب) واجب است، اما تمام آن رکن نیست. بنابراین اگر تنها مقداری از این مدت را در عرفات بماند حج او صحیح است، هر چند در ترک عمدی بقیهٔ مدت گناه کرده است.

مسألهٔ ۱۷۲-- اگر قبل از مغرب عمداً از عرفات بیرون برود باید یک شتر کفاره بدهد. ولی اگر پشیمان شود و قبل از مغرب به عرفات برگردد کفاره واجب نیست، هر چند مطابق احتیاط است.

و حتی اگر بدون پشیمان شدن برای انجام کاری برگردد و تا مغرب بماند کفاره واجب نیست.

مسألهٔ ۱۷۳-- احتیاطاً کفارهٔ مذکور را در روز عید و در منی قربانی کند، اما در شرایط فعلی که قربانی در آنجا از بین می‌رود در شهر خود

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۲۹

قربانی کند و به مصرف فقرا برساند.

مسألهٔ ۱۷۴-- اگر نتواند یک شتر قربانی کند باید هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب این است که هیجده روز را پشت سر هم روزه بگیرد.

مسألهٔ ۱۷۵-- اگر جهلًا یا سهواً قبل از مغرب از عرفات خارج شد، هر وقت متوجه شد باید برگردد، و اگر برنگشت گناهکار است ولی کفاره ندارد، هر چند مطابق احتیاط است.

مسألهٔ ۱۷۶-- بیماران و ضعفا و همراهان آنها اگر کوچ بعد از غروب برایشان حرج و مشقت داشته باشد می‌توانند قبل از غروب از عرفات خارج شوند.

مسألهٔ ۱۷۷-- وقت اضطراری وقوف در عرفات شب عید قربان تا طلوع فجر است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۰

مسألهٔ ۱۷۸-- اگر به جهت عذری مثل فراموشی، تنگی وقت، ندانستن مسأله، بیماری، شدت گرما در وقت اختیاری حتی وقوف رکنی عرفات را درک نکرد، باید در وقت اضطراری در عرفات بماند، که در این صورت حج او صحیح است. و اگر بدون عذر وقوف اضطراری عرفات را هم درک نکرد، حج او باطل می‌شود.

کیفیت وقوف

مسألهٔ ۱۷۹-- وقوف رکنی عرفات مسمای وقوف است. به این معنا که بگویند مقداری در عرفات بوده است، حتی یک یا دو دقیقه، بنابراین اگر همین مقدار را بعدازظهر روز نهم در عرفات

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۱

باشد حج او صحیح است.

مسألهٔ ۱۸۰-- مراد از وقوف بودن در آن مکان است. خواه سواره باشد یا پیاده، نشسته باشد یا ایستاده یا در حال راه رفتن، خواب باشد یا بیدار.

ولی اگر در تمام مدت وقوف خواب یا بیهوش باشد وقوف او باطل است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۲

مستحبات وقوف در عرفات

مسألهٔ ۱۸۱-- در عرفات چند چیز مستحب است: ۱- نیت وقوف را به زبان بگوید، به این گونه: «از ظهر شرعی امروز تا مغرب برای انجام حج تمتع از حجةالاسلام در عرفات می‌مانم قربهٔ إلی اللّه» و اگر حج استحبابی یا نیابتی است آن را نیز ذکر کند، و در حج نیابتی اسم منوب‌عنه را نیز به زبان آورد. ۲- با طهارت بودن در حال وقوف. ۳- غسل کردن، و بهتر است که نزدیک ظهر باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۳

۴- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد، تا آنکه قلب او متوجه ذات اقدس الهی گردد. ۵- در زمین هموای که طرف چپ «جبل الرحمه» است وقوف کند، بطوری که اگر رو به قبله قرار گیرد جبل‌الرحمه سمت راست او قرار گیرد. و بالا رفتن از کوه مکروه است. ۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد. ۷- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علاـ متوجه ساخته، و حمد الهی و تهلیل و تمجید کرده، و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن صدمرتبه: «اللّهُ أكْبر» و صد مرتبه: سورهٔ «توحید» را بخواند، و آنچه خواهد دعا کند و از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۴

شیطان رجیم به خدا پناه ببرد، و این دعا را نیز بخواند: «اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَشَاعِرِ کُلِّها فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ أوْسِعْ عَلِیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ

وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَهِٔ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، اَللّهُمَّ لاتَمْكَرْ بِی وَلا تَخْدَعْنِی وَلا تَسْتَدْرِجْنِی یا أسْمَعَ السّامِعینَ وَ یا أبْصَرَ النّاظِرینَ وَ یا أسْرَعَ الْحاسِبینَ وَ یا أرْحَمَ الرّاحِمینَ أسْأَلُكَ أنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَ كَذا». و به جای «كذا و كذا» حاجات خود را نام ببرد. ۸- پس دستهای خود را به طرف آسمان

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۵

بردارد و بگوید: «اللّهُمَّ حاجَتِی إلَیْكَ الَّتِی إنْ أعْطَیْتَنِیها لَمْ یَضُرَّنی ما مَنَعْتَنِی وَ إنْ مَنَعْتَنِیها لَمْ یَنْفَعْنِی ما أعْطَیْتَنِی، أسْأَلُكَ خَلاصَ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ اللّهُمَّ إنِّی عَبْدُكَ وَ مِلْكُ ناصِیَتِی بِیَدِكَ وَ أجَلِی بِعِلْمِكَ، أسْألُكَ أنْ تُوَفِّقَنِی لِما یُرْضِیكَ عَنِّی وَ أنْ تُسَلِّمَ مِنِّی مَناسِكِیَ الَّتِی أرَیْتَها خَلِیلَكَ إبْراهِیمَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِ وَ دَلَلْتَ عَلَیْها نَبِیَّكَ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ رَضِیتَ عَمَلَهُ وَ أطَلْتَ عُمْرَهُ وَ أحْیَیْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ». ۹- این دعا را بخواند: «لا إلهَ إلَااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ، لَهُ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۶

الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی و یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِی تَقُولُ وَ خَیْراً مِمّا نَقُولُ وَ فَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ، اَللّهُمَّ لَكَ صَلاتِی وَ نُسُكِی وَ مَحْیایَ وَ مَماتِی وَ لَكَ تُراثِی (بَراءَتِی خ‌ل) وَ بِكَ حَوْلِی وَ مِنْكَ قُوَّتِی، اَللّهُمَّ إنِّی أعُوذُبِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ وَساوِسِ الصُّدُورِ وَ مِنْ شَتاتِ الْامْرِ و مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ، اَللّهُمَّ انِّی أسْألُكَ خَیْرَ الرِّیاحِ وَ أعُوذُبِكَ مِنْ شَرِّ ما یَجِیءُ بِهِ الرِّیاحُ وَ أسْأَلُكَ خَیْرَ اللَّیْلِ وَ خَیْرَ النَّهارِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ فِی قَلْبِی نُوراً و فی سَمْعِی وَ بَصَرِی نُوراً وَ فِی لَحْمِی وَ دَمِی وَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۷

عِظامِی وَ عُرُوقِی وَ مَقْعَدِی وَ مَقامِی وَ مَدْخَلِی وَ مَخْرَجِی نُوراً وَ أعْظِمْ لِی نُوراً یا رَبِّ یَوْمَ ألْقاكَ إنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ». ۱۰- در این روز تا می‌توانـد از خیرات و صـدقات کوتاهی نکند. ۱۱- رو به قبله باشـد، و این اذکار را بگویـد: «سُبْحانَ اللّهِ» صد مرتبه «اللّهُ أكْبَرُ» صد مرتبه «ماشاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إلّابِاللّهِ» صد مرتبه «أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّااللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ بِیَدِهِ الخَیْرُ وَ هُوَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ» صد مرتبه. ۱۲- پس از اول سورهٔ بقره ده آیه بخواند، و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۸

سه مرتبهٔ سورهٔ توحیـد، و آیهٔالکرسی را بخوانـد تا آخر، پس این آیات را بخواند: «إنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأرْضَ فِی سِتَّةِ أیّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأمْرِهِ ألا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأمْرُ تَبارَكَ اللّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً إنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ* وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأرْضِ بَعْدَ إصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إنَّ رَحْمَتَ اللّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ». ۱۳- پس سورهٔ «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سورهٔ «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ» را بخواند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۳۹

۱۴- نعمتهای الهی را یاد کند و خدا را حمد و سپاس گوید. و همچنین بر أهل و مال و سایر چیزهایی که حضـرت حق به او تفضل نموده حمد کند و بگوید: «أللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلی نَعْمائِكَ الَّتی لاتُحْصی بِعَدَدٍ وَلا تُكافَأُ بِعَمَلٍ». و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمـد شـده است خـدا را حمـد کنـد، و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیـح شده است خدا را تسبیح کند، و به آیاتی که در آنها تکبیر شده است خدا را تکبیر گوید. و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل کند، و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاهٔ والسلام زیاد صلوات بفرستد. و به هر اسمی از اسماء اللّه که در قرآن موجود است خدا را

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۰

بخوانـد، و به آنچه از اسـماء الهی که در یـاد دارد خـدا را ذکر کنـد، و به اسـماء الهی که در آخر سورهٔ حشـر موجود است خـدا را بخوانـد، و آنهـا عبارتنـد از: «اللّهُ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ الخالِقُ الْبارِیءُ الْمُصَوِّرُ». و این دعا را بخواند: «أسْأَلُكَ یا اللّهُ یا رَحْمنُ، بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَ أسْألُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ، وَ

بِجَمِیعِ مّا أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ، وَبِجَمْعِکَ وَ بِأَرْکانِکَ کُلِّها، وَ بِحَقِّ رَسُولِکَ صَلواتُ اللّهِ عَلَیْهِ وَآلِهِ،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۱

وَبِاسْمِکَ الْاَکْبَرِ الأَکْبَرِ، وَبِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حَقّاً عَلَیْکَ أنْ لا تُخَیِّبَهُ، وَ بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذی مَنْ دَعاکَ بِهِ کـانَ حَقّاً عَلَیْکَ أنْ لاتَرُدَّهُ، وَ أنْ تُعْطِیَهُ ماسَأَلَ، أنْ تَغْفِرَ لِی جَمِیعَ ذُنُوبِی فِی جَمِیعِ عِلْمِکَ فِیَّ». ۱۵- هر حاجتی که دارد بخواهد و از خداونـد سـبحانه و تعالی طلب کند که توفیق حج را در سال آینده و هر سال پیدا کند. ۱۶- هفتاد مرتبه بگوید: «أسْأَلُکَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أسْتَغْفِرُاللّهَ رَبِّی وَ أتُوبُ إلَیْهِ». ۱۷- پس این دعا را بخواند: «أللّهُمَّ فُکَّنِی مِنَ النَّارِ، وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۲

فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». ۱۸- نزدیـک غروب آفتـاب بگویـد: «اللّهُمَّ إنِّی أعُوذُبِـکَ مِنَ الفَقْرِ، وَ مِنْ تَشَتُّتِ الْأُمُورِ، وَ مِنْ شَرِّ ما یَحْدُثُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ، أمْسی ظُلْمِی مُسْـتَجِیراً بِعَفْوِکَ، وَ أمْسی خَوْفِی مُسْـتَجِیراً بِأمانِکَ، وَأمْسی ذُنُوبِی مُسْتَجِیرَةً بِمَغْفِرَتِکَ، وَأمْسی ذُلِّی مُسْـتَجِیراً بِعِزِّکَ، وَ أمْسی وَجْهِیَ الْفانِیَ الْبالِی مُسْتَجِیْراً بِوَجْهِکَ الباقِی، یاخَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ یا أجْوَدَ مَنْ أعْطی، جَلِّلْنِی بِرَحْمَتِکَ، وأَلْبِسْنِی عافِیَتَکَ، وَاصْرِفْ عَنِّی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۳

و بـدان که ادعیهٔ وارده در این روز شـریف بسـیار است، و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است. ۱۹- بسیار خوب است که در این روز دعای حضـرت سیدالشـهداء علیه السـلام و دعای حضـرت زین‌العابدین سـلام‌اللّه علیه را که در صـحیفه کامله اسـت خوانده شود. ۲۰- بعـد از غروب آفتاب بگویـد: «اللّهُمَّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِیهِ مِنْ قابِلٍ أبَداً ما أبْقَیْتَنِی، وَاقْلِبْنِیَ الْیَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِی، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِی، بِأفْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ الْیَوْمَ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ، وَ حُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ، وَاجْعَلْنِیَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۴

الْیَوْمَ مِنْ أکْرَمِ وَفْدِکَ عَلَیْکَ، وَأعْطِنِی أفْضَلَ ما أعْطَیْتَ أحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَیْرِ وَالْبَرَکَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَ بارِکْ لِی فِی ما أرْجِعُ إلَیْهِ مِنْ أهْلٍ أوْ مالٍ أوْ قَلِیلٍ أو کَثِیرٍ، وَ بارِکْ لَهُمْ فِیَّ». و بسیار بگوید: «أللّهُمَّ أعْتِقْنِی مِنَ النّارِ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۵

۳- وقوف در مشعرالحرام

اشاره

(مزدلفه)

مسألهٔ ۱۸۲-- بعد از مغرب و پایان وقوف در عرفات واجب است به مشعرالحرام که سرزمینی است معروف و در فاصلهٔ بین عرفات و منی قرار دارد و آن را «مزدلفه» نیز می گویند، کوچ کند.

مسألهٔ ۱۸۳-- بعـد از رسیدن به مشـعرالحرام به احتیاط واجب باید نیت ماندن در آنجا را تا طلوع فجر بکند. و این ماندن نیز عبادت است که باید با قصد قربت انجام گیرد. این ماندن واجب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۶

مستقلی غیر از وقوف در مشعرالحرام است.

مسألهٔ ۱۸۴-- اگر کسی وقوف در مشعر را عمداً و بدون عذر ترک کند حج او باطل است.

مسألهٔ ۱۸۵-- طهارت از حدث در وقوف مشعر نیز شرط نمی‌باشد، بنابراین حائض یا نفساء یا جنب می‌تواند در مشعر وقوف کند.

شرایط صحت وقوف

اشاره

درصحت وقوف رعایت این‌موارد لازم‌است: ۱- نیت. ۲- محل وقوف. ۳- وقت وقوف. ۴- کیفیت وقوف.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۷

نیت

مسألهٔ ۱۸۶-- این وقوف نیز مانند وقوف در عرفات از عبادات است، و باید با قصد قربت انجام شود، و ریا موجب بطلان آن است که موجب بطلان حج می‌شود.

مسألهٔ ۱۸۷-- اگر به جای نیت وقوف اختیاری نیت وقوف اضطراری یا بالعکس بکند، چنانچه در تطبیق مصداق اشتباه کرده، حج او صحیح است.

مسألهٔ ۱۸۸-- اگر می‌دانسته که ماندن در مشعر به عنوان بخشی از مناسک حج است، و باید با قصد قربت انجام شود، ولی در زمان وقوف از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۸

نیت آن غافل بوده، همین که قصد ارتکازی داشته، وقوف او صحیح است.

محل وقوف

مسألهٔ ۱۸۹-- شخص باید مطمئن باشد محلی را که وقوف کرده سرزمین مشعرالحرام است.

مسألهٔ ۱۹۰-- حدود مشعرالحرام نیز همانند حدود عرفات چنانچه مورد اطمینان و تصدیق اهالی محل باشد معتبر است.

مسألهٔ ۱۹۱-- اگر با اطمینان به مشعر بودن مکانی در آنجا وقوف کرد، و بعد از فوت وقتهای وقوف معلوم شد آنجا مشعر نبوده، احتیاطاً حج را تمام کند، و بعد عمرهٔ مفرده انجام دهد، و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۴۹

چنانچه حج بر او مستقر بوده یا در صورت بقای استطاعت سال بعد حج را اعاده کند.

وقت وقوف

مسألهٔ ۱۹۲-- واجب است از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعرالحرام وقوف کند. و این وقوف معروف و اختیاری مشعر می‌باشد.

مسألهٔ ۱۹۳-- وقوف در مشعرالحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب واجب است اما تمام آن رکن نیست.

مسألهٔ ۱۹۴-- زنها، بچه‌ها، بیماران، افراد ضعیف، سالمندان و افرادی که آنها را مراقبت و پرستاری و راهنمایی می‌کنند می‌توانند بعد از نصف شب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۵۰

از مشعر خارج شوند.

مسألهٔ ۱۹۵-- برای افراد مذکور وقوف بین الطلوعین لازم نیست، بلکه ماندن تا نصف شب در مشعر به عنوان وقوف آنها مجزی و صحیح است. بلی همراهان معذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شده در صورت امکان لازم است برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

مسألهٔ ۱۹۶-- وقوف اضطراری شبانهٔ مشعر برای معذورین مسألهٔ قبل، حکم وقوف اختیاری مشعر را دارد.

مسألهٔ ۱۹۷-- خارج شدن از مشعر قبل از طلوع فجر جایز نیست. و اگر عمداً و بدون عذر بیرون برود و نتواند تا طلوع آفتاب برگردد، چنانچه وقوف عرفات را درک کرده باشد باید حج را تمام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۵۱

کند، و یک گوسفند کفاره بدهد، و بنابر اقوی سال بعد نیز حج را اعاده کند.

مسألهٔ ۱۹۸-- اگر فردی به غیر عمد وقوف بین الطلوعین را درک نکرد، و از معذورین هم نبود که وقوف اضطراری شب برای او کفایت کند، می‌تواند از طلوع آفتاب روز عید تا ظهر مقداری در مشعر وقوف کند، و حج او صحیح است.

مسألهٔ ۱۹۹-- از آنچه گذشت معلوم می‌شود که وقوف در مشعر سه وقت دارد:

۱-- وقوف اختیاری: یعنی بین الطلوعین برای غیر معذورین.

۲-- وقوف اضطراری شبانه: یعنی شب عید برای معذورینی که در مسألهٔ ۸۰۰ گذشت.

۳-- وقوف اضطراری روزانه: یعنی از طلوع

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۵۲

آفتاب تا ظهر روز عید برای کسانی که دو وقوف قبل را درک نکرده باشند.

مسألهٔ ۲۰۰-- معذورین در مسألهٔ ۸۰۰ باید خودشان به معذور بودنشان اطمینان پیدا کنند، و گفتهٔ مدیر کاروان یا افراد دیگر مادامی که موجب اطمینان نشود کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۰۱-- عوامل خدماتی که ناچارند شب عید برای آماده کردن چادرهای منی و تهیه تدارکات از مشعر خارج شوند، اگر نمی‌توانند برای وقوف اختیاری به مشعر برگردند، پس از وقوف اضطراری شبانه می‌توانند از مشعر خارج شوند، و حج آنها صحیح است.

مسألهٔ ۲۰۲-- در فرض سابق اگر این افراد به قصد بازگشت، از مشعر خارج شوند و دیگر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۵۳

نتوانند به مشعر برگردند، اگر شب عید نیت وقوف کرده باشند حج آنها صحیح است، والا باید وقوف اضطراری روزانه را درک کنند. وگرنه حج آنها باطل است.

کیفیت وقوف

مسألهٔ ۲۰۳-- همانگونه که در احکام وقوف به عرفات گذشت، مراد از وقوف، بودن در آن مکان است خواه سواره باشد یا پیاده،

نشسته باشد یا ایستاده یا در حال راه رفتن. خواب باشد یا بیدار ولی اگر تمام مدت وقوف را خواب یا بیهوش باشد وقوف و حجش باطل است.

مسألهٔ ۲۰۴-- وقوف رکنی مشعر مانند وقوف در

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۵۴

عرفات مسمای وقوف است، به این معنا که مقداری از زمان وقوف را- حتی اگر یک یا دو دقیقه باشد- در مشعر بماند. و در این صورت حج او صحیح است. هر چند در ترك عمدی بقیهٔ زمان وقوف گناهكار است.

وقوفهای اختیاری و اضطراری

مسألهٔ ۲۰۵-- با توجه به اینکه برای عرفات و مشعر وقوف اختیاری و اضطراری وجود دارد، و درك هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری، یا عدم درك آنها از جهت صحت و بطلان احکام مختلفی دارد، لذا فهرست‌وار اقسام آن را ذکر می کنیم:

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۵۵

۱-- اگر وقوف در عرفات و وقوف در مشعر بطور کلی ترك شود، حج باطل است؛ خواه از روی علم باشد یا جهل، بدون عذر ترك شده باشد یا از روی عذر.

۲-- اگر از روی علم عمداً و بدون عذر وقوف اختیاری عرفات را ترك كند، حج او باطل است.

۳-- بجز معذورینی که در مسألهٔ ۸۰۰ ذکر شد، اگر کسی وقوف اختیاری مشعر را از روی علم عمداً و بدون عذر ترك كند، حج او باطل است.

۴-- اگر وقوف اختیاری عرفات و مشعر از روی عذر ترك شود، و اضطراری عرفات و مشعر را درك كند، بعید نیست که حج او صحیح باشد، هر چند احتیاط در این است که اگر شرایط

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۵۶

استطاعت باقی بود، سال بعد حج را اعاده کند.

۵-- اگر وقوف در عرفات از روی عذر درك نشود، چنانچه اختیاری مشعر را درك كند حج او صحیح است، والا حج او باطل است. مگر برای معذورین مسألهٔ ۸۰۰.

۶-- اگر وقوفهای مشعر را از روی عذر درك نکند چنانچه وقوف اختیاری عرفات را درك کرده باشد، حج او اشکال دارد، و به احتیاط واجب باید این حج را تمام کرده و سال بعد اعاده کند. و اگر وقوف اضطراری عرفات را درك کرده باشد، حج او باطل است.

۷-- اگر وقوف اختیاری عرفات را درك كرد ولی از درك وقوف اختیاری مشعر معذور بود، و یکی از وقوفهای شبانه یا روزانه مشعر را درك

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۵۷

كرد، حج او صحیح است.

مسألهٔ ۲۰۶-- کسی که حج او به جهت ترك وقوفین باطل شود در احرام باقی است، و باید برای خروج از احرام عمرهٔ مفرده انجام دهد.

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۵۸

مستحبات وقوف در مشعر

مسألة ۲۰۷-- مستحبات وقوف در مشعر چند چیز است: ۱- با دلی آرام از عرفات بسوی مشعرالحرام متوجه شده و استغفار کند. ۲- همین‌که بـه تـلّ سـرخ که سـمت راست جـاده است رسـید، بگویـد: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوَقُّفِی، وَ زِدْهُ فِی عَمَلِی، وَ سَلِّمْ لِی دِینِی، وَ تَقَبَّلْ مَناسِکِی». ۳- در راه رفتن میانه رو باشد، و از مزاحمت دیگران بپرهیزد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۵۹

۴- مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر انـدازد اگر چه ثلث شب نیز بگـذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کنـد، و نوافل مغرب را بعـد از نماز عشا بجا آورد. و چنانچه از رسـیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسـید، باید نماز مغرب و عشا را به‌تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند. ۵- مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت إلهی بسر برد. ۶- این دعا را بخوانـد: «اللَّهُمَّ هٰذِهِ جُمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْمَعَ لِی فِیها جَوامِعَ الْخَیْرِ، اللَّهُمَّ لاتُؤْیِسْنِی مِنَ الْخَیْرِ الَّذِیْ سَأَلْتُکَ أَنْ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۰

تَجْمَعَهُ لِیْ فِی قَلْبِی، وَأَطْلُبُ إِلَیْکَ أَنْ تُعَرِّفَنِی ماعَرَّفْتَ أَوْلِیاءَکَ فِی مَنْزِلِی هٰذا، وَ أَنْ تَقِیَنِی جَوامِعَ الشَّرِّ». ۷- مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمـد و ثنای إلهی را بجا آورد، و بهر مقـداری که میسور باشـد از نعم و تفضـلات حضـرت حق یاد کنـد، و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آنگاه دعا کند. ۸- این دعا را نیز بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ، فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ‌النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ، وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَیْرُ مَطْلُوبٍ إِلَیْهِ، وَ خَیْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَیْرُ مَسْؤولٍ، وَ لِکُلِّ وافِدٍ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۱

جائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جائِزَتِی فِی مَوْطِنِی هٰذا، أَنْ تُقِیلَنِی عَثْرَتِی، وَ تَقْبَلَ مَعْذِرَتِی، وَ أَنْ تُجاوِزَ عَنْ خَطِیئَتِی، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوىٰ مِنَ الدُّنیا زادِی».

۹- مستحب است ریگهـایی را که برای رمی جمرات در منیٰ لازم دارد از مشـعر بردارد. و حـدوداً بیش از هفتاد ریگ بردارد. ۱۰- مستحب است وقتی‌که به وادی محسِّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد، و بگوید: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لی عَهْدِی، وَاقْبَلْ تَوبَتِی، وَأَجِبْ دَعْوَتِی، وَاخْلُفْنِی فِیْ مَنْ تَرَکْتُ بَعْدِی».

مسألة ۲۰۸-- مستحب است کمی قبل از طلوع

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۲

آفتاب از مشعرالحرام به سوی منی حرکت کند، به گونه‌ای که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسِّر «۱» نشود. ولی اگر وارد وادی محسّر شد اشکالی ندارد. و اگر از آن تجاوز کرد و وارد منی شد گناهکار است، ولی کفاره ندارد.

اعمال روز عید در منی

مسألة ۲۰۹-- محرم بعد از وقوف در مشعر، در روز عید قربان باید وارد منی شود، و واجبات روز

---

(۱)- وادی محسّر بیابانی است با وسعت کم بین مشعر و منی، که حدود آن طبق تأیید اهل محل علامت‌گذاری شده است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۳

عید در منی را که شامل موارد زیر است بنابر احتیاط واجب به ترتیب انجام دهد: ۱- رمی جمره عقبه. ۲- قربانی. ۳- حلق یا تقصیر.

مسألهٔ ۲۱۰-- اگر از روی جهل یا غفلت و سهو این ترتیب رعایت نشود، اعاده لازم نیست، ولی اگر از روی علم و عمد ترک شود باید اعمال به ترتیب اعاده شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۴

۴- رمی جمره عقبه

اشاره

مسألهٔ ۲۱۱-- اولین عمل واجب محرم در روز عید در منی سنگ زدن به ستونی است که از سنگ ساخته شده، و به جمره عقبه معروف است.

مسألهٔ ۲۱۲-- موالات در رمی معتبر نیست، لذا فاصلهٔ زمانی بین هفت سنگ، یا بین جمرات سه گانه مضرّ به رمی نیست.

مسألهٔ ۲۱۳-- هنگام سنگ زدن طهارت از حدث یا خبث شرط نیست، همچنین که خود سنگها

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۵

لازم نیست پاک باشد.

مسألهٔ ۲۱۴-- بنابر احتیاط واجب سنگ زدن به قسمت سیمانی جمرهٔ عقبه که قبلًا دیوار بود، کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۱۵-- رمی در طبقهٔ دوم مانعی ندارد.

مسألهٔ ۲۱۶-- شخص می‌تواند قبل از رمی خود برای دیگری رمی کند.

مسألهٔ ۲۱۷-- اگر کسی از اصل رمی جمره و رفت و آمد تا محل رمی معذور باشد باید نایب بگیرد.

اما اگر در اصل رمی معذور است ولی می‌تواند به محل رمی برود یا می‌توانند او را ببرند، احتیاط این است که او را به محل رمی ببرند، بعد نایب رمی را در منظر او انجام دهد.

مسألهٔ ۲۱۸-- کسی که قدرت رمی ندارد می‌تواند

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۶

برای رمی جمرات نایب بگیرد، و احتیاط واجب آن است که تا خود فرد کاملًا از انجام عمل مأیوس نشده، نایب انجام ندهد، و در صورت یأس از رفع عذر واجب است نایب بگیرد.

مسألهٔ ۲۱۹-- اگر اطرافیان بدانند که فرد مأیوس از رفع عذر است لازم نیست از او اجازه بگیرند، هر چند اجازه گرفتن مطابق احتیاط است، و اگر نتواند اجازه بدهد- مثلًا بیهوش باشد- اجازهٔ او معتبر نیست.

مسألهٔ ۲۲۰-- منظور از نتوانستن، ناتوانی در تمام طول روز است، بنابراین اگر در اوّل روز و ازدحام نتواند رمی کند، اما بعدازظهر و زمان خلوت شدن توانایی داشته باشد، نمی‌تواند نایب بگیرد.

مسألهٔ ۲۲۱-- کسی که از رمی در روز معذور است

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۷

ولی در شب قدرت رمی دارد، باید شب رمی کند، و نمی‌تواند نایب بگیرد.

مسألهٔ ۲۲۲-- بعد از اینکه نایب سنگ زد، اگر خودش توانایی سنگ زدن پیدا کرد، لازم نیست اعاده کند.

مسألهٔ ۲۲۳-- اگر شک کند که سنگها را به نحو صحیح زده است یا خیر، به آن اعتنا نکند.

مسألهٔ ۲۲۴-- اگر یکی از جمرات را به خیال اینکه جمرهٔ عقبه است رمی کند و روز بعد متوجه اشتباه خود شود، باید جمرهٔ عقبه را

به نیت قضا رمی کند.

مسألهٔ ۲۲۵-- اگر رمی روز عیـد را فراموش کرد و تا روز سیزدهم متـذکر شد، واجب است قضای آن را قبل از رمی آن روز انجام دهد، و اگر تا روز

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۸

سیزدهم متذکر نشد، سال دیگر در این سه روز خودش یا نایبش سنگ بزنند.

شرایط صحت رمی

اشاره

درصحت رمی رعایت این‌موارد لازم‌است: ۱- نیت. ۲- وقت رمی. ۳- شرایط سنگی که با آن رمی می‌شود. ۴- پرتاب سنگ با دست و بدون واسطه. ۵- هفت سنگ به ترتیب و یکی یکی زدن.

نیت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۶۹

مسألهٔ ۲۲۶-- رمی جمره از عبادات است و باید با قصد قربت انجام شود، و ریا موجب بطلان آن است.

وقت رمی

مسألهٔ ۲۲۷-- وقت سنگ زدن به جمره از طلوع آفتاب روز عید قربان است تا غروب آفتاب.

مسألهٔ ۲۲۸-- زنها، بیماران، سالمندان می‌توانند در شب عید سنگ بزنند، اگرچه از رمی در روز عید معذور نباشند.

مسألهٔ ۲۲۹-- زنی که حج نیابتی نیز انجام می‌دهد همین حکم را دارد.

مسألهٔ ۲۳۰-- این حکم اختصاص به رمی روز

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۰

عید دارد. ولی در روزهای بعد به شرط اینکه در روز معذور باشند می‌توانند شب رمی کنند.

مسألهٔ ۲۳۱-- حکم سابق شامل همراهان ضعفا و بیماران، و راهنماها نمی‌شود. بلکه همراهان آنها بایـد طبق وظیفهٔ خودشان عمل کنند، یعنی در روز عید رمی کنند.

مسألهٔ ۲۳۲-- نایب نیز بایـد در روز رمی کند، و رمی در شب کفایت نمی‌کند. حتی اگر نایب زن باشد و فقط بخواهد از طرف زن دیگری شب عید جمرهٔ عقبه را رمی کند.

شرایط سنگی که با آن رمی می‌شود

مسألهٔ ۲۳۳-- شرایط سنگی که با آن رمی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۱

می‌شود عبارت است از:

۱-- به آن ریگ گفته شود. یعنی سنگی باشد نه خیلی ریز مثل شن، و نه خیلی درشت مثل قلوه سنگ، بنابراین ریگ حدوداً باید به اندازه یک بند انگشت باشد.

۲-- از حرم باشد، و ریگ خارج از حرم کفایت نمی‌کند.

۳-- بکر باشد، و هیچ کس قبلًا با آن رمی نکرده باشد.

۴-- غصبی نباشد، پس اگر از زمین غیر یا از ریگهایی که دیگری برای خودش جمع کرده بدون اجازه و رضایت وی باشد، کافی نیست.

مسألهٔ ۲۳۴-- اگر شک کند که چیزی را که می‌خواهد بزند سنگ است یا چیز دیگر،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۲

نمی‌تواند به آن اکتفا کند، و باید چیزی را بزند که بداند سنگ است.

مسألهٔ ۲۳۵-- سنگی را که از حرم برداشته اگر شک کند که از خارج حرم آورده‌اند یا خیر، به آن اعتنا نکند.

مسألهٔ ۲۳۶-- مستحب است سنگها از مشعرالحرام جمع‌آوری شود.

مسألهٔ ۲۳۷-- اگر شک کند که سنگ بکر است یا خیر، می‌تواند با آن رمی کند.

پرتاب سنگ با دست و بدون واسطه

مسألهٔ ۲۳۸-- سنگ را باید با دست پرتاب کند، و اگر آن را روی جمره بگذارد صحیح نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۳

مسألهٔ ۲۳۹-- سنگ باید به سبب پرتاب او به جمره برسد، و اگر به واسطهٔ سنگ دیگری در بین راه بر سرعت و شتاب آن افزوده شود و به جمره اصابت کند کافی نیست.

مسألهٔ ۲۴۰-- اگر سنگ پرتاب شده به چیزی برخورد کند و کمانه کند، و با همان فشار پرتاب اولیه به جمره بخورد کفایت می‌کند.

مسألهٔ ۲۴۱-- اگر سنگی را پرتاب کرد ولی به جمره اصابت نکرد، باید دومرتبه پرتاب کند تا به جمره اصابت کند.

هفت سنگ به ترتیب و یکی یکی زدن

مسألهٔ ۲۴۲-- باید مطمئن شود که هفت سنگ به

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۴

جمره اصابت کرده است، و ظن و گمان در آن اعتبار ندارد.

مسألهٔ ۲۴۳-- اگر از ابتدا قصد داشته باشد که بیش از هفت سنگ بزند صحیح نیست، و باید اعاده کند، اما اگر قصد داشته باشد که هفت سنگ بزند، اما در اثر اشتباه یا احتیاط بیشتر بزند مانعی ندارد.

مسألهٔ ۲۴۴-- اگر در تعداد سنگها شک کند، باید آنقدر بزند که مطمئن شود هفت سنگ به جمره اصابت کرده است.

مسألهٔ ۲۴۵-- اگر بعد از تمام شدن رمی در تعداد سنگها شک کند که کمتر از هفت سنگ زده، باید برگردد و جبران کند، ولی اگر بعد از قربانی یا حلق و تقصیر شک کند، به آن اعتنا نکند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۵

مسألهٔ ۲۴۶-- باید سنگها را یکی یکی پرتاب کند.

و اگر چند سنگ را با هم پرتاب کند یک سنگ محسوب می‌شود، اگرچه سنگها به چند جای جمره بخورد، یا حتی اگر پشت سر هم به جمره برسد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۶

مستحبات رمی جمرات

مسألهٔ ۲۴۷-- در رمی جمرات چند چیز مستحب است: ۱- با طهارت بودن در حال رمی. ۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آمادهٔ رمی است این دعا را بخوانـد: «اللَّهُمَّ هـذِهِ حَصَـيَاتِی فَأَحْصِـهِنَّ لِی، وَارْفَعْهُنَّ فِی عَمَلِی». ۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید. ۴- هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۷

«اللّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عنِّی الشَّيْطـانَ، اللَّهُمَّ تَصْـدِيقاً بِكِتابِـكَ، وَ عَلىٰ سُـنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی حَجّاً مَبْرُوراً، وَ عَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَـعْياً مَشْـكُوراً، وَ ذَنْباً مَغْفُوراً». ۵- میـان او و جمره در جمرهٔ عقبه ده یـا پـانزده ذراع فاصـله باشـد، و در جمرهٔ اولی و وسـطی کنـار جمره بایستد. ۶- جمرهٔ عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی کند، و جمرهٔ اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی کند. ۷- ریگ را بر انگشت ابهام گذارده، و با ناخن انگشت شهادت بیندازد. ۸- پس از برگشتن بجای خود در منی، این

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۸

دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُ، وَنِعْمَ المَوْلىٰ، ونِعْمَ النَّصِيرُ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۷۹

۵- قربانی

اشاره

مسألهٔ ۲۴۸-- بر کسی که حج تمتع انجام می‌دهد واجب است بعد از رمی جمرهٔ عقبه قربانی کند، اگر چه حج او مستحبی باشد.

مسألهٔ ۲۴۹-- چنـد نفر نمی‌تواننـد مشترکاً یک قربانی ذبـح کنند. بلی بعید نیست در صورت ضـرورت کفایت کند. در این صورت احتیاط مستحب است که علاوه بر قربانی هر کدام روزه هم بگیرند.

مسألهٔ ۲۵۰-- گر حیوان قربانی یافت نشود، قیمت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۰

آن را پیش شخص امینی بگذارد تا در بقیهٔ ذی الحجه و اگر نشد در سال بعد حیوان را خریده و در منی ذبح کند.

مسألهٔ ۲۵۱-- اگر عمـداً قربانی نکنـد و اعمال بعـد را انجام دهـد، ظاهراً از احرام خارج نشده و لازم است محرمات احرام را رعایت کند. و باید در روزهای تشریق ذبح کند، و اگر نشد تا آخر ماه ذی حجه ذبح کند. والّا صـحت حج او محل اشـكال است، و باید با

عمرهٔ مفرده از احرام خارج شود.

مسألهٔ ۲۵۲-- مستحب است که قربانی را سه قسمت کنند. یک قسمت آن را هدیه بدهند، و یک قسمت آن را به فقیر مؤمن صدقه بدهند، و قسمتی از آن را هم خود مصرف کنند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۱

مسألهٔ ۲۵۳-- همانطور که در شرایط لباس احرام گذشت. لباس احرام باید پاک باشد و محرم قبل از حلق یا تقصیر باید لباس خود را پاک نگهدارد، لذا اگر در کشتارگاه لباس احرام خون‌آلود شد، باید در صورت امکان تطهیر یا تعویض شود.

ولی اگر نشد ضرری به حج او نمی‌زند.

مسألهٔ ۲۵۴-- تمام شرایط ذبح شرعی حیوانات که در توضیح‌المسائل بیان شده است، مثل رو به قبله بودن و ... در قربانی معتبر است و باید رعایت شود، و اگر رعایت نشود قربانی حرام شده و کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۵۵-- ذبح با کارد استیل صحیح است و اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۲۵۶-- ذبح با چاقو و کاردی که لبهٔ آن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۲

مانند ارّه دندانه دارد، چنانچه عرفاً صدق چاقو یا کارد کند، اشکال ندارد. بلی اگر ذبح با آن موجب اذیت حیوان شود، کراهت دارد.

مسألهٔ ۲۵۷-- اگر بعد از قربانی شک کرد که آیا قربانی دارای شرایط لازم بود یا خیر به شک خود اعتنا نکند.

شرایط صحت قربانی

اشاره

درصحت قربانی رعایت این‌موارد لازم‌است: ۱- نیت. ۲- وقت قربانی. ۳- محل قربانی. ۴- شرایط حیوان قربانی.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۳

نیت

مسألهٔ ۲۵۸-- ذبح از عبادات است و باید با قصد اطاعت امر الهی انجام شود، و ریا مبطل آن است.

وقت قربانی

مسألهٔ ۲۵۹-- به احتیاط واجب باید در روز عید قربانی کند و تأخیر جایز نیست. و اگر به هر دلیل تأخیر شد در روزهای بعد در ایام تشریق، و اگر نشد تا آخر ذی‌الحجه قربانی کند. و قربانی در شب کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۶۰-- بنابر اقوی قربانی باید بعد از رمی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۴

جمرهٔ عقبه انجام شود.

مسألهٔ ۲۶۱-- اگر محرم اشتباهاً قربانی را قبل از سنگ زدن انجام دهد صحیح است، و لازم نیست اعاده کند.

محل قربانی

مسألهٔ ۲۶۲-- محل انجام قربانی در منی است، و قربانی در کشتارگاههای فعلی کفایت می‌کند.

شرایط حیوان قربانی

اشاره

مسألهٔ ۲۶۳-- در حیوان قربانی باید شرایط زیر مراعات شود: ۱- نوع حیوان.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۵

۲- سن حیوان. ۳- سالم بودن حیوان. ۴- ناقص نبودن حیوان. ۵- پیر نبودن حیوان. ۶- لاغر نبودن حیوان.

نوع حیوان

مسألهٔ ۲۶۴-- قربانی باید یکی از حیوانات زیر باشد: ۱- شتر. ۲- گاو. ۳- گوسفند. و غیر از این سه حیوان، حیوان دیگری

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۶

کفایت نمی‌کند. و گاومیش که نوعی گاو است کفایت می‌کند، ولی کراهت دارد.

سن حیوان

مسألهٔ ۲۶۵-- سن شتر باید بیش از پنج سال باشد، و سن گاو باید بیش از یک سال باشد، هر چند بهتر است کمتر از دو سال نباشد، سن بز هم مثل گاو است. و سن میش به احتیاط مستحب کمتر از یکسال نباشد.

مسألهٔ ۲۶۶-- اگر بعد از انجام قربانی متوجه شود که سن حیوان به حد لازم نرسیده، باید قربانی دیگری ذبح کند.

سالم بودن حیوان

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۸۷

مسألهٔ ۲۶۷-- بنابر احتیاط واجب حیوان مریض کفایت نمی‌کند، لذا اگر حیوانی بیماری کچلی یا بیماریهای دیگر داشته باشد کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۶۸-- اگر حیوانی را ذبح کرد و بعداً معلوم شد سالم نبوده، کفایت نمی‌کند، و باید قربانی سالم ذبح کند.

ناقص نبودن حیوان

مسألهٔ ۲۶۹-- اگر حیوانی کور، لنگ، گوش بریده، دم بریده، شاخ شکسته، تخم تابیده، تخم کشیده یا تخم کوبیده باشد کفایت

نمی‌کند. حتی اگر این نواقص در اصل خلقت همراه او باشد.

مسألهٔ ۲۷۰-- اگر گوش حیوان شکاف داشته باشد

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۸۸

یا سوراخ باشد اشکال ندارد، و همچنین اگر شاخ خارجی آن شکسته یا بریده باشد، ولی شاخ داخلی باقی باشد، کفایت می‌کند.

مسألهٔ ۲۷۱-- اگر فقط حیوان خصـی «۱» یـافت شود و حیوان سالم پیـدا نشود، به احتیاط واجب همان را ذبـح کنـد و به همان اکتفا کند. هر چند بهتر است یک قربانی سالم نیز در بقیهٔ ذی‌الحجه، و اگر نشد در سال آینده ذبح کند.

مسألهٔ ۲۷۲-- اگر حیوانی را ذبح کرد و بعداً معلوم شد ناقص بوده، کفایت نمی‌کند، و باید قربانی تام الاجزاء ذبح کند.

---

(۱)- حیوان خصی یعنی حیوانی که تخم تابیده، تخم کشیده یا تخم کوبیده باشد.

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۸۹

مسألهٔ ۲۷۳-- اگر معتقـد بود که حیوانی نـاقص است، و از جهت جهـل به مسأله ولی برای اطاعت امر خـدای سـبحان آن را قربانی کرد، و بعد معلوم شود تام الاجزاء والشرائط بوده، صحیح و کافی است.

پیر نبودن حیوان

مسألهٔ ۲۷۴-- به احتیاط واجب حیوان نباید خیلی پیر باشد.

لاغر نبودن حیوان

مسألهٔ ۲۷۵-- مراد از لاغر نبودن این است که گردهٔ حیوان پیه داشته باشد، و احتیاط آن است

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۹۰

که عرف آن را لاغر نداند.

مسألهٔ ۲۷۶-- اگر به گمان اینکه حیوانی لاغر نیست آن را ذبح کرد و بعد معلوم شد لاغر بوده، کفایت می‌کند.

مسألهٔ ۲۷۷-- اگر حیوانی را برای اطاعت امر خـدا رجاءاً ذبـح کنـد و بعـد معلوم شـد که لاغر نبوده، کفایت می‌کند، اگرچه قبل از ذبح فکر می‌کرده لاغر است یا توجهی به آن نداشته.

مسألهٔ ۲۷۸-- قبل از ذبـح لازم است در مورد سن قربانی یا مؤمن بودن ذابح تحقیق کند، اما تحقیق در مورد ناقص یا بیمار بودن آن لازم نیست، هر چند در صورت احتمال نقص یا مرض تحقیق مطابق احتیاط است.

وکالت در قربانی

مناسك حج (فاضل)، ص: ۳۹۱

مسألهٔ ۲۷۹-- محرم می‌تواند در قربانی به دیگری وکالت دهد تا قربانی او را انجام دهد، حتی اگر خودش توانایی داشته باشد. و در این فرض وکیل باید نیت کند، و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.

مسألهٔ ۲۸۰-- کسـی که حـج نیابی بجا می‌آورد می‌تواند برای قربانی به فرد دیگری وکالت بدهد. و در این فرض ذابح و نایب باید نیت قربانی حج منوب عنه را بکنند.

مسألهٔ ۲۸۱-- بدون اخذ وکالت نمی‌توان قربانی دیگری را ذبح کرد. اگرچه بداند او راضـی است؛ بنابراین اگر کسـی برای دوست

یا همسر خود که حتی مخارج حج او را عهده‌دار است، بدون اینکه از آنها وکالت بگیرد قربانی کند، کفایت نمی‌کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۲

اگرچه مطمئن است وقتی به او بگوید خوشحال می‌شود.

مسألهٔ ۲۸۲-- احتیاط واجب آن است که وکیل مؤمن باشد، اما ذابح که فقط مأمور کشتن حیوان است لازم نیست مؤمن باشد، و در این صورت اگر خود فرد یا وکیل مؤمن نیت قربانی و قصد قربت را بکند، و او فقط حیوان را ذبح کند، صحیح و مجزی است.

مسألهٔ ۲۸۳-- اگر دو یا چند نفر فردی را وکیل کنند تا برای آنها گوسفند بخرد و قربانی کند، آن فرد باید معین کند که هر گوسفند را برای چه کسی قربانی می‌کند. و اگر جداگانه هر یک را مشخص نکند کفایت نمی‌کند و مجزی نیست.

مسألهٔ ۲۸۴-- در فرض سابق لازم نیست در

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۳

موقع خرید هم هر گوسفند را با پول یک فرد مشخص بخرد، بلکه می‌تواند تمام پولها را روی هم گذاشته و با پول مشترک چند گوسفند بخرد، و هر گوسفند را برای یک نفر ذبح کند.

مسألهٔ ۲۸۵-- کسی که از طرف حجاج وکیل در قربانی شده اگر شک کند که از طرف فلان شخص قربانی کرده یا خیر، باید بنا را بگذارد که قربانی نکرده است.

مسألهٔ ۲۸۶-- وکالت دهنده باید علم یا اطمینان پیدا کند که وکیل قربانی را ذبح کرده، اگرچه به او خبر ندهد، و صرف گمان کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۸۷-- اگر به دیگری وکالت داد و بعد شک کرد که آیا وکیل قربانی را صحیح انجام داده یا خیر، به شک خود اعتنا نکند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۴

مسألهٔ ۲۸۸-- اگر نایب قربانی را فراموش کند، حج منوب عنه صحیح است. ولی باید قربانی را در همان سال تا آخر ذی‌الحجه، و اگر نشد سال آینده در منی انجام دهد.

مسألهٔ ۲۸۹-- اگر وکیل شرایط قربانی را رعایت نکرد یا او را به صورت صحیح نکشت ضامن است، حتی اگر برای وکالت اجرت نگرفته باشد.

مسألهٔ ۲۹۰-- وکیل در قربانی نمی‌تواند به فرد دیگری وکالت بدهد، مگر اینکه از موکل خود اجازه گرفته باشد.

مسألهٔ ۲۹۱-- وکیل می‌تواند قبل از حلق یا تقصیر، قربانی دیگری را ذبح کند، و همچنین می‌تواند قبل از ذبح قربانی خود، قربانی دیگری را ذبح کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۵

بدل قربانی

مسألهٔ ۲۹۲-- اگر نتواند قربانی ذبح کند باید به جای آن به ترتیب زیر ده روز روزه بگیرد: الف- سه روز در حج. ب- هفت روز بعد از مراجعت از حج.

مسألهٔ ۲۹۳-- عدم تمکن از قربانی به این است که قربانی یا پول آن را نداشته باشد، و چیزی هم نداشته باشد که با فروش آن بتواند قربانی تهیه کند، و امکان قرض گرفتن هم نداشته باشد، یا تمکن از ادای قرض نداشته باشد.

مسألهٔ ۲۹۴-- فروش لباس و اسباب و لوازم سفر برای تهیهٔ قربانی لازم نیست، همانطور که کسب

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۶

و کار برای تهیهٔ آن واجب نیست، ولی اگر بدین وسیله قربانی تهیه کرد، کفایت می کند.

مسألهٔ ۲۹۵-- سه روز روزه را باید هفتم، هشتم و نهم ذی الحجه بعد از احرام عمره پی در پی بگیرد، و لازم نیست قصد اقامت کند، بلکه اگر مسافر هم باشد می‌تواند بگیرد.

مسألهٔ ۲۹۶-- اگر بعد از سه روز روزه گرفتن تمکن از قربانی پیدا کرد لازم نیست قربانی کند، و همان روزه کفایت می کند.

مسألهٔ ۲۹۷-- هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج در وطن خود یا شهرستان دیگر پی در پی روزه بگیرد، و نمی‌تواند این هفت روز را در مکه یا هنگام مراجعت از سفر بگیرد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۷

مستحبات قربانی

مسألهٔ ۲۹۸-- مستحبات قربانی چند چیز است: ۱- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو، و در صورت نبودن آن گوسفند باشد. ۲- قربانی بسیار فربه باشد. ۳- در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده، و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد. ۴- شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند، و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۸

ذابح در طرف راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند: «وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ مٰا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ، إِنَّ صَلٰاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیٰایَ وَ مَمٰاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ، لٰا شَرِیکَ لَهُ، وَ بِذٰلِکَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ، اللَّهُمَّ مِنْکَ وَ لَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ أَکْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی». ۵- خود حاجی قربانی را بکشد، و اگر نتواند دست خود را روی دست ذابح بگذارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۳۹۹

۶- حلق یا تقصیر

اشاره

مسألهٔ ۲۹۹-- بعد از قربانی محرم باید حلق یا تقصیر کند. یعنی یا سر خود را بتراشد، یا مقداری از موی سر و صورت خود را کوتاه کند، اگر چه تراشیدن سر افضل است.

مسألهٔ ۳۰۰-- زنها نمی‌توانند سر خود را بتراشند، بلکه باید مقداری از موی خود را کوتاه کنند، و همینطور است حکم خنثی.

مسألهٔ ۳۰۱-- کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده است یا به هم بافته است، یا به وسیله‌ای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۰

به هم چسبانده است، باید سر خود را بتراشد.

مسألهٔ ۳۰۲-- کسی که سال اول حج او است مخیر است که سر خود را بتراشد، یا مقداری از موی خود را کوتاه کند، هر چند احتیاط مستحب در تراشیدن سر است.

مسألهٔ ۳۰۳-- کوتاه کردن موی سر و صورت با هر وسیله‌ای که باشد کفایت می‌کند، اما تراشیدن ریش یا کوتاه کردن موی زیر بغل و عانه کفایت نمی‌کند. و احتیاط مستحب است که به گرفتن ناخن اکتفا نکند.

مسألهٔ ۳۰۴-- کسی که وظیفهٔ او حلق است و مطمئن است که هنگام حلق سر او خونی می‌شود تقصیر کند، و احتیاطاً بعد از تقصیر

سر را هم بتراشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۱

مسألهٔ ۳۰۵-- کسی که سر می‌تراشد به احتیاط واجب باید تمام سر را بتراشد، و تراشیدن قسمتی از سر کفایت نمی‌کند. بلی کسی که مخیر بین حلق یا تقصیر است بعد از تراشیدن مقداری از سر می‌تواند تقصیر را انتخاب کند، و با این نیت مقداری از موی خود را کوتاه کند و از احرام خارج شود.

مسألهٔ ۳۰۶-- کسی که وظیفه‌اش فقط حلق است اگر تقصیر کند مثل کسی است که عمداً حلق نکرده، و در صورت علم برای کوتاه کردن مو در حال احرام کفاره هم باید بدهد. و کسی که وظیفه‌اش فقط تقصیر است اگر حلق کند همین حکم را دارد.

مسألهٔ ۳۰۷-- انسان می‌تواند خودش سر خود را

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۲

بتراشد یا تقصیر کند، همانطور که می‌تواند دیگری را وکیل کند که سر او را بتراشد یا موی او را کوتاه کند.

مسألهٔ ۳۰۸-- کسی که می‌خواهد سر بتراشد نمی‌تواند اوّل موی خود را کوتاه کند و بعد بتراشد، بلکه باید از ابتدا شروع به تراشیدن کند.

مسألهٔ ۳۰۹-- محرم تا وقتی خودش تقصیر نکرده یا سر خود را نتراشیده است نمی‌تواند سر دیگری را بتراشد یا او را تقصیر کند. بلی گرفتن ناخن دیگری در این حال اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۳۱۰-- بعد از تقصیر یا حلق تمام محرمات احرام بجز همسر و بوی خوش حلال می‌شود.

البته حرمت صید و کندن گیاهان حرم- همانگونه که قبلًا بیان شد- از احکام حرم است،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۳

و ربطی به حال احرام و غیر احرام ندارد.

شرایط صحت حلق یا تقصیر

اشاره

درصحت حلق یا تقصیر رعایت این موارد لازم است: ۱- نیت. ۲- وقت حلق یا تقصیر. ۳- محل حلق یا تقصیر.

نیت

مسألهٔ ۳۱۱-- تراشیدن سر و کوتاه کردن مو عبادت است، و باید برای اطاعت امر خدای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۴

سبحان انجام شود، و ریا موجب بطلان آن می‌شود.

مسألهٔ ۳۱۲-- همانگونه که در اعمال قبل گذشت، لازم نیست نیت را به زبان بگوید یا حتی به قلب خطور دهد، بلکه اگر مثل سایرین عمل را به عنوان وظیفهٔ شرعی انجام دهد، و اصطلاحاً قصد ارتکازی داشته باشد، کافی است.

وقت حلق یا تقصیر

مسألهٔ ۳۱۳-- حلق یا تقصیر باید بعد از قربانی در روز عید انجام شود.

مسألهٔ ۳۱۴-- تأخیر حلق یا تقصیر تا آخر ایام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۵

تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌الحجه) مانعی ندارد و در شب هم کفایت می‌کند.

مسألهٔ ۳۱۵-- احتیاط آن است که در روز عید بعد از قربانی حلق یا تقصیر کند. و اگر در روز عید قربانی نکند حتی اگر عمداً تأخیر بیندازد حلق یا تقصیر هم نکند، و ترتیب را به احتیاط واجب رعایت کند. یعنی هر وقت قربانی کرد، بعداز آن حلق یا تقصیر کند.

مسألهٔ ۳۱۶-- اگر بعد از قربانی به هر جهت حلق یا تقصیر نکرد یا آن را به صورت باطل بجا آورد، از احرام خارج نشده، و باید محرمات احرام را رعایت کند، حتی اگر اعمال مکه را انجام داده باشد. لذا هر وقت که باشد باید خودش حلق یا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۶

تقصیر را به طور صحیح بجا آورد، سپس اعمال مکه را اعاده کند، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

البته نسبت به محل حلق یا تقصیر باید طبق مسأله ۹۲۸ عمل کند.

مسألهٔ ۳۱۷-- کسی که برای قربانی نایب می‌گیرد تا وقتی مطمئن نشده که وکیل قربانی کرده است نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند، و اگر با اطمینان به انجام قربانی حلق یا تقصیر کرد و بعد معلوم شد که وکیل در آن وقت قربانی نکرده بوده حلق کافی است. و حتی اعمال بعد از آن هم صحیح است، و لازم نیست اعاده کند.

مسألهٔ ۳۱۸-- کسی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارد نمی‌تواند بعد از سعیِ حج، حلق یا تقصیر کند. بلکه باید پس از قربانی حلق یا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۷

تقصیر کند. و اگر انجام داد علاوه بر اینکه محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود، بلکه در صورت علم و عمد کفاره هم دارد.

مسألهٔ ۳۱۹-- کسی که به جای قربانی روزه می‌گیرد می‌تواند در روز عید بعد از رمی جمرهٔ عقبه حلق یا تقصیر کند.

محل حلق یا تقصیر

مسألهٔ ۳۲۰-- باید در منی حلق یا تقصیر کند، و حلق یا تقصیر در غیر از منی کفایت نمی‌کند، بلی چنانچه به علت جهل قصوری یا غفلت و فراموشی در خارج از منی حلق یا تقصیر کرده و امکان برگشت به منی نباشد، صحیح است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۸

مسألهٔ ۳۲۱-- حلق یا تقصیر در کنار کشتارگاههای فعلی چنانچه ثابت نشود، داخل منی است کفایت نمی‌کند، و اگر کسی در آنجا حلق یا تقصیر کرد باید در منی اعاده کند.

مسألهٔ ۳۲۲-- اگر به هر جهت در منی حلق یا تقصیر نکرد و از آنجا خارج شد، باید به منی برگردد و در آنجا حلق یا تقصیر کند، و اگر برگشتن به منی ممکن نباشد هر جا هست حلق یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد. و اگر اعمال مکه را انجام داده، آنها را اعاده کند یا برای اعادهٔ آنها نایب بگیرد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۰۹

مستحبات حلق یا تقصیر

مسألهٔ ۳۲۳-- در حلق یا تقصیر چند چیز مستحب است: ۱- نیت حلق یا تقصیر را به زبان آورد. ۲- حلق را از طرف راست جلوی سر شروع کند. ۳- این دعا را بخواند: «أللَّهُمَّ أعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَةِ». ۴- موی سر خود را در منی در خیمهٔ خود دفن کند. و اولی این است که بعد از حلق از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۰

اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۱

۷- طواف حج

مسألهٔ ۳۲۴-- طواف حج که طواف زیارت نیز نامیده می‌شود، مثل طواف عمرهٔ تمتع است و احکام آن را دارد بجز نیت که باید با قصد طواف حج تمتع انجام دهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۲

۸- نماز طواف حج

مسألهٔ ۳۲۵-- بعد از طواف حج واجب است دو رکعت نماز طواف حج بجا آورد. که مثل نماز طواف عمرهٔ تمتع است و احکام آن را دارد. مگر در نیت، که در اینجا نیت نماز طواف حج تمتع می کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۳

۹- سعی

مسألهٔ ۳۲۶-- پس از نماز طواف، واجب است سعی بین صفا و مروه بجا آورد، همانگونه که در عمرهٔ تمتع انجام داده، و احکام آن را دارد، مگر در نیت که باید به قصد حج تمتع سعی کند.

مسألهٔ ۳۲۷-- بعد از سعی حج تمتع استعمال بوی خوش نیز بر شخص حلال می‌شود، و تنها حرمت زن و شوهری باقی می‌ماند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۴

۱۰- طواف نساء

مسألهٔ ۳۲۸-- بعد از سعی، حج واجب است طواف نساء انجام شود، که از لحاظ احکام و شرایط همانند طواف عمره و حج می‌باشد، بجز نیت که باید با قصد طواف نساء انجام شود.

مسألهٔ ۳۲۹-- لازم نیست طواف نساء را بعد از سعی فوراً بجا آورد، و تأخیر آن مانعی ندارد. ولی تا آن را بجا نیاورده باید زن و شوهر از یکدیگر اجتناب کنند.

مسألهٔ ۳۳۰-- طواف نساء اختصاص به مردان

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۵

ندارد، بلکه بر زنان، کودکان و افراد خنثی نیز واجب است. و همچنین بر پیرمردان و پیرزنانی که قادر به عمل زناشویی نیستند، و ازدواج هم نمی‌کنند واجب است طواف نساء بجا آورند.

مسألهٔ ۳۳۱-- زنان و کودکان نیز بایـد نیت طواف نساء کنند و زنان تا طواف نساء نکرده‌اند مرد بر آنان حلال نمی‌شود، و کودکان اگر طواف نساء نکنند بعد از بلوغ نمی‌توانند ازدواج کنند.

مسألهٔ ۳۳۲-- اگر زن قصد طواف رجال بکند به گمان اینکه وظیفهٔ او چنین است اشکال ندارد، و طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۳۳۳-- مجنون را اگر محرم کرده‌اند باید او را طواف نساء بدهند، والا بعد از خوب شدن همسر بر او حلال نمی‌شود.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، مناسک حج (فاضل)، در یک جلد، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، دوازدهم، ۱۴۲۳ ه ق

مناسک حج (فاضل)؛ ص: ۴۱۶

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۶

مسألهٔ ۳۳۴-- پیش از بجا آوردن طواف نساء زن و مرد حق هیچگونه استمتاعی از یکدیگر ندارنـد. حتی خواستگاری و عقـد و شهادت بر عقد حرام است.

مسألهٔ ۳۳۵-- طواف نساء و نماز آن یک واجب تعبدی است و از اجزاء حج نیست. لـذا ترک آن حتی اگر عمدی باشد موجب بطلان حج نمی‌شود. بلکه اثر وضعی آن یعنی حرمت همسری باقی می‌ماند.

مسألهٔ ۳۳۶-- اگر طواف نساء یا نماز آن را سهواً یا عمداً بجا نیاورد باید خودش بجا آورد و اگر به وطن بازگشته و امکان انجام آن توسط خودش نیست یا برای او مشقت دارد نایب بگیرد. و در صورت فوت وی ولی او نیابتاً انجام دهد یا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۷

استنابه کند.

مسألهٔ ۳۳۷-- اگر بعد از مراجعت شک کند که آیا طواف نساء را انجام داده یا خیر، بایستی خودش یا در صورت عدم امکان نایبش انجام دهد.

مخصوصاً اگر توجهی به وجوب طواف نساء نداشته است.

مسألهٔ ۳۳۸-- نایب باید طواف نساء را به نیت منوب عنه بجا آورد، و اگر بجا نیاورد ذمه نایب مشغول است، و علاوه بر اینکه همسر بر او حلال نمی‌شود باید خودش یا نایبش تدارک کند.

و در صورت فوت وی بنابر احتیاط ورثه باید قضای آن را بجا آورند، یا برای او استنابه کنند.

مسألهٔ ۳۳۹-- در عمرهٔ تمتع طواف نساء واجب نیست، هر چند مطابق احتیاط است، و اگر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۸

بخواهد احتیاط کند، باید قبل از تقصیر طواف نساء و نماز آن را بجا آورد.

مسألهٔ ۳۴۰-- کسی که چندین عمرهٔ مفرده بجا می‌آورد، یا بعد از اعمال حج عمرهٔ مفرده بجا می‌آورد، باید برای هر احرام یک طواف نساء بجا آورد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۱۹

۱۱- نماز طواف نساء

اشاره

مسألهٔ ۳۴۱-- بعد از طواف نساء نماز طواف نساء واجب است. و احکامی که در نماز طواف عمره و حج معتبر است در این نماز هم معتبر است، بجز نیت. یعنی این نماز را به قصد نماز طواف نساء بخواند.

مسألهٔ ۳۴۲-- بعد از نماز طواف نساء زن و مرد بر یکدیگر حلال می‌شوند، و چیزی از محرمات احرام باقی نمی‌ماند، بلی همانطور که گذشت هیچ کس در حرم نمی‌تواند شکار کند یا درختان

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۰

حرم را بکند.

مسألهٔ ۳۴۳-- بنابر آنچه گذشت محرمات احرام در سه مرحله از محرم برداشته می‌شود: ۱- بعد از حلق یا تقصیر. ۲- بعد از سعی. ۳- بعد از نماز طواف نساء.

مسألهٔ ۳۴۴-- اگر از روی جهل به مسأله طواف عمره یا طواف حج را انجام ندهد و به وطن برگردد، واجب است یک شتر قربانی کند، حتی اگر با همسر نزدیکی نکرده باشد، و حج را هم در سال بعد اعاده کند. اما کفاره در طواف عمره بنابر احتیاط است.

مسألهٔ ۳۴۵-- اگر از روی فراموشی طواف عمره، حج یا نساء را بجا نیاورد و بعد متوجه شود و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۱

دوباره فراموش کند و با همسر نزدیکی کند باید یک قربانی بدهد. و احتیاط مستحب آن است که یک شتر باشد. و اگر بطور کلی فراموش کند و یادش نیاید کفاره ندارد.

مسألهٔ ۳۴۶-- در فرض سابق اگر می‌تواند باید خودش برگردد و طواف و نماز آن را بجا آورد، و در غیر طواف نساء سعی را هم اعاده کند. و اگر نمی‌تواند برگردد یا مشقت دارد نایب بگیرد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۲

مستحبات طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء

مسألهٔ ۳۴۷-- آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که بجهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید، و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اعِنّی علَیٰ نُسُکِکَ، وَ سَلِّمْنی لَهُ وَ سَلِّمْهُ لِی، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی، وَ أنْ تُرْجِعَنِی بِحاجَتِی، اللَّهُمَّ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۳

إنِّی عَبدُکَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُکَ، وَالبَیْتُ بَیْتُکَ، جِئتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَ أؤُمُّ طاعَتَکَ، مُتَّبِعاً لأمْرِکَ، راضِیاًبِقَدَرِکَ، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إلَیْکَ، الْمُطِیعِ لِأمْرِکَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ، أنْ تُبَلِّغَنِی عَفْوکَ، وَتُجِیرَنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ». پس به نزد حجرالأسود بیاید و استلام کند، و آن‌را ببوسد، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید، و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۴

اعمال مکه و احکام تقدیم آن بر وقوفین

مسألهٔ ۳۴۸-- همانگونه که در ابتـدای احکام حج تمتع بیان شد پنج عمل زیر، یعنی: ۱- طواف حج، ۲- نماز طواف حج، ۳- سعی، ۴- طواف نساء، ۵- نماز طواف نساء. محل انجام آن در مکه است، و باید بعد از

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۲۵

اعمال روز عید انجام شود. و تقدیم آن جایز نیست، مگر برای بعضی از افراد که در مسألهٔ ۹۶۲ می‌آید.

مسألهٔ ۳۴۹-- اگر به جهت جهل یا سـهو و فراموشـی اعمال مکه را قبل از حلق یا تقصـیر انجام داد باید بعد از حلق یا تقصیر در منی اعمال مکه را اعاده کند، و اگر از بازگشت به منی معذور بود همانجا که هست حلق یا تقصـیر کند و موی خود را به منی بفرستد، و اعمال مکه را اعاده کند. و اگر از روی علم و عمد بوده است علاوه بر آن باید یک گوسفند هم ذبح کند.

مسألهٔ ۳۵۰-- مسـتحب است در روز دهم بعـد از انجـام اعمـال منی برای اعمـال مکه به مکه بروند، و اعمال مکه را بایـد به ترتیب مذکور

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۶

انجام دهند. و اگر این ترتیب رعایت نشود باید به گونه‌ای بجا آورد تا ترتیب حاصل شود.

مسألهٔ ۳۵۱-- اگر به جهت جهل یا از روی غفلت و فراموشی این ترتیب رعایت نشود، صحیح است، هر چند احتیاط در اعاده است.

مسألهٔ ۳۵۲-- اگر سـعی را بر طواف حج یا طواف نساء را بر سـعی مقدم داشت باید بعد از طواف حج و نماز آن، سـعی را و بعد از سعی طواف نساء را بجا آورد تا ترتیب حاصل شود.

مسألهٔ ۳۵۳-- وقت اعمال مکه تا روز آخر ذی‌الحجه وسعت دارد. ولی بهتر است هر چه زودتر بعد از اعمال منی انجام شود.

مسألهٔ ۳۵۴-- انجام طواف مستحبی بعد از اعمال روز عید و قبل از انجام اعمال مکه مانعی ندارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۷

مسألهٔ ۳۵۵-- خارج شدن از مکه قبل از انجام اعمال مکه مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۵۶-- افراد زیر می‌تواننـد اعمال مکه را قبل از وقوف در عرفات و مشـعر و اعمال منی انجام دهنـد: ۱- زنهایی که می‌ترسند هنگام بازگشت از منی حائض یا نفسا شـده، و امکان مانـدن در مکه تا پاك شدن را نداشـته باشـند. ۲- سالمنـدان یا بیمارانی که به جهت ازدحام بعـد از بازگشت نتوانند طواف کنند. ۳- کسانی که می‌داننـد به جهتی بعـد از اعمال منی تا آخر ذی‌الحجه نمی‌توانند اعمال مکه را انجام دهند.

مسألهٔ ۳۵۷-- تشخیص عذر این افراد با خود

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۸

افراد است، لـذا نمی‌تواننـد به قول دیگران اکتفـا کننـد، بلی اگر از قول روحـانی یـا مـدیر کـاروان یا فرد دیگری اطمینان پیـدا کنند می‌توانند طبق اطمینان خود عمل کنند.

مسألهٔ ۳۵۸-- ازدحام جمعیت و مشـقت در طواف مجوز مقدم داشـتن اعمال مکه بر وقوفین نیست، همینطور کسی که با تخت روان طواف می‌کند نمی‌تواند به جهت ارزانی تخت روان قبلًا اعمال خود را انجام دهد.

مسألهٔ ۳۵۹-- کسـی که می‌دانـد بعـد از مراجعت از منی قدرت بر طواف ندارد و باید او را با تخت طواف دهند و نمی‌تواند تا وقت خلوت در مکه بماند، اما قبل از وقوفین خودش می‌تواند در مطاف طواف کند، تقدیم طواف جایز و صحیح

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۲۹

است، ولی احتیاط مستحب جمع بین طواف قبل و اطافه بعد از مراجعت است.

مسألهٔ ۳۶۰-- نایب هم اگر از این افراد باشـد می‌توانـد اعمال مکه را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد. و به حج یا نیابت او ضـرر

نمی‌زند.

مسألهٔ ۳۶۱-- همانگونه که گذشت این افراد باید بعد از محرم شدن به احرام حج تمتع اعمال مکه را انجام دهند. و انجام اعمال قبل از احرام حج صحیح نیست.

مسألهٔ ۳۶۲-- اگر اعمال مکه را بـدون احرام انجام دهـد، کفایت نمی‌کنـد. و بایـد بعد از وقوفین و اعمال منی یا قبل از آن با احرام اعاده کند.

مسألهٔ ۳۶۳-- تقدیم اعمال مکه بر وقوفین و اعمال منی بر این افراد واجب نیست بلکه جایز

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۰

است، لذا این افراد اگر نتوانند اعمال مکه را مثل سایرین در وقت اختیاری آن انجام دهند می‌توانند نایب بگیرند.

مسألهٔ ۳۶۴-- کسی که اعمال مکه را بر وقوفین و اعمال منی مقدم می‌دارد باید تمام پنج عمل را قبلًا انجام دهد، و نمی‌تواند طوافها را انجام دهد و سعی را بعد بجا آورد یا طواف نساء را بعد انجام دهد.

مسألهٔ ۳۶۵-- زنی که می‌خواهـد اعمال مکه را بر وقوفین مقـدم بـدارد اگر نتواند همهٔ اعمال را انجام دهد، مثلًا بعد از سـعی حیض شود احتیاط آن است که مجـدداً همـهٔ اعمال را بعد از پاک شدن اعاده کند، و اگر فرصت نکرد باید نایب بگیرد، و نایب باید تمام آن اعمال را بعد از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۱

اعمال روز عید بجا آورد.

مسألهٔ ۳۶۶-- در موارد ضروری تقدیم طواف نساء و نماز آن بر سعی اشکالی ندارد، مثلًا اگر زن بترسد که بعد از سعی حیض شود می‌توانـد قبل از سعی طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، هر چند احتیاط این است که در این فرض هم نایب بگیرد تا بعد از سعی طواف نساء او را انجام دهد.

مسألهٔ ۳۶۷-- کسـی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارد نمی‌تواند بعد از سـعی حج، حلق یا تقصـیر کند، بلکه حلق یا تقصـیر حـج را باید روز عید در منی انجام دهد، و اگر انجام داد علاوه بر اینکه محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود، بلکه در صورت علم و عمد کفاره هم دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۲

مسألهٔ ۳۶۸-- اگر بعد از بازگشت از منی متوجه شوند که امکان اعادهٔ اعمال مکه برای آنها وجود دارد، لازم نیست اعاده کنند مگر در مورد گروه چهـارم که بایـد در صورت کشف خلاـف اعمـال را اعـاده کننـد، هر چه اعـادهٔ اعمـال برای سه گروه اول نیز مطابق احتیاط است.

مسألهٔ ۳۶۹-- احکام نیابت در اعمال مکه مثل نیابت در اعمال عمره است. اما نیابت گرفتن در اعمال مکه بشـرطی صـحیح است که مطمئن باشد تا آخرین زمان ممکن اقامت خودش نتواند انجام دهد.

مسألهٔ ۳۷۰-- کسـی که مجـاز است اعمال مکه را بر وقوفین مقـدم بـدارد، در صورت انجام آن اعمال تمام محرمات احرام در یک مرحله بعد از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۳

حلق یا تقصیر از وی برداشته می‌شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۴

۱۲- ماندن در منی

اشاره

مسألهٔ ۳۷۱-- واجب است شب یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه در منی بماند. که این ماندن را «بیتوته» می‌گویند.

مسألهٔ ۳۷۲-- گروههای زیر علاوه بر شب یازدهم و دوازدهم شب سیزدهم را نیز باید در منی بمانند:

۱-- کسی که در حال احرام صید کرده باشد، و اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد به احتیاط واجب باید شب سیزدهم نیز بماند. و خوردن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۵

گوشت صید یا نشان دادن صید این حکم را ندارد.

۲-- زن یا مردی که قبل از انجام طواف نساء با هم نزدیکی کرده باشند، حتی اگر در احرام عمرهٔ تمتع نزدیکی کرده باشند، ولی سایر استمتاعات این حکم را ندارد.

۳-- کسی که روز دوازدهم از منی کوچ نکند و تا غروب در منی ماند، اما اگر روز دوازدهم از منی کوچ کند، ولی برای کاری به منی برگردد و تا غروب بماند این حکم را ندارد.

مسألهٔ ۳۷۳-- بر افراد زیر واجب نیست شبهای یازدهم و دوازدهم در منی بمانند:

۱-- بیماران و پرستاران آنها، و کسانی که به هر جهت ماندن آنها در منی برایشان مشقت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۶

داشته باشد.

۲-- کسانی که بترسند اگر در منی بمانند اموال آنها در معرض خطر قرار می‌گیرد.

۳-- کسانی که شب را تا صبح در مکه بیدار و به عبادت مشغول باشند.

مسألهٔ ۳۷۴-- فردی که عبادت در مکه را انتخاب می‌کند باید از مغرب تا طلوع فجر بیدار و مشغول عبادت باشد. و اگر مقداری از آن را بخوابد کفایت نمی‌کند، بلی چرت زدن به مقدار کم و کارهای ضروری از قبیل خوردن، آشامیدن، تطهیر و تجدید وضو مانعی ندارد.

مسألهٔ ۳۷۵-- عبادت در خارج از مکه حتی در بین راه مکه و منی کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۳۷۶-- شخص می‌تواند مقداری از اول

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۷

شب را در منی بیتوته کند و قبل از نیمه شب- مثلًا ساعت ۱۰ شب- به مکه بیاید و تا صبح مشغول عبادت شود، و همچنین می‌تواند مقداری از اول شب را در مکه عبادت کند و بقیهٔ آن را برگردد به منی و بیتوته کند.

مسألهٔ ۳۷۷-- منظور از عبادت مطلق عبادت است که گذشته از نماز، و خواندن قرآن، و ذکر، و دعا، شامل نگاه کردن به کعبه، برآوردن حاجات مؤمنین، و ارشاد و موعظه و ... نیز می‌شود.

مسألهٔ ۳۷۸-- منتظر ماندن برای تمام شدن اعمال همراهان، عبادت محسوب نمی‌شود. لذا این افراد یا باید مشغول ذکر شوند، یا برای بیتوته به منی بروند.

مسألهٔ ۳۷۹-- کسی که ماندن در منی را ترک کند

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۸

برای هر شب باید یک گوسفند کفاره بدهد، و فرقی نمی‌کند که عالم باشد یا جاهل، از روی فراموشی باشد یا عذر، اما ثبوت

کفاره در غیر عالم عامد بنابر احتیاط است.

مسألهٔ ۳۸۰-- کفارهٔ ترک بیتوته بر گروه اول و دوم مسألهٔ ۹۷۹ نیز واجب است، ولی بر گروه سوّم واجب نیست.

مسألهٔ ۳۸۱-- این کفاره شرایط قربانی را ندارد، و ذبح آن محل خاصی ندارد، هر چند به احتیاط مستحب در منی ذبح شود.

شرایط صحت بیتوته

اشاره

درصحت بیتوته رعایت این‌موارد لازم‌است:

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۳۹

۱- نیت. ۲- وقت بیتوته. ۳- محل بیتوته.

نیت

مسألهٔ ۳۸۲-- ماندن در منی عبادت است و باید با قصد قربت انجام شود، و ریا موجب بطلان آن می‌شود.

مسألهٔ ۳۸۳-- کسی که تمام مدت بیتوته را در منی بوده، ولی نمی‌دانست که این ماندن جزء اعمال و مناسک حج او است و باید با قصد قربت انجام شود، لذا هیچ توجهی به این جهت نداشت، کفاره بر او نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۰

مسألهٔ ۳۸۴-- در فرض سابق اگر مثلًا ساعت ۱۰ شب متوجه شد و نیت کرد، کفاره بر او نیست، اگرچه نیمهٔ دوم شب را در منی نماند.

وقت بیتوته

مسألهٔ ۳۸۵-- مقدار واجب ماندن در منی نیمی از شب است. یعنی از غروب آفتاب تا نصف شب، و بعید نیست که از نیمه شب تا طلوع آفتاب نیز کفایت کند.

مسألهٔ ۳۸۶-- ماندن مقداری از نیمهٔ اول شب و مقداری از نیمهٔ دوم شب- اگر چه مقدار ساعت آن مجموعاً به مقدار یک نیمهٔ شب یا بیشتر باشد کفایت نمی‌کند، و اگر در مکه مشغول

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۱

عبادت نبوده، به احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۸۷-- نیمهٔ شب را بنابر اقوی باید از غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند، و احتیاط در این است که از مغرب حساب کنند.

مسألهٔ ۳۸۸-- شخص می‌تواند بعد از بیتوتهٔ نیمهٔ اول شب از منی خارج شود، و کسی که نیمهٔ اول شب را در منی نبوده واجب است برای درک نیمهٔ دوم شب به منی بیاید.

مسألهٔ ۳۸۹-- اگر بیتوته در تمام وقت برای زنها و بیماران و ضعفا حرج و مشقت داشته باشد، به مقداری که می‌توانند بیتوته کنند و

کفایت می‌کند، و اگر تمام نیمهٔ اول شب یا نیمهٔ دوم شب را بیتوته نکردند و در مکه نیز مشغول عبادت نشدند، بنابر احتیاط واجب باید کفاره

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۲

بدهند.

محل بیتوته

مسألهٔ ۳۹۰-- بیتوته حتماً بایـد در منی باشـد، و اگر در غیر از منی- حـتی زمینهـای متصـل به منی- بیتوته کنـد حکم ترک عمـدی بیتوته را دارد، که باید برای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسألهٔ ۳۹۱-- در فرض سابق فرقی نمی‌کند که شخص عالم به حکم و موضوع باشد یا جاهل، حتی اگر با اعتقاد به اینکه محلی منی است در آنجا بیتوته کند، و بعد معلوم شود که منی نبوده باید کفاره بدهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۳

مستحبات منی

مسألهٔ ۳۹۲-- در منی چند چیز مستحب است: ۱- روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی بجهت طواف مستحب از منی بیرون نرود. ۲- تکبیر گفتن در منی بعـد از پـانزده نمـاز و در غیر منی بعـد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد، و بعضی آنرا واجب دانسته‌اند، و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید: «اللّهُ أكْبَرُ اللّهُ أكْبَرُ، لا إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۴

أكْبَرُ، اللّهُ أكْبَرُ وَلِلّهِالْحَمْدُ، اللّهُ أكْبَرُ عَلى ما هَدانَا، اللّهُ أكْبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعامِ، وَالْحَمْدُللّهِ عَلى ما أبْلانا». ۳- مستحب است مادامی‌که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد. ۴- در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف بـا عبـادت هفتـاد سـال برابر است، و هر کس در آنجا صـد مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» بگویـد ثواب آن برابر ثواب بنـده آزاد کردن است، و هر کس در آنجا صـد مرتبه «لا اله إلّا اللّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسـی‌که إحیاء نفس کرده باشد، و هر کس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۵

للّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا صدقه بدهد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۶

۱۳- رمی جمرات سه گانه

اشاره

مسألهٔ ۳۹۳-- واجب است در روز یـازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه به هر یک از جمرات سه‌گانه (جمرهٔ اولی و جمرهٔ وُسطی و جمرهٔ عقبه) هفت سنگ بزنند.

مسألهٔ ۳۹۴-- اشخاصی که واجب است شب سیزدهم را در منی بمانند، واجب است روز سیزدهم نیز به جمرات سه‌گانه سنگ بزنند.

مسألهٔ ۳۹۵-- رمی روز یازدهم و دوازدهم متوقف بر اعمال روز عید نیست، بنابراین کسی که

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۷

قربانی و تقصیر یا حلق هم نکرده است در روز یازدهم و دوازدهم می‌تواند رمی جمرات را انجام دهد.

مسألهٔ ۳۹۶-- اگر عمداً سنگ زدن به جمرات را ترک کند اگرچه معصیت کرده است، اما به حج او ضرر نمی‌زند.

مسألهٔ ۳۹۷-- کسی که قدرت انجام رمی ولو در بعضی از اوقات روز را داشته باشد، و بر اثر تسامح به دیگری نیابت بدهد، مثل کسی است که عمداً رمی را ترک کرده است.

مسألهٔ ۳۹۸-- باید به هر یک از جمرات سه گانه هفت سنگ بزند که شرایط و کیفیت آن در احکام رمی روز عید گذشت.

مسألهٔ ۳۹۹-- همانگونه که قضای رمی جمرات

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۸

لازم است، قضای رمی یکی یا دوتا از آنها نیز لازم است.

مسألهٔ ۴۰۰-- اگر بعد از خروج از منی در مکه یادش آمد که رمی جمرات یا بعضی از آن را انجام نداده یا به نحو صحیح انجام نداده در صورت امکان باید برگردد و بجا آورد، و اگر ممکن نباشد نایب بگیرد، و اگر بعد از ایام تشریق «۱» متوجه شد، بنابر احتیاط واجب طبق آنچه در همین مسأله گذشت قضا کند، و در سال بعد نیز خودش یا نایبش در ایام تشریق قضا کند.

اما اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد بنابر

---

(۱)- روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه را ایام تشریق می گویند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۴۹

احتیاط واجب در سال بعد خودش یا نایبش در ایام تشریق قضا کند.

مسألهٔ ۴۰۱-- اگر بعد از شک یا بی‌دلیل قصد کند که از اوّل رمی را شروع کند، اگر مجموعاً هفت سنگ یا بیشتر بزند کافی است و این قصد اثری ندارد و اشکالی ایجاد نمی‌کند.

مسألهٔ ۴۰۲-- اگر بعد از گذشتن روزی که رمی در آن واجب بوده، شک کند که رمی کرده است یا نه، به آن اعتنا نکند.

مسألهٔ ۴۰۳-- اگر بعد از رمی شک کند که صحیح واقع شده یا خیر، به آن اعتنا نکند.

مسألهٔ ۴۰۴-- اگر شخص در حال مأیوس بودن از رفع عذر نایب گرفت یا نایب بعد از مأیوس شدن شخص از رفع عذر رمی کرده باشد و بعد از رمی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۵۰

عذر برطرف شد، اعاده لازم نیست، والّا لازم است خود فرد رمی را اعاده کند.

مسألهٔ ۴۰۵-- زنی که می‌داند اگر بخواهد خود رمی انجام دهد در اثر فشار جمعیت قاعدگی او شروع می‌شود و از این جهت به مشقت می‌افتد، می‌تواند نایب بگیرد.

مسألهٔ ۴۰۶-- کسی که از یک یا چند نفر نایب شده برای رمی جمره، لازم نیست اوّل رمی جمرات سه گانهٔ خودش را تمام کند بعد برای منوب عنه رمی کند، بلکه می‌تواند قبل از تمام شدن رمی خود برای آنها رمی کند.

شرایط صحت رمی جمرات سه گانه

اشاره

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۵۱

درصحت رمی جمرات سه گانه رعایت این موارد لازم است: ۱- نیت. ۲- وقت رمی. ۳- ترتیب.

نیت

مسألهٔ ۴۰۷-- رمی جمرات سه گـانه در روزهای یازدهم و دوازدهم از عبادات است، و بایـد با قصـد قربت انجام شود، و ریا موجب بطلان آن است.

وقت رمی

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۵۲

مسألهٔ ۴۰۸-- رمی روزهای یازدهم و دوازدهم نیز بایـد در روز انجام شود و کسـی که از رمی در روز معـذور است می‌توانـد شـب رمی کند.

مسألهٔ ۴۰۹-- زنها و بیماران و سالمنـدان نیز چنانچه در روز معذور باشـند، می‌توانند شب رمی کنند. و جواز رمی این افراد در شـب عید حتی بدون اینکه در روز معذور باشند اختصاص به رمی روز عید دارد.

مسألهٔ ۴۱۰-- در موارد جواز رمی در شب فرقی نمی‌کنـد که شب قبل رمی کننـد یا شب بعـد. و حتی می‌تواننـد رمی دو روز را در یك شب انجام دهند، یعنی: رمی روز یازدهم و دوازدهم را در شب دوازدهم انجام دهند.

مسألهٔ ۴۱۱-- کسی که رمی در روز را ترك کرد

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۵۳

باید روز بعد قضای آن را به جا آورد، و رمی در شب کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۴۱۲-- کسـی که از رمی در روز معـذور باشـد، امّا بتوانـد شب رمی کنـد، بایـد در شب رمی کند، و نمی‌تواند نایب بگیرد و چنین کسی نمی‌تواند نایب دیگری شود.

ترتیب

مسألهٔ ۴۱۳-- واجب است جمرات سه گانه را به ترتیب رمی کند، یعنی اول جمرهٔ اولی، بعد جمرهٔ وُسطی و بعد از آن جمرهٔ عقبه را رمی کند.

مسألهٔ ۴۱۴-- اگر ترتیب مذکور به هر جهت رعایت نشود، باید به گونه‌ای انجام دهد که

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۵۴

ترتیب حاصل شود. و فرقی نمی‌کند که عالم باشد یا جاهل یا از روی فراموشی و اشتباه باشد.

و اگر روز بعد متوجه شود باید به ترتیب قضا کند.

مسألهٔ ۴۱۵-- اگر بعـد از زدن چهار سـنگ آن جمره را رها کند از لحاظ ترتیب مثل کسـی است که آن جمره را رمی کرده و فقط

لازم است که هفت سنگ را تکمیل کند، و اگر از روی علم و عمد و بدون عذر این کار را کرده به احتیاط واجب رمی را اعاده کند.

مسألهٔ ۴۱۶-- اگر رمی یکی از روزها را ترک یا فراموش کند، واجب است در روز بعد اول قضای روز گذشته را بجا آورد و بعد رمی آن روز را انجام دهد، و همچنین است اگر رمی دو روز را ترک یا فراموش کرده باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۵۵

مسألهٔ ۴۱۷-- اگر روز بعد یادش آمد که بعضی از جمرات را بیشتر از چهار سنگ و کمتر از هفت سنگ زده به احتیاط واجب باید اول کسری آنها را تکمیل، و سپس رمی آن روز را انجام دهد.

مسألهٔ ۴۱۸-- اگر رمی جمرهٔ عقبه را در روز عید غلط انجام دهد و روز دوازدهم یا سیزدهم متوجه شود باید رمی جمرهٔ عقبه را قضا کند، و قضای رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم یا دوازدهم لازم نیست.

مسألهٔ ۴۱۹-- اگر بعد از رمی جمرات سه گانه یقین کند که به یکی از جمرات کمتر از چهار سنگ زده یا اصلًا رمی نکرده بعید نیست اگر فقط کسری جمره آخری را جبران کند یا آن را اعاده کند کافی باشد، هر چند احتیاط آن است که

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۵۶

هر سه را به ترتیب اعاده کند.

مسألهٔ ۴۲۰-- اگر بعد از رمی جمرات سه گانه یقین پیدا کرد یک یا دو یا سه سنگ به یکی از جمرات کمتر زده است، باید به مقداری که می‌داند کم زده به هر سه جمره بزند.

مسألهٔ ۴۲۱-- اگر بعد از ایام تشریق یادش آمد که یک روز را یا یکی از جمرات را رمی نکرده و نداند کدام روز است، به احتیاط واجب باید سه روز را با مراعات ترتیب و طبق مسألهٔ ۱۰۰۶ قضا کند.

مسألهٔ ۴۲۲-- اگر وقتی مشغول رمی جمرهٔ عقبه است در رمی جمرهٔ اولی و وسطی یا در صحت آن شک کند، به شک خود اعتنا نکند.

مسألهٔ ۴۲۳-- اگر بعد از گذشتن روزی که باید

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۵۷

رمی کند، یقین کند یکی از جمرات را رمی نکرده باید فقط رمی جمرهٔ عقبه را قضا کند و کافی است، هر چند احتیاط در قضای رمی هر سه جمره است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۵۸

کوچ کردن از منی

مسألهٔ ۴۲۴-- خروج از منی در روز دوازدهم پس از پایان اعمال باید بعدازظهر صورت گیرد، و جایز نیست قبل از ظهر از منی خارج شود، ولی کسانی که روز سیزدهم از منی خارج می‌شوند می‌توانند قبل از ظهر از منی خارج شوند.

مسألهٔ ۴۲۵-- کسی که شب دوازدهم یا صبح دوازدهم به هر علتی از منی خارج شود به احتیاط واجب باید قبل از ظهر به منی برگشته و بعدازظهر از منی خارج شود، حتی اگر از معذورینی باشد که رمی آن روز را شب انجام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۵۹

داده باشد.

مسألهٔ ۴۲۶-- کسی که بعد از نیمه شب دوازدهم برای انجام اعمال مکه به مکه می‌رود باید روز دوازدهم قبل از ظهر به منی

برگردد و ظهر را در منی درك كند، اگرچه قصد داشته باشد رمی آن روز را عصر انجام دهد.

مسألهٔ ۴۲۷-- در فرض سابق اگر عصر به منی برگشت، لازم است مقداری در منی توقف كند، بطوری كه كوچ بعد از بودن در منی صدق كند. و صرف مرور كفایت نمی‌كند.

مسألهٔ ۴۲۸-- كسی كه روز دوازدهم از منی خارج شد، و قصد داشت برای كوچ كردن قبل از ظهر به منی برگردد، و نتوانست یا عمداً برنگشت. اگر چه در صورت عمد معصیت كرده، ولی چیزی بر

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۶۰

او نیست.

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۶۱

مصدود و محصور

اشاره

مسألهٔ ۴۲۹-- كسی كه احرام بست واجب است اعمال عمره یا حج را تمام كند، و اگر مصدود یا محصور شد احكام خاصی دارد كه دراین قسمت بیان می‌شود.

مسألهٔ ۴۳۰-- به كسی كه برای عمره یا حج محرم شود و سپس از انجام اعمال وی جلوگیری شود «مصدود» می‌گویند. و اگر در اثر بیماری قادر به انجام اعمال نشود وی را «محصور» می‌گویند.

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۶۲

احكام مصدود

مسألهٔ ۴۳۱-- اگر بعد از احرام توسط مأمورین یا دشمن از ورود وی به مكه جلوگیری شود، می‌تواند در همان محل یك شتر یا گاو یا گوسفند قربانی كند و از احرام خارج شود. و احتیاط واجب آن است كه به نیت تحلیل قربانی كند. و به احتیاط واجب تقصیر هم بكند.

مسألهٔ ۴۳۲-- حتی اگر بعد از ورود به مكه او را از انجام مناسك حج و طواف و سعی منع كردند، حكم مسألهٔ قبل را دارد. و همینطور اگر بعد از احرام حج او را از وقوفین منع كنند.

مسألهٔ ۴۳۳-- كسی كه مصدود می‌شود حتی با

مناسك حج (فاضل)، ص: ۴۶۳

امید به برطرف شدن مانع می‌تواند طبق احكام مصدود عمل كند، و از احرام خارج شود.

مسألهٔ ۴۳۴-- اگر حج بر مصدود مستقر شده باشد یا سال دیگر استطاعت داشته باشد باید به حج برود، و اعمال مصدود از حجةالاسلام كفایت نمی‌كند.

احكام محصور

مسألهٔ ۴۳۵-- اگر بعد از احرام عمرهٔ مفرده به جهت بیماری نتوانست وارد مكه شود و اعمال عمره را انجام دهد مخیر است كه در همان محلی كه بیمار شده قربانی كند یا یك قربانی به مكه بفرستد، ولی اگر بعد از احرام عمرهٔ تمتع

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۶۴

بیمار شود به احتیاط واجب بایـد به وسیلهٔ شـخص امینی پول قربانی یا خود قربانی را به مکه بفرسـتد و قرار بگـذارد در وقت معینی قربانی را در مکه ذبـح کند، و بعد از زمان موعود خودش تقصیر کند، و به احتیاط مسـتحب نایب در ذبح به قصد تحلیل منوب عنه ذبح کند. که در این صورت تمام محرمات احرام به غیر از همسر بر او حلال می‌شود.

مسألهٔ ۴۳۶-- اگر بعد از احرام حج به گونه‌ای بیمار شود که نتواند به عرفات و مشـعر برود، به احتیاط واجب قربانی یا پول آن را به منی بفرسـتد تا در روز عیـد در منی به نیابت او ذبح شود، و بعد از آن خودش تقصیر کند، که در این صورت نیز محرمات احرام بر او حلال می‌شود

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۶۵

به جز همسر.

مسألهٔ ۴۳۷-- همسـر بر محصور حلال نمی‌شود، مگر اینکه خودش اعمال حـج را انجام دهد و طواف نساء بکند. و اگر به طور کلی نتوانست اعمال را خودش انجام دهـد بعید نیست بتواند نایب بگیرد تا با انجام اعمال توسط نایب، همسـر هم بر او حلال شود. و اگر حج استحبابی بوده است بعید نیست بتواند نایب بگیرد، ولی به احتیاط واجب در صورت امکان باید خودش اعمال را انجام دهد.

مسألهٔ ۴۳۸-- شخصی که سکته کند و قدرت هیچ‌گونه حرکتی را نداشته باشد حکم محصور را دارد.

مسألهٔ ۴۳۹-- کسی که بیمار نباشد ولی به جهت

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۶۶

دیگری بعد از احرام نتواند به مکه برود، مثلًا بر اثر تصادف مجروح یا مصدوم شود ظاهراً حکم بیمار را دارد. و احتیاط مستحب این است که منتظر بماند تا خوب شود، و اگر به حج هم نرسد با عمرهٔ مفرده از احرام خارج شود، و حج را در سال بعد اگر مستقر بوده یا استطاعت باقی باشد، اعاده کند.

مسألهٔ ۴۴۰-- اگر پس از احرام مانعی غیر از مصـدود و محصور شـدن همچون گم کردن راه، تلف شدن هزینه راه، خرابی مسیر یا مرکب، گرما یا سرمای سخت و ... پیش آید که نتواند عمره یا حج خود را تمام کند، حکم مسألهٔ قبل را دارد.

مسألهٔ ۴۴۱-- اگر بعد از اینکه قربانی را فرستاد حالش خوب شد و توانایی رفتن به مکه را یافت،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۶۷

به مکه برود و اعمال را انجام دهد. و اگر وقت تنگ بود حج او بدل به إفراد می‌شود و بعد یک عمرهٔ مفرده انجام دهد، ولی اگر به طور کلی به حـج نرسـد بایـد عمرهٔ مفرده انجـام دهـد و از احرام خـارج شـود. و حـج واجب خـود را در صـورت اسـتقرار یـا بقـای استطاعت، در سال آینده انجام دهد.

مسألهٔ ۴۴۲-- مصـدود نیز در این مسـأله حکم محصور را دارد. یعنی اگر بعـد از ذبـح قربـانی در محـل مانع برطرف شـد، بایـد طبق مسألهٔ قبل عمل کند.

مسألهٔ ۴۴۳-- در فرض سابق اگر هدی را فرستاد و در روز موعود هدی ذبح نشد یا نایب طواف نساء را بجا نیاورد، و این شخص به خیال انجام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۶۸

آن اعمـال محل شـد و با همسـر خود نزدیکی کرد معصـیت نکرده و کفاره هم نـدارد، اما پس از اینکه متوجه شـد، اگر ذبـح انجام نشـده بایـد از همه محرمات احرام اجتناب کنـد، و اگر طواف نساء انجام نشـده از همسـر خود اجتناب کنـد. و بایـد هـدی یا پول را بفرستد و مواعده کند تا هدی انجام شود و همچنین است طواف نساء.

مسألهٔ ۴۴۴-- اگر بیمار یا مصدوم محرم شود و بتواند اعمال عمره و حج را- حتی با استنابه در طواف و سعی- انجام دهد، احرام و حج او صحیح است.

مسألهٔ ۴۴۵-- اگر با احرام عمرهٔ تمتع وارد مکه شد، ولی نتواند اعمال عمره را انجام دهد و حج هم از او فوت شود، به همان احرامی که بسته

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۶۹

عمرهٔ مفرده بجا آورد تا از احرام خارج شود.

مسألهٔ ۴۴۶-- اگر شخص عاقل بعد از احرام مجنون شود احرام او باطل شده، و اطرافیان او وظیفه‌ای نسبت به او ندارند. و اگر بعداً بهبودی حاصل شد به احتیاط مستحب عمرهٔ مفرده انجام دهد یا استنابه کند.

احکام بیهوش

مسألهٔ ۴۴۷-- اگر بعد از احرام عمره یا حج بیهوش شود، مسأله چند صورت دارد: بعد از احرام عمره بیهوش شود و:

۱-- هنگامی به هوش آید که بتواند اعمال عمره را انجام داده و وقوف رکنی عرفات را درک

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۰

کند، در این صورت باید اعمال عمره را انجام دهد، و سپس اعمال حج را بجا آورد، و عمره و حج او صحیح است.

۲-- هنگامی به هوش آید که اگر بخواهد اعمال عمره را انجام دهد وقوف رکنی عرفات از او فوت می‌شود، در این صورت حج او بدل به إفراد می‌شود.

۳-- هنگامی به هوش آید که وقوف عرفات از او فوت شده ولی وقوف اختیاری مشعر را درک کند، این صورت نیز حکم صورت قبل را دارد.

۴-- هنگامی به هوش آید که وقوف اختیاری مشعر نیز از او فوت شده است، در این صورت حج او باطل است و باید با عمرهٔ مفرده از احرام

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۱

خارج شود، و چنانچه حج بر او مستقر بوده یا در صورت بقای استطاعت در سال آینده حج بجا آورد. اگر بعد از عمرهٔ تمتع و قبل از احرام حج بیهوش شود و:

۵-- هنگامی به هوش آید که وقوف اختیاری عرفات را درک کند، در این صورت واجب است به مکه برگردد و محرم شود، و اگر امکان نداشت یا وقت تنگ بود، همانجا محرم شود، و اعمال او صحیح است.

۶-- هنگامی به هوش آید که وقوف اختیاری عرفات از او فوت شده، ولی وقوف اضطراری عرفات را درک کند، این فرض حکم فرض سابق را دارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۲

۷-- هنگامی به هوش آید که وقوف عرفات از اوفوت‌شده، ولی وقوف اختیاری مشعر را درک کند، این فرض نیز حکم فرض پنجم را دارد.

۸-- هنگامی به هوش آید که وقوف اختیاری مشعر از او فوت شده، در این صورت حج او باطل است. و اگر بعد از احرام حج بیهوش شود و:

۹-- هنگامی به هوش آید که وقوف اضطراری عرفات را درک کند، در این صورت حج او صحیح است.

۱۰-- هنگامی به هوش آید که وقوف عرفات از او فوت شده ولی وقوف اختیاری مشعر را درک کند، در این صورت نیز حج او صحیح است.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۳

۱۱-- هنگامی به هوش آید که وقوف اختیاری مشعر نیز از او فوت شده است، در این صورت طبق فرض چهارم عمل کند.

۱۲-- بعد از درک وقوف عرفات بیهوش شود، و بعد از فوت وقوف اختیاری مشعر به هوش آید، و وقوف اضطراری روزانهٔ مشعر را درک کند، در این صورت حج او صحیح است.

۱۳-- بعد از درک وقوف عرفات بیهوش شود و پس از فوت وقوف مشعر به هوش آید، که در این صورت به احتیاط واجب باید حج را تمام کرده و سال بعد اعاده کند.

۱۴-- بعد از وقوفین بیهوش شود، در این فرض در صورت یأس از بهبودی رمی روز عید را برای او انجام دهند. و چنانچه قبل از پایان

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۴

ذی حجه به هوش آمد، خودش در ماه ذی حجه قربانی کند، و حلق را طبق مسأله ۹۲۸ انجام دهد و اعمال بعد را بجا آورد. و اگر خودش نمی‌تواند نایب بگیرد. و رمی روزهای یازدهم و دوازدهم در سال بعد انجام شود.

۱۵-- بعد از وقوفین بیهوش شود و بعد از ذی حجه به هوش آید، در این صورت رمی روز عید را برای او انجام دهند، و پس بهبودی چنانچه خودش می‌تواند اعمال را انجام دهد، و اگر نمی‌تواند استنابه کند. دراین فرض قربانی و رمی‌روزهای یازدهم‌ودوازدهم در سال بعد انجام شود، و حلق نیز طبق مسأله ۹۲۱ انجام شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۵

احکام کفارات

مسألهٔ ۴۴۸-- احتیاط این است که کفارهٔ محرمات احرام عمره در مکه ذبح شود، و کفارهٔ محرمات احرام حج در منی. ولی در شرایط فعلی که گوشت آن مصرف فقرای مؤمن نمی‌شود، جایز بلکه مطابق احتیاط است که هر دو مورد را در وطن ذبح کنند، و به مصرف فقرای مؤمن برسانند.

مسألهٔ ۴۴۹-- حیوانی که به عنوان کفاره ذبح می‌شود لازم نیست دارای شرایط قربانی باشد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۶

مسألهٔ ۴۵۰-- مصرف کفارات فقرا و مساکین هستند. و احتیاط این است که خود کفاره دهنده از آن نخورد. و اگر خورد بنابر احتیاط واجب قیمت آن مقدار را که خورده صدقه بدهد، و نزدیکان او نیز اگر فقیر نیستند از آن نخورند.

مسألهٔ ۴۵۱-- کفاره را باید به مؤمن غیرسید بدهند، بلی اگر کفاره دهنده سید باشد می‌تواند کفاره را به سید فقیر بدهد.

مسألهٔ ۴۵۲-- فرزندان و کسانی که نفقهٔ آنها بر کفاره دهنده واجب است هر چند خود آنها و کفاره دهنده فقیر باشند نمی‌توانند از گوشت کفاره مصرف کنند.

مسألهٔ ۴۵۳-- پوست و کله و پاچهٔ حیوانی که به عنوان کفاره ذبح می‌شود نیز باید به مصرف فقرا

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۷

برسد. لذا نمی‌توان آنها را به عنوان اجرت به ذابح داد، بلی اگر ذابح فقیر باشد می‌توان به عنوان مصرف به او داد.

مسألهٔ ۴۵۴-- جایز نیست حیوان زنده را به عنوان کفاره به فقیر بدهند. بلکه باید ذبح کنند وآن را به صورت خام بین فقرا تقسیم

کنند، یا بپزند و آنها را اطعام کنند.

مسألهٔ ۴۵۵-- پرداختن پول کفاره به فقرا یا خریدن گوشت به مقدار کفاره و توزیع آن بین فقرا کفایت نمی‌کند، بلکه باید کفاره ذبح و بین فقرا تقسیم شود.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۸

متفرقات

مسألهٔ ۴۵۶-- بر مؤمنین مستحب است در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنند، و فضیلت نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی را از دست ندهند. و جایز نیست هنگام نماز جماعت از مسجد خارج شوند، یا مشغول کار دیگری شوند.

مسألهٔ ۴۵۷-- اگر در نماز جماعت به صورتی شرکت کند که حتی شرایطی را که اهل سنت لازم می‌دانند رعایت نشود باید نماز خود را اعاده

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۷۹

کند.

مسألهٔ ۴۵۸-- در مسجدالحرام که نماز جماعت به صورت استداره‌ای برگزار می‌شود مؤمنین باید جایی بایستند که عرفاً پشت سر امام قرار گیرند.

بنابر این اگر در غیر مورد تقیه روبرو یا دو طرف امام قرار گیرند باید نماز خود را اعاده کنند.

مسألهٔ ۴۵۹-- چون در طبقهٔ بالای مسجدالحرام و پشت بام مسجدالنبی اتصال برای نماز جماعت برقرار نیست، لذا هنگام نماز اختیاراً به آنجا نروند. ولی اگر چنانچه هنگام اقامهٔ جماعت اتفاقاً آنجا بودند همانجا اقتدا کنند، و نماز صحیح است.

مسألهٔ ۴۶۰-- اقامهٔ جماعت در هتلها و منازل اگر خلاف تقیه مداراتی باشد، جایز نیست.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۰

مسألهٔ ۴۶۱-- سجده بر انواع سنگها که در مسجدالحرام و مسجدالنبی به کار رفته است، جایز است.

مسألهٔ ۴۶۲-- سجده کردن روی فرشهای مسجدالنبی مانعی ندارد، ولی اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتك و انگشت نما شدن نشود، باید به جایی برود که بتواند به جایی که سجده بر او صحیح است سجده کند.

مسألهٔ ۴۶۳-- شخصی که برای خواندن نماز وارد مسجد شود و ببیند جماعت اهل سنت تمام شده ولی هنوز صفها به هم نخورده است، مستحب است برای نمازش اذان و اقامه بگوید و همچنین است، اگر بعد از خواندن جماعت با آنها بخواهد نماز را احتیاطاً اعاده کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۱

مسألهٔ ۴۶۴-- اگر امر دائر شود بین خواندن نماز فرادیٰ در مسجدالحرام بدون شرایط صحت، و نماز فرادیٰ در منزل و هتل با کلیه شرایط صحت، چنانچه تقیه اقتضا نکند باید در منزل و هتل با تمام شرایط نماز بخواند.

مسألهٔ ۴۶۵-- سجده بر حصیرهایی که فعلًا در بازار وجود دارد هر چند با نخ دوخته شده، صحیح است.

مسألهٔ ۴۶۶-- سجده کردن بر مهر، حصیر، باد بزن، کاغذ و امثال آن در مسجد مکه و مدینه چنانچه موجب انگشت‌نما شدن و سبب وهن و اتهام به شیعیان شود جایز نیست.

مسألهٔ ۴۶۷-- در داخل حجر اسماعیل خواندن نماز واجب یا مستحب اشکال ندارد، چون حجر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۲

داخل بیت نمی‌باشد.

مسألهٔ ۴۶۸-- کسی که در مکه قصد اقامه کرده و سپس به عرفات و مشعر و منی می‌رود و حدود سه تا چهار شبانه روز در آنجا می‌ماند، چنانچه ده روز اقامت وی قبل از رفتن به عرفات انجام می‌شود، نماز او در مواضع مذکور تمام، و پس از مراجعت در مکه نیز تمام است- اگر چه بخواهد کمتر از ده روز در مکه بماند-. والّا نماز در آن مواضع شکسته است. و در مکه چنانچه بخواهد کمتر از ده روز بماند مخیر بین قصر و اتمام است.

مسألهٔ ۴۶۹-- اطراف مکه و محله‌های جدیدالاحداث آن اگر عرفاً جزء مکه محسوب شود، قصد اقامه در آنها صحیح است، و رفت و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۳

آمد از آنجا به مسجدالحرام مضر به قصد اقامت نیست، و احرام حج از آنجا کفایت می‌کند، اما اگر خارج از حدود مکه منزل کنند که عرفاً آنجا جزء محله‌های مکه محسوب نشود بلکه دو محل باشد، در این صورت قصد اقامت در دو محل محقق نمی‌شود، واحرام حج از آنجا کفایت نمی‌کند، و نماز در آنجا از جهت تخییر بین قصر و اتمام حکم مکه را ندارد.

مسألهٔ ۴۷۰-- مسافری که در مکه و مدینه مخیر بین قصر و اتمام است، اگر تمام را اختیار کند در این صورت نیز نوافل نهاریه ساقط است.

مسألهٔ ۴۷۱-- استفاده از قرص یا تزریق آمپول برای جلوگیری از عادت ماهانه در ایام حج، چنانچه برای بانوان ضرر نداشته باشد، مانعی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۴

ندارد.

مسألهٔ ۴۷۲-- برداشتن قرآن از مسجدالحرام و مسجدالنبی و سایر مساجد جایز نیست، و اگر کسی بردارد ضامن است، و باید آن را برگرداند.

مسألهٔ ۴۷۳-- اگر در حرم چیزی پیدا کرد به احتیاط واجب آن را برندارد، و اگر برداشت احکام لقطه را دارد، و باید طبق مسألهٔ بعد عمل کند.

مسألهٔ ۴۷۴-- لقطه‌ای را که از حرم برداشته اگر کمتر از یک درهم باشد می‌تواند قصد تملک آن را بکند، ولی اگر بدون قصد تملک نگاه داشت و در نگهداری آن کوتاهی کرد و تلف شدن ضامن است. و اگر آن را تملک کرد و قبل از تلف صاحبش پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند.

مسألهٔ ۴۷۵-- اگر ارزش لقطه یک درهم یا بیشتر

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۵

باشد نمی‌تواند آن را تملک کند، بلکه تا یکسال اعلان کند، و اگر صاحبش پیدا نشد می‌تواند آن را برای صاحبش نگهدارد، یا اینکه از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهد. ولی اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد، باید عوضش را به او بدهد.

مسألهٔ ۴۷۶-- هنگام نظافت حرمین شریفین مشاهده می‌شود مأموران حرم کفشهای فراوانی را که صاحبان آن معلوم نیست جمع‌آوری کرده و دور می‌ریزند، برداشتن آنها چنانچه شخص بداند صاحبان کفش از آن اعراض کرده‌اند، یا راضی هستند، اشکالی ندارد. والّا برداشتن آنها محل اشکال است.

مسألهٔ ۴۷۷-- برداشتن ریگ و سنگ از صفا و

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۶

مروه جایز نیست و باید برگرداند. و از عرفات و مشعر و منی اشکالی ندارد، ولی بطور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

مسألهٔ ۴۷۸-- بر مؤمنین لازم است از انجام اموری که موجب وهن مذهب و بی‌احترامی و تحقیر شیعیان، پیشوایان دین، اهل بیت عصمت و طهارت و ائمه اطهار علیهم السلام می‌شود، و بیگانگان آن را برای حقانیت خویش و سرکوب شیعه دستاویز قرار می‌دهند جداً بپرهیزند. و اگر برخی از مردم عوام از روی غفلت مرتکب آن می‌شوند دوستانه با آرامش و مهربانی آنها را نصیحت و ارشاد کنند. بعضی از آن امور عبارتند از: دست کشیدن یا بوسیدن ضریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دربهای حرم مطهر، متبرک کردن

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۷

اشیاء و لوازم همراه به ضریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا نرده‌های بقیع، انداختن عریضه یا پول داخل ضریح یا قبرستان بقیع، نماز خواندن در داخل یا کنار بقیع و قبرستان ابوطالب، دخیل بستن به نرده‌های بقیع، برداشتن خاک از بقیع یا سایر اماکن متبرکهٔ مکه و مدینه.

مسألهٔ ۴۷۹-- روزه گرفتن در ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) برای کسانی که در منی هستند جایز نیست، و روزه گرفتن در عید قربان بر همهٔ مسلمانان حرام است.

مسألهٔ ۴۸۰-- مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت در مدینهٔ منوره سه روز روزه مستحبی بگیرد، اگر چه روزه قضای واجب به گردن او باشد. و لازم نیست پی در پی یا در روزهای

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۸

معینی باشد. اما افضل بلکه احتیاط مستحب این است که روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد.

مسألهٔ ۴۸۱-- چنانچه رؤیت هلال ذی حجه نزد اهل سنت ثابت شد بر شیعیان لازم است تبعیت کنند، خصوصاً در صورت عدم علم به خلاف.

مسألهٔ ۴۸۲-- تبدیل پول مثل تومان به ریال یا دلار اگر خلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران نباشد با تراضی طرفین اشکالی ندارد.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۸۹

موارد بطلان عمره و حج یا عدم کفایت آن

مواردی که موجب بطلان عمره و حج یا عدم کفایت آن است، در مسائل ذیل مطرح شده است: ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۹۶، ۱۳۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷،

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹۰

۱۸۸، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۱، ۳۰۰، ۳۰۱، ۴۷۹، ۴۹۹، ۵۲۳، ۶۲۲، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۷۳، ۷۲۱، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۶۹، ۷۸۴، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۳، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۵۷، ۱۰۴۰، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹۱

[زیارات مراقد مشرفه در مدینه]

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله وکیفیّت آن

اشاره

آداب زیارت کسی که می‌خواهد به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله یا ائمه هدی علیهم السلام مشرّف شود مستحب است غسل کند، و لباسهای پاک و پاکیزه بر تن کند، و قدمها را کوتاه بردارد، و با وقار و آرامش به طرف قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله یا قبور ائمهٔ بقیع علیهم السلام حرکت کند، و در وقت رفتن به این اماکن مقدّس زبان خود را به ذکر و صلوات مشغول کند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹۲

اذن دخول

«اللَّهُمَّ إِنِّی وَقَفْتُ عَلَی بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ یَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِیفِ فِی غَیْبَتِهِ کَمَا أَعْتَقِدُهَا فِی حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَکَ وَ خُلَفَاءَکَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ أَحْیَاءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُونَ یَرَوْنَ مَقَامِی وَ یَسْمَعُونَ کَلَامِی وَ یَرُدُّونَ سَلَامِی وَ أَنَّکَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِی کَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِی بِلَذِیذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَ إِنِّی أَسْتَأْذِنُکَ یَا رَبِّ أَوَّلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ثَانِیاً وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِیفَتَکَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَیَّ طَاعَتُهُ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِیَّ وَ الْمَلَائِکَةَ الْمُوَکَّلِینَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَکَةِ ثَالِثاً أَ أَدْخُلُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ أَدْخُلُ یَا حُجَّةَ اللَّهِ أَ أَدْخُلُ یَا مَلَائِکَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِینَ الْمُقِیمِینَ فِی هَذَا الْمَشْهَدِ فَأْذَنْ لِی یَا مَوْلَایَ فِی الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹۳

مِنْ أَوْلِیَائِکَ فَإِنْ لَمْ أَکُنْ أَهْلًا لِذَلِکَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِکَ پس داخل شو و بگو بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ عَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی وَ ارْحَمْنِی وَ تُبْ عَلَیَّ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹۵

زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نَبِیَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَاتَمَ النَّبِیِّینَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ فَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَ رَحْمَتُهُ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِکَ الطَّاهِرِینَ» پس رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر بایست، و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالاتِ رَبِّکَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدَّیْتَ الَّذِی عَلَیْکَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّکَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِینَ وَ غَلُظْتَ عَلَی الْکَافِرِینَ فَبَلَّغَ اللَّهُ بِکَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُکَرَّمِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اسْتَنْقَذَنَا بِکَ مِنَ الشِّرْکِ وَ الضَّلَالَةِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَ أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ وَ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹۶

مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ أَمِینِکَ وَ نَجِیِّکَ وَ حَبِیبِکَ وَ صَفِیِّکَ وَ خَاصَّتِکَ وَ صَفْوَتِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِیعَةَ وَ آتِهِ الْوَسِیلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّکَ

قُلْتَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ؟ الرَّسُولُ؟ لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحِیماً وَ إِنِّی أَتَیْتُکَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِی وَ إِنِّی أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی اللَّهِ رَبِّی وَ رَبِّکَ لِیَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی.»

مناسک حج (فاضل)، ص: ۴۹۷

سپس حاجت خود را بخواه، که إن شاءاللّه برآورده می‌شود. روایت است که حضرت صادق علیه السلام به نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی اجْتَبَاکَ وَ اخْتَارَکَ وَ هَدَاکَ وَ هَدَی بِکَ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَیْکَ پس فرمود إِنَّ اللّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی؟ النَّبِیِّ؟ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً».

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وداع

زمانی که خواستی از مدینه کوچ کنی، پس از انجام همه کارهایت غسل کن و به طرف قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برو و آنچه را در اول ورود انجام داده‌ای، انجام بده و بگو:

«السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَ أَسْتَرْعِیکَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَلْتَ عَلَیْهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی لِزِیَارَةِ قَبْرِ نَبِیِّکَ فَإِنْ تَوَفَّیْتَنِی قَبْلَ ذَلِکَ فَإِنِّی أَشْهَدُ فِی مَمَاتِی عَلَی مَا شَهِدْتُ عَلَیْهِ فِی حَیَاتِی أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۰۱

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

در محل دفن آن حضرت اختلاف است: ۱- بعضی گفته‌اند قبر آن حضرت در روضه که مابین قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و منبر آن حضرت می‌باشد. و در روایت آمده از امام صادق علیه السلام که پیامبر فرمودند: «بین قبر من و منبر من باغی از باغهای بهشت است». «۱» ۲- بعضی دیگر گفته‌اند که آن حضرت در خانهٔ خودشان دفن شدند. ۳- و برخی روایت کرده‌اند که آن حضرت در

---

(۱)- کافی، ج ۴، باب (المنبر والروضه ومقام النبی صلی الله علیه و آله) ح ۱۰.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۰۲

بقیع دفن شدند. و کسی که آن معظّمه را زیارت کند در این سه موضع افضل است. و چون ایستادی در این مواضع از برای زیارت آن مظلومه، بگو:

«یَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَکِ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکِ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَکِ فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَّا لَکِ أَوْلِیَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِکُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوکِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ أَتَی [أَتَانَا] بِهِ وَصِیُّهُ فَإِنَّا نَسْأَلُکِ إِنْ کُنَّا صَدَّقْنَاکِ إِلَّا أَلْحَقْتِنَا بِتَصْدِیقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهُرْنَا بِوَلَایَتِکِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ نَبِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ حَبِیبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۰۳

خَلِیلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ صَفِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ أَمِینِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِکَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیَّةِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا سَیِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا

زَوْجَهَ وَلِیِّ اللَّهِ وَ خَیْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الصِّدِّیقَهُ الشَّهِیدَهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الرَّضِیَّهُ الْمَرْضِیَّهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْفَاضِلَهُ الزَّکِیَّهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِیَّهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَهُ الْعَلِیمَهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْمَظْلُومَهُ الْمَغْصُوبَهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْمُضْطَهَدَهُ الْمَقْهُورَهُ السَّلَامُ عَلَیْکِ یَا فَاطِمَهُ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکِ وَ عَلَی رُوحِکِ وَ بَدَنِکِ أَشْهَدُ أَنَّکِ مَضَیْتِ عَلَی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّکِ وَ أَنَّ مَنْ سَرَّکِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ جَفَاکِ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ آذَاکِ فَقَدْ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۰۴

آذَی رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ وَصَلَکِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ قَطَعَکِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ لِأَنَّکِ بَضْعَهٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّذِی بَیْنَ جَنْبَیْهِ کَمَا قَالَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أُشْهِدُ اللَّهَ وَ رُسُلَهُ وَ مَلَائِکَتَهُ أَنِّی رَاضٍ عَمَّنْ رَضِیتِ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَی مَنْ سَخِطْتِ عَلَیْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتِ مِنْهُ مُوَالٍ لِمَنْ وَالَیْتِ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَیْتِ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ وَ کَفَی بِاللَّهِ شَهِیداً وَ حَسِیباً وَ جَازِیاً وَ مُثِیباً.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۰۷

زیارت ائمّهٔ بقیع علیهم السلام

ائمه بقیع عبارتند از: ۱- حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام. ۲- امام زین‌العابدین علیه السلام. ۳- امام محمد باقر علیه السلام. ۴- امام جعفر صادق علیه السلام. چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را آنچه در آداب زیارات ذکر شد بجا آور، و بگو: یَا مَوَالِیَّ یَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُکُمْ وَ ابْنُ أَمَتِکُمُ الذَّلِیلُ بَیْنَ أَیْدِیکُمْ وَ الْمُضْعِفُ [الْمُضْعَفُ] فِی عُلُوِّ قَدْرِکُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّکُمْ جَاءَکُمْ مُسْتَجِیراً بِکُمْ قَاصِداً إِلَی حَرَمِکُمْ مُتَقَرِّباً إِلَی مَقَامِکُمْ مُتَوَسِّلًا إِلَی اللَّهِ تَعَالَی بِکُمْ أَ أَدْخُلُ یَا مَوَالِیَّ أَ أَدْخُلُ یَا أَوْلِیَاءَ اللَّهِ أَ أَدْخُلُ یَا مَلَائِکَهَ اللَّهِ الْمُحْدِقِینَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِیمِینَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ و بعد از خشوع و خضوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو اللَّهُ أَکْبَرُ کَبِیراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کَثِیراً وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُکْرَهً وَ أَصِیلًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْأَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِی مَنَّ بِطَوْلِهِ وَ سَهَّلَ زِیَارَهَ سَادَاتِی بِإِحْسَانِهِ وَ لَمْ یَجْعَلْنِی عَنْ زِیَارَتِهِمْ مَمْنُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۰۸

کن و بگو السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَئِمَّهَ الْهُدَی السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ التَّقْوَی السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْحُجَجُ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْقُوَّامُ فِی الْبَرِیَّهِ بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الصَّفْوَهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ النَّجْوَی أَشْهَدُ أَنَّکُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِی ذَاتِ اللَّهِ وَ کُذِّبْتُمْ وَ أُسِیءَ إِلَیْکُمْ فَغَفَرْتُمْ وَ أَشْهَدُ أَنَّکُمُ الْأَئِمَّهُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَ أَنَّ طَاعَتَکُمْ مَفْرُوضَهٌ وَ أَنَّ قَوْلَکُمُ الصِّدْقُ وَ أَنَّکُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنَّکُمْ دَعَائِمُ الدِّینِ وَ أَرْکَانُ الْأَرْضِ لَمْ تَزَالُوا بِعَیْنِ اللَّهِ یَنْسَخُکُمْ مِنْ أَصْلَابِ کُلِّ مُطَهَّرٍ وَ یَنْقُلُکُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَنِّسْکُمُ الْجَاهِلِیَّهُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرَکْ فِیکُمْ فِتَنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَ مَنْبَتُکُمْ مَنَّ بِکُمْ عَلَیْنَا دَیَّانُ الدِّینِ فَجَعَلَکُمْ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَیْکُمْ رَحْمَهً لَنَا وَ کَفَّارَهً لِذُنُوبِنَا إِذِ اخْتَارَکُمُ اللَّهُ لَنَا وَ طَیَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَیْنَا مِنْ وِلَایَتِکُمْ وَ کُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّینَ بِعِلْمِکُمْ مُعْتَرِفِینَ بِتَصْدِیقِنَا إِیَّاکُمْ وَ هَذَا مَقَامُ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ وَ اسْتَکَانَ وَ أَقَرَّ بِمَا جَنَی وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَ أَنْ یَسْتَنْقِذَهُ بِکُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکَی مِنَ الرَّدَی فَکُونُوا لِی شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَیْکُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْکُمْ أَهْلُ الدُّنْیَا وَ اتَّخَذُوا آیَاتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اسْتَکْبَرُوا عَنْهَا یَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا یَلْهُو وَ مُحِیطٌ بِکُلِّ شَیْءٍ لَکَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِی وَ عَرَّفْتَنِی بِمَا أَقَمْتَنِی عَلَیْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُکَ وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَی سِوَاهُ فَکَانَتِ الْمِنَّهُ مِنْکَ عَلَیَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِی بِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ إِذْ کُنْتُ عِنْدَکَ فِی مَقَامِی هَذَا مَذْکُوراً مَکْتُوباً فَلَا تَحْرِمْنِی مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُخَیِّبْنِی فِیمَا دَعَوْتُ

بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۱۳

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله

ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله بود از ماریه قبطیه، که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به او خیلی علاقه داشت تا اینکه در حدود دوسالگی از دنیا رفت و در قبرستان بقیع دفن شد. زیارت آن حضرت بدین نحو است.

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَ خِيَرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرُّوحُ الزَّاكِيَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا النَّسَمَةُ الزَّاكِيَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَ الْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۱۴

دَارَ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ فَنَقَلَكَ إِلَيْهِ طَيِّباً زَاكِياً مَرْضِيّاً طَاهِراً مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّساً مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ بَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَ رَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَ تُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَ أَزْكَاهَا وَ أَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَ أَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى مَنْ خَلَّفَ مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَ إِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُوراً وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً وَ حَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَ عَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَ أَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَ أُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَ شُئُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَ أَحْسِنْ لِيَ التَّوْفِيقَ وَ نَفِّسْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ ضِيقٍ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَ امْنَحْنِي ثَوَابَكَ وَ أَسْكِنِّي جِنَانَكَ وَ ارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَ أَمَانَكَ وَ أَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدَيَّ وَ وُلْدِي وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءَ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتَ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پس از خواندن زیارت حاجات خود را طلب کن.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۱۸

زیارت فاطمه بنت اسد

(مادر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام) السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ الْهَاشِمِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ [الْمَرْضِيَّةُ] السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكِ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۱۹

يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا مَنْ تَرْبِيَتُهَا لِوَلِيِّ اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكِ وَ عَلَى رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ الطَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيْكِ وَ عَلَى وَلَدِكِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكِ أَحْسَنْتِ الْكَفَالَةَ وَ أَدَّيْتِ الْأَمَانَةَ وَ اجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ

بَالَغْتِ فِی حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَةً بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ کَافِلَةً بِتَرْبِیَتِهِ مُشْفِقَةً عَلَی نَفْسِهِ وَاقِفَةً عَلَی خِدْمَتِهِ مُخْتَارَةً رِضَاهُ [مُؤْثِرَةً هَوَاهُ] وَ أَشْهَدُ أَنَّکِ مَضَیْتِ عَلَی الْإِیمَانِ وَ التَّمَسُّکِ بِأَشْرَفِ الْأَدْیَانِ رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً طَاهِرَةً زَکِیَّةً تَقِیَّةً نَقِیَّةً فَرَضِیَ اللَّهُ عَنْکِ وَ أَرْضَاکِ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکِ وَ مَأْوَاکِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِی بِزِیَارَتِهَا وَ ثَبِّتْنِی عَلَی مَحَبَّتِهَا وَ لَا تَحْرِمْنِی شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّیَّتِهَا وَ ارْزُقْنِی مُرَافَقَتَهَا وَ احْشُرْنِی مَعَهَا وَ مَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِینَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِی إِیَّاهَا وَ ارْزُقْنِی الْعَوْدَ إِلَیْهَا أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی وَ إِذَا تَوَفَّیْتَنِی فَاحْشُرْنِی فِی زُمْرَتِهَا وَ أَدْخِلْنِی فِی شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَکَ وَ مَنْزِلَتِهَا لَدَیْکَ اغْفِرْ لِی وَ لِوَالِدَیَّ وَ لِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِکَ عَذَابَ النَّارِ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲۲

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام هنگام وداع

«السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَئِمَّةَ الْهُدَی وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَسْتَوْدِعُکُمُ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکُمُ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَلْتُمْ عَلَیْهِ اللَّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِینَ».

پس بسیار دعا کن واز خدا بخواه که بار دیگر تو را به زیارت ایشان برگرداند.

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲۳

زیارت جامعهٔ کبیره

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ؟ مُحَمَّداً؟ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ».

با حال غسل داخل حرم شو، و پس از گفتن صد مرتبه «اللَّهُ اکْبَرُ» بگو:

«السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِکَةِ وَ مَهْبِطَ الْوَحْیِ وَ مَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَ خُزَّانَ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَی الْحِلْمِ وَ أُصُولَ الْکَرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِیَاءَ النِّعَمِ وَ عَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمَ الْأَخْیَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْکَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِیمَانِ وَ أُمَنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةَ النَّبِیِّینَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِینَ وَ عِتْرَةَ خِیَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی أَئِمَّةِ الْهُدَی وَ مَصَابِیحِ الدُّجَی وَ أَعْلَامِ التُّقَی وَ ذَوِی النُّهَی وَ أُولِی الْحِجَی وَ کَهْفِ الْوَرَی وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَی وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَی وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَی وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاکِنِ بَرَکَةِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِکْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةِ کِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِیَاءِ نَبِیِّ اللَّهِ وَ ذُرِّیَّةِ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲۴

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی الدُّعَاةِ إِلَی اللَّهِ وَ الْأَدِلَّاءِ عَلَی مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَوْفِرِینَ فِی أَمْرِ اللَّهِ وَ التَّامِّینَ فِی مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ الْمُخْلِصِینَ فِی تَوْحِیدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهِرِینَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْیِهِ وَ عِبَادِهِ الْمُکْرَمِینَ الَّذِینَ لَا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَ السَّادَةِ الْوُلَاةِ وَ الذَّادَةِ الْحُمَاةِ وَ أَهْلِ الذِّکْرِ وَ أُولِی الْأَمْرِ وَ بَقِیَّةِ اللَّهِ وَ خِیَرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَیْبَةِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ کَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِکَتُهُ وَ أُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضَی أَرْسَلَهُ بِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّکُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُکَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِیعُونَ لِلَّهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِکَرَامَتِهِ اصْطَفَاکُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاکُمْ لِغَیْبِهِ وَ اخْتَارَکُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاکُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ أَعَزَّکُمْ بِهُدَاهُ وَ خَصَّکُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ انْتَجَبَکُمْ لِنُورِهِ وَ أَیَّدَکُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِیَکُمْ خُلَفَاءَ

فِی أَرْضِهِ وَ حُجَجاً عَلَی بَرِیَّتِهِ وَ أَنْصَاراً لِدِینِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِکْمَتِهِ وَ تَرَاجِمَةً لِوَحْیِهِ وَ أَرْکَاناً لِتَوْحِیدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَی خَلْقِهِ وَ أَعْلَاماً لِعِبَادِهِ وَ مَنَاراً فِی بِلَادِهِ وَ أَدِلَّاءَ عَلَی صِرَاطِهِ عَصَمَکُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَکُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَکُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَکُمْ تَطْهِیراً فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَ أَکْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ مَجَّدْتُمْ کَرَمَهُ وَ أَدَمْتُمْ ذِکْرَهُ وَ وَکَّدْتُمْ مِیثَاقَهُ وَ أَحْکَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِی السِّرِّ وَ الْعَلَانِیَةِ وَ دَعَوْتُمْ إِلَی

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲۶

سَبِیلِهِ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ بَذَلْتُمْ أَنْفُسَکُمْ فِی مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَی مَا أَصَابَکُمْ فِی جَنْبِهِ وَ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتُمُ الزَّکَاةَ وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ جَاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّی أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَ بَیَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ نَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْکَامِهِ وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَ صِرْتُمْ فِی ذَلِکَ مِنْهُ إِلَی الرِّضَا وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَی فَالرَّاغِبُ عَنْکُمْ مَارِقٌ وَ اللَّازِمُ لَکُمْ لَاحِقٌ وَ الْمُقَصِّرُ فِی حَقِّکُمْ زَاهِقٌ وَ الْحَقُّ مَعَکُمْ وَ فِیکُمْ وَ مِنْکُمْ وَ إِلَیْکُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِیرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَکُمْ وَ إِیَابُ الْخَلْقِ إِلَیْکُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَیْکُمْ وَ فَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَکُمْ وَ آیَاتُ اللَّهِ لَدَیْکُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِیکُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَکُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَیْکُمْ مَنْ وَالاکُمْ فَقَدْ وَالَی اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاکُمْ فَقَدْ عَادَی اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّکُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَکُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ أَنْتُمُ السَّبِیلُ الْأَعْظَمُ وَ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَ الْآیَةُ الْمَخْزُونَةُ وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَی بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاکُمْ فَقَدْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ یَأْتِکُمْ فَقَدْ هَلَکَ إِلَی اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَیْهِ تَدُلُّونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَی سَبِیلِهِ تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْکُمُونَ سَعِدَ وَ اللَّهِ مَنْ وَالاکُمْ وَ هَلَکَ مَنْ عَادَاکُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَکُمْ وَ ذَلَّ مَنْ فَارَقَکُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّکَ بِکُمْ وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَیْکُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَکُمْ وَ هُدِیَ مَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ مَنِ اتَّبَعَکُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَکُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَکُمْ کَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَکُمْ مُشْرِکٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَیْکُمْ فِی أَسْفَلِ دَرْکٍ مِنَ الْجَحِیمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَکُمْ فِیمَا مَضَی وَ جَارٍ لَکُمْ فِیمَا بَقِیَ وَ أَنَّ أَرْوَاحَکُمْ وَ نُورَکُمْ وَ طِینَتَکُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَکُمُ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَکُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقِینَ حَتَّی مَنَّ عَلَیْنَا بِکُمْ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲۷

فَجَعَلَکُمْ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَیْکُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَایَتِکُمْ طِیباً لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزْکِیَةً لَنَا وَ کَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا فَکُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِینَ بِفَضْلِکُمْ وَ مَعْرُوفِینَ بِتَصْدِیقِنَا إِیَّاکُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِکُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُکَرَّمِینَ وَ أَعْلَی مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِینَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا یَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا یَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا یَطْمَعُ فِی إِدْرَاکِهِ طَامِعٌ حَتَّی لَا یَبْقَی مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِّیقٌ وَ لَا شَهِیدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا دَنِیٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِیدٌ وَ لَا شَیْطَانٌ مَرِیدٌ وَ لَا خَلْقٌ فِیمَا بَیْنَ ذَلِکَ شَهِیدٌ إِلَّا عَرَّفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِکُمْ وَ عِظَمَ خَطَرِکُمْ وَ کِبَرَ شَأْنِکُمْ وَ تَمَامَ نُورِکُمْ وَ صِدْقَ مَقَاعِدِکُمْ وَ ثَبَاتَ مَقَامِکُمْ وَ شَرَفَ مَحَلِّکُمْ وَ مَنْزِلَتِکُمْ عِنْدَهُ وَ کَرَامَتَکُمْ عَلَیْهِ وَ خَاصَّتَکُمْ لَدَیْهِ وَ قُرْبَ مَنْزِلَتِکُمْ مِنْهُ بِأَبِی أَنْتُمْ وَ أُمِّی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ أُسْرَتِی أُشْهِدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُکُمْ أَنِّی مُؤْمِنٌ بِکُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ کَافِرٌ بِعَدُوِّکُمْ وَ بِمَا کَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِکُمْ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَکُمْ مُوَالٍ لَکُمْ وَ لِأَوْلِیَائِکُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِکُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِیعٌ لَکُمْ عَارِفٌ بِحَقِّکُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِکُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِکُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِکُمْ مُعْتَرِفٌ بِکُمْ مُؤْمِنٌ بِإِیَابِکُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِکُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِکُمْ آخِذٌ بِقَوْلِکُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِکُمْ مُسْتَجِیرٌ بِکُمْ زَائِرٌ لَکُمْ عَائِذٌ بِکُمْ لَائِذٌ بِقُبُورِکُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِکُمْ وَ مُتَقَرِّبٌ بِکُمْ إِلَیْهِ وَ مُقَدِّمُکُمْ أَمَامَ طَلِبَتِی وَ حَوَائِجِی وَ إِرَادَتِی فِی کُلِّ أَحْوَالِی وَ أُمُورِی مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَ عَلَانِیَتِکُمْ وَ شَاهِدِکُمْ وَ غَائِبِکُمْ وَ أَوَّلِکُمْ وَ آخِرِکُمْ وَ مُفَوِّضٌ فِی ذَلِکَ کُلِّهِ إِلَیْکُمْ وَ مُسَلِّمٌ فِیهِ مَعَکُمْ وَ قَلْبِی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْیِی لَکُمْ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲۸

تَبَعٌ وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّی یُحْیِیَ اللَّهُ تَعَالَی دِینَهُ بِکُمْ وَ یَرُدَّکُمْ فِی أَیَّامِهِ وَ یُظْهِرَکُمْ لِعَدْلِهِ وَ یُمَکِّنَکُمْ فِی أَرْضِهِ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لَا مَعَ

عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكَمْ وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكَمْ وَ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِكَمْ وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَ الْجَاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَ الْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ وَ الشَّاكِّينَ فِيكُمْ وَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَثَبَّتَنِيَ اللَّهُ أَبَداً مَا حَيِيتُ عَلَى مُوَالاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ وَ يُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يُمَلَّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرَّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكَّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ وَ بِكُمْ يَكْشِفُ الضُّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ (و اگر زيارت اميرالمؤمنين عليه السلام باشد بجای وَ إِلَى جَدِّكُمْ بگو: وَ إِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ آتَاكُمُ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ طَأْطَأَ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۲۹

أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمُ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمُ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ وَ شَأْنُكُمُ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرِّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَ أُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا بِكُمْ مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي بِمُوَالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمُوَالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمُوَالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّأْنُ الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّةِ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۳۰

الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ».

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۴۳

زيارت امين‌اللّه

از حضرت امام محمد باقر عليه السلام به سندهای معتبر روايت شده كه امام زين العابدين عليه السلام به زيارت اميرالمؤمنين عليه

السلام آمد، و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست، و فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ ص حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نَعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ- پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالِهَةٌ وَ سُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَ أَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَ أَفْئِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ وَ أَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَ دَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَ عَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَ الْإِغَاثَةَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَ الْإِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ وَ عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةٌ وَ زَلَلَ مَنِ اسْتَقَالَكَ مُقَالَةٌ وَ أَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَ أَرْزَاقَ الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَ عَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَ حَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَ جَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَ عَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَ مَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَ مَنَاهِلَ الظِّمَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ اقْبَلْ ثَنَائِي وَ أَعْطِنِي جَزَائِي وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۴۴

فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع- إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَ مُنْتَهَى مُنَايَ وَ غَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ در کامل الزیارة بعد از این زیارت این فقرات نیز مسطور است:

أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَ كُفَّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَ اشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

پس حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«که هر کس از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از

مناسک حج (فاضل)، ص: ۵۴۸

ائمه علیهم السلام بخواند البته خداوند سبحان این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا برد، و مهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن بزنند، و چنین محفوظ باشد تا به قائم آل محمد علیهم السلام تسلیم کنند، پس صاحبش را به بشارت و تحیّت و کرامت استقبال نماید ان‌شاءاللّه‌تعالی.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، مناسک حج (فاضل)، در یک جلد، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، دوازدهم، ۱۴۲۳ ه ق

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹